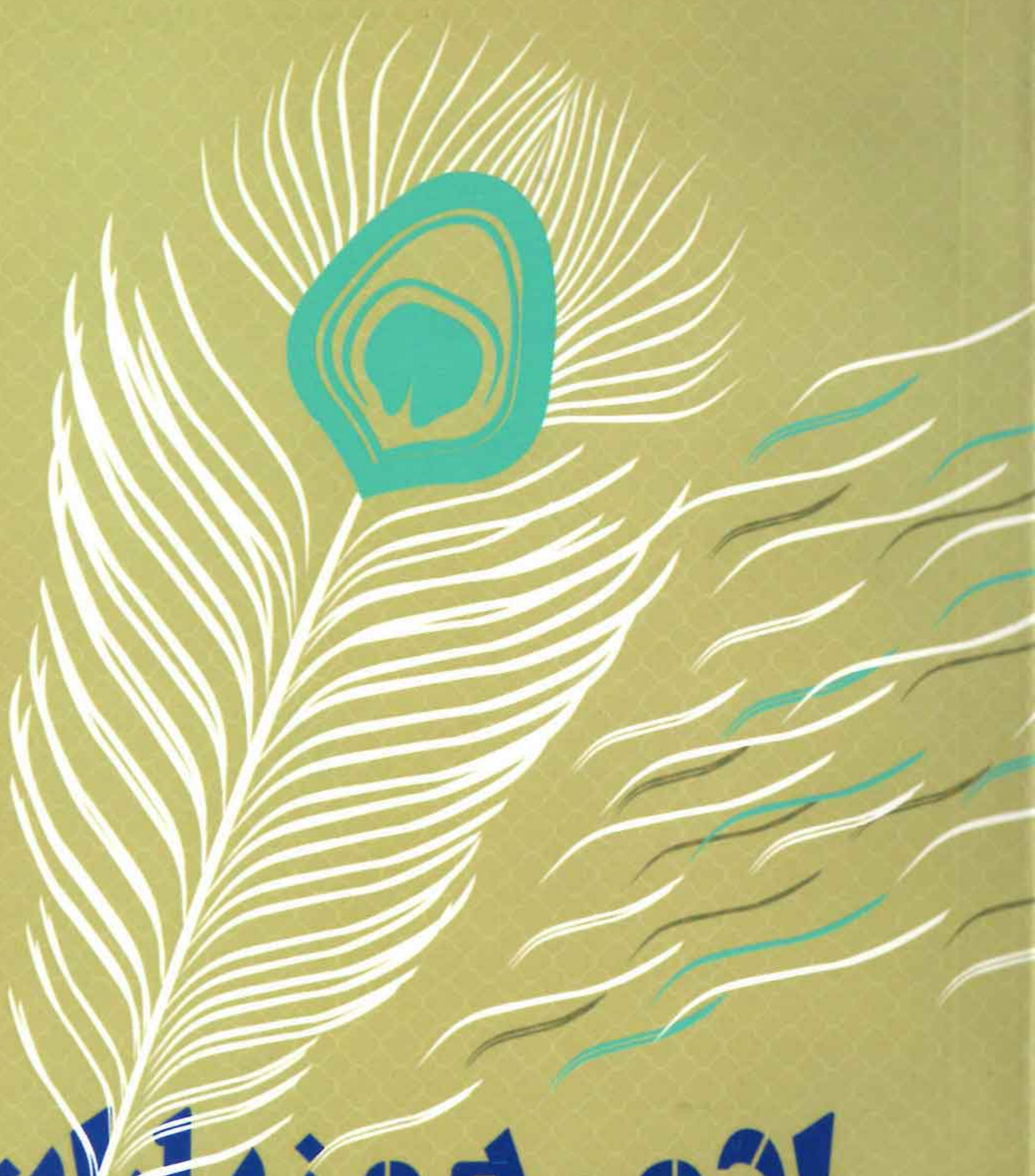


چاپ سوم



ادعیه و زیارات میرزاوی

محمود آبادی

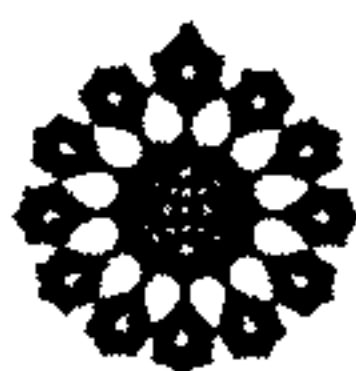
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ادعیه و زیارات مہدوی

◇ محمود اباذری

سرشناسه	: اباذری، محمود، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: ادعیه و زیارات مهدوی / محمود اباذری؛ ویراستار فاطمه اکبری .
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی، حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۵ .
مشخصات ظاهری	: ۱۵۲ ص،
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع ۶	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - دعاها
موضوع ۶	: <i>Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Prayers</i>
موضوع ۶	: دعا - تأثیر
موضوع ۶	: <i>Prayer -- *Influence</i>
موضوع ۶	: دعا - فلسفه
موضوع ۶	: <i>Prayer -- Philosophy</i>
موضوع ۶	: دعاها
موضوع ۶	: <i>Prayers</i>
موضوع ۶	: مهدویت - انتظار
موضوع ۶	: <i>Mahdism -- *Waiting</i>
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ ۴الف۲الف/ BP۲۲۴
رده بندی دیوید	: ۴۶۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۳۷۷۲۲۳

ادعیه و زیارات مهدوی



بنیاد فرهنگی مهدوی
انتشارات

- مؤلف: محمود اباذری
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- ویراستار: فاطمه اکبری
- طراح جلد: سید ابوالحسن فاطمی
- صفحه آراء: مسعود سلیمانی
- نوبت چاپ: سوم / تابستان ۱۳۹۶
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۴-۳
- شد (تاکتون ۳۰۰۰ نسخه)

• قیه R400000

تمامی حقوق محفوظ است.

- قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۱-۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ / تلفن: ۰۲۱-۸۱۹۹۸۶۰۰ / نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست مطالب

بخش اول: مباحث مقدماتی	۱۱
۱. جایگاه و اهمیت دعا	۱۲
۲. انواع دعا	۱۲
۳. راه و رسم دعا	۱۴
۴. دعا لقلقه زبان نیست	۱۵
۵. تفاوت دعا و زیارت	۱۵
۶. مشروعیت توسل، زیارت و شفاعت	۱۶
۷. حکم زیارت و شفاعت بعد از رحلت انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام	۲۴
۸. لزوم ارتباط با اهل بیت علیهم السلام	۲۷
۹. اهمیت و آثار دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه	۲۹
۱۰. انواع ادعیه و زیارات مهدوی	۲۹
بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی	۳۱
دعای تعجیل فرج	۳۲
دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه	۳۶
دعای معرفت	۴۱
دعای فرج	۴۷
دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ»	۵۰
دعای عهد	۶۲
زیارت آل یس	۶۸
دعای ندبه	۸۱
نمایه‌ای از دعاها و زیارت‌های مهدوی در <i>مفاتیح الجنان</i>	۱۱۰
الف) باب اول: دعاها	۱۱۰

۶ ادعیه و زیارات مهدوی ❁

ب) باب دوم: اعمال سنه (اعمالی که در طول سال انجام می شود)..... ۱۱۱

ج) باب سوم: زیارت ها..... ۱۱۱

بخش ضمائم ۱۱۵

ضمیمه شماره ۱..... ۱۱۶

دعا..... ۱۱۶

ضرورت دعا کردن..... ۱۱۶

آداب دعا..... ۱۱۷

شرایط استجاب دعا..... ۱۲۰

موانع استجاب..... ۱۲۱

اوقات دعا..... ۱۲۲

راز تاخیر در اجابت..... ۱۲۳

فضیلت صلوات و دعا برای حضرت رسول ﷺ و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام... ۱۲۸

بلند همت بودن درخواست ها..... ۱۳۰

شبهه هایی درباره دعا و پاسخ آن..... ۱۳۱

حالت پس از دعا..... ۱۳۴

خطر بزرگ شرک خفی پس از استجاب دعا..... ۱۳۸

دعائی از امام حسین علیهم السلام..... ۱۴۱

ضمیمه شماره ۲..... ۱۴۳

فهرست برخی از منابع پیرامون ادعیه و زیارات مهدوی..... ۱۴۳

منابع و مأخذ..... ۱۴۸

تقدیم به

خورشید هدایت، کشتی نجات، سید جوانان بهشت و سرور و سالار شهیدان آقا
ابی عبد الله الحسین (علیه السلام)؛ شخصیتی که با عمل خود حقیقت دعا را معنا کرد و در
آخرین دعای خود درگودی قتلگاه این چنین با معبود و معشوق خویش معاشقه نمود:
«اللَّهُمَّ! [أَنْتَ] مُتَعَالَى الْمَكَانِ، عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ، شَدِيدُ الْمَحَالِ، غَنِيٌّ عَنِ
الْخَلَائِقِ، عَرِيضُ الْكِبَرِيَاءِ، قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، قَرِيبُ الرَّحْمَةِ، صَادِقُ
الْوَعْدِ، سَابِغُ النِّعْمَةِ، حَسَنُ الْبَلَاءِ، قَرِيبٌ إِذَا دُعِيَ...».

به امید آنکه خداوند - هرچه زودتر - به وسیله نهمین فرزند امام حسین (علیه السلام) یعنی
خاتم اوصیاء بقیه الله الاعظم حضرت مهدی موعود (علیه السلام)؛ جهان را با نور عدالت زنده
نماید و دین حق را به دست او بر همه دین ها پیروز گرداند.

پیشگفتار

شب عید غدیر کنار کعبه مقابل رکن یمانی نشسته بودم. جوانی در کنارم مشغول به راز و نیاز بود. وقتی نمازش تمام شد، باب گفتگو را با او باز کردم. دکتر حامد اهل مصر و فارغ التحصیل دانشگاه الازهر، حافظ قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم، صاحب کرسی تدریس و مؤلف چندین کتاب بود.

پس از گفتگوی مفصلی در باره غدیر خم و خواندن روایات آن از صحیحین و اقرار او به این مطلب که می داند با وجود شخصیتی چون علی بن ابی طالب (علیه السلام) نوبت به دیگران نمی رسد، نگاهش به کتاب ادعیه و آداب حرمین شریفین افتاد که در مقابلم بود و پرسید: این کتاب چیست؟ چه چیزی در آن نوشته شده است؟ چرا شیعیان، آن را از ما پنهان می کنند؟^۱

ضمن معرفی کتاب آن را باز کردم، دعای کمیل آمد. پرسیدم: با دعای کمیل آشنا هستید؟

گفت: نه! دعای کمیل چیست؟

گفتم: این دعا، مناجاتی است با خدا از آقا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) که آن را به یکی از اصحاب خود، به نام کمیل بن زیاد، املا نموده و او نیز آن را نوشته و به این وسیله به دست ما رسیده است. سپس حدود یک سوم دعا را از بخش های مختلف آن برایش خواندم. خیلی مورد توجه او قرار گرفت و از من خواست تا همه دعا را برایش بخوانم!

از آغاز تا پایان دعا را برایش خواندم. از خود بی خود شده بود، تقریباً بیست دقیقه

۱. سر استنکاف برخی، از دادن این کتاب به دیگران این است که یکی از شگردهای مأموران وهابیی در حرمین شریفین برای آزار و اذیت شیعیان این گونه است که کسی را نزد زائران ایرانی می فرستند که وانمود می کند شیعه و از فلان کشور است و برای آشنایی بیشتر با شیعه نیاز به کتاب هایی در این رابطه دارد، به محض این که کتاب داده شد مأمور سعودی که از دور مراقب است، جلو می آید و این ایرانی را به جرم نشر کتب ضاله دستگیر می کند.

فرازهایی را که به ذهن سپرده بود، با خود تکرار می‌کرد. سپس با تحیر و شگفتی گفت: این دعا نمی‌تواند از یک انسان عادی باشد، دعای بسیار عجیبی است؛ اگر ممکن است یک بار دیگر این دعا را برایم بخوان!!

با شنیدن این جمله افسوس خوردم که چرا ما آن چنان که شایسته است قدر این سرمایه گرانبها را نمی‌دانیم و حتی هنگام خواندن دعا، گاهی چند بار ورق می‌زنیم تا ببینیم کی تمام می‌شود! غافل از اینکه اگر این دعاها را با توجه به معانی آنها بخوانیم؛ کم بخوانیم اما بفهمیم و هدفمان تمام کردن دعا نباشد، آن گاه از لذت بخش ترین اوقات ما لحظاتی خواهد بود که با این دعاها با معبود خود راز و نیاز می‌کنیم و روح و روانمان را از زلال ناب معرفت او سیراب می‌نماییم.

وقتی این شور و اشتیاق را نسبت به دعای کمیل در وجودش دیدم، کتاب ادعیه و آداب حرمین شریفین را به او هدیه کردم، به امید آن که بیشتر با معارف اهل بیت (علیهم السلام) آشنا گردد.

آری! دعاهایی که از سوی امامان معصوم (علیهم السلام) به دست ما رسیده، سرمایه گرانبهایی از ناب ترین معارف اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی و در یک کلمه دانشگاهی است؛ از درس هایی که هیچ انسانی از آن بی نیاز نیست.

سپاس خدای را که به برکت پیمودن راهی که آفریدگار هستی به وسیله رسولش ما را به آن سفارش نمود، یعنی تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، از سرمایه‌های ارزشمندی بهره‌مند هستیم که از جمله آنها دعاها و زیارت‌هایی است که درباره موضوع مهدویت به دست ما رسیده است.

هدف از این نوشتار گردآوری همه این ادعیه و زیارات نیست، زیرا در گذشته این مهم انجام شده است؛^۱ بلکه هدف نگارنده این بوده است که درباره برخی از دعاهایی

۱. ر.ک: صحیفه المهدی تألیف جواد قیومی اصفهانی و کتاب صحیفه مهدیه، تألیف سید مرتضی مجتهدی سیستانی.

۱۰ ❀ دعاها و زیارت‌های مهدوی

که مردم با آن‌ها انس دارند نکاتی بیان شود، تا در کنار خواندن دعا، با توجه به این نکات بر معرفت خود نسبت به ولی نعمت خویش بیفزاییم و از لابلای آن با وظیفه خود در دوران سخت و طاقت فرسای انتظار آشنا شویم و دریابیم که منتظر حقیقی کیست و چه وظائفی بر عهده دارد؟ و اینکه چگونه خود را برای یاری امام خویش آماده سازیم و دهها نکته معرفتی دیگر را از دل این دعا و زیارت‌ها صید نماییم.

مطالب در دو بخش تنظیم گردید؛ بخش اول شامل مباحث مقدماتی است و در بخش دوم، هشت دعا و زیارت انتخاب گردید و نکاتی کاربردی راجع به آن، بیان شد و نهایتاً به مناسبت موضوع دعا، مطالبی را که سابقاً در رابطه با موضوع دعا آماده نموده بودم به عنوان ضمیمه در پایان کتاب قرار دادم.

به امید آن که این اثر ناچیز مورد قبول آقا و مولایمان خاتم اوصیاء بقیةالله الاعظم ﷺ قرار گیرد.

بار الاها! ما را در ادای حقوقش، و تلاش در پیرویش و دوری از نافرمانیش یاری فرما و نعمت بزرگ خشنودی، رأفت، رحمت، دعا و خیرش را شامل حالمان بگردان.^۱

قم

محمود اباذری

روز عرفه ۱۴۳۶ برابر با اول مهر ماه ۱۳۹۴

۱. هر گونه پیشنهاد یا انتقاد خود به این مجموعه را می‌توانید از طریق پست الکترونیکی زیر ارائه نمایید.
Abazar۱۲@chmail.ir یا Abazari۱۲@gmail.com

بخش اول

مباحث مقدماتی

۱. جایگاه و اهمیت دعا

دعا برطرف کننده امواج بلا و قضا، حقیقت عبادت، چراغی در تاریکی، سلاح مؤمن، ستون دین، سپر مؤمن، شفای هر بیماری، کلید نجات، رستگاری و رحمت، نور آسمان ها و زمین و در یک جمله محبوب ترین کارها نزد آفریدگار هستی است، به شرطی که از سینه ای پاک و قلبی پرهیزگار سرچشمه بگیرد.^۱

در اهمیت آن همین بس که قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَوُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛ بگو: پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد».^۲

۲. انواع دعا

دعای عوام

- دعای افرادی که ویژگی های ذیل را داشته باشند، دعای عوام نامیده می شود:
- الف) وقتی با مشکلی روبرو می شوند، به یاد خداوند می افتند و دعا می کنند.^۳
 - ب) دعای آن ها فقط خواستن است، نه راز و نیاز با معبود.
 - ج) بیشترین خواسته های آن ها درباره امور مادی است.
 - د) از رعایت آداب دعا غافلند و توقع دارند دعایشان به سرعت اجابت شود.
 - ه) اگر حاجتشان برآورده نشود، به یأس و ناامیدی دچار می شوند.

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۶، کتاب الدعاء؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۷، ابواب الدعاء.

۲. فرقان: ۷۷.

۳. نحل: ۵۳؛ روم: ۳۳.

دعای خواص

اما کسانی هستند که به روش دیگری دعا می‌کنند؛ بنابراین، درجه و مقامشان با گروه پیشین متفاوت است و محبوب و مقرب درگاه خداوند هستند. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:

(الف) پیوسته اهل دعا هستند؛ در شدت و رخاء، سلامتی و بیماری، فقر و غنا و در همه حالات. بنابراین فرشتگان صدای آنان و زمزمه دعایشان را می‌شناسند و راه را برای ورود این صدا به آسمان‌ها باز می‌کنند.^۱

(ب) برای آن‌ها خود دعا موضوعیت دارد و اذن در دعا را بزرگترین نعمت الهی می‌بینند.

(ج) دعای آن‌ها پیش از آنکه خواستن باشد، خواندن است و گفتگوی محبوب با معشوق حقیقی خود، پیوند و ارتباط با اصل خود، نور و نیرو گرفتن برای تقرب به اوست.

(د) آن‌ها اجابت دعای خود را در همین توفیق دعا کردن می‌بینند و بر این باورند که خیر و صلاحشان همان چیزی است که محبوب آن‌ها برایشان رقم می‌زند، اگر او حکم کند که با قیچی (به وسیله دشمنان حق) قطعه قطعه شوند، برایشان خیر است و اگر مالک و فرمانروای شرق و غرب عالم شوند، باز هم برایشان خیر است.^۲

در واقع؛ خیر آن چیزی است که او برایش بخواهد؛ زیرا:

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است
و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا
می‌داند، و شما نمی‌دانید.^۳

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۲.

۲. همان، ص ۶۲، باب الرضاء بالقضاء.

۳. بقره: ۲۱۶.

۳. راه و رسم دعا

از آنجا که افق دید ما محدود است و بر اساس آیه شریفه:

«و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!»^۱.

گاهی چیزی را می خواهیم که به ضرر ماست و از آنچه باید بخواهیم غافل

می شویم!

کسی در محضر مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام این چنین دعا کرد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ؛ خدایا به تو پناه می برم از امتحان».

حضرت فرمودند: هیچ یک از شما نگوید «خداوندا به تو پناه می برم از امتحان شدن»، زیرا هیچ کس نیست مگر این که امتحانی دارد، ولی کسی که می خواهد به خدا پناه ببرد، از «امتحانات گمراه کننده» به خدا پناه برد؛ زیرا خداوند سبحان می گوید: «بدانید که اموال و اولاد شما مایه امتحان شما هستند». و معنی این سخن آن است که خداوند مردم را با اموال و اولادشان آزمایش می کند، تا آن کس که از روزیش خشمگین است، از آن کس که شاکر و راضی است شناخته شود، هر چند خداوند سبحان از مردم به خودشان آگاهتر است، ولی این به خاطر آن است که افعالی که با آن استحقاق ثواب و عقاب پیدا می کنند ظاهر گردد، زیرا بعضی از مردم (مثلاً) پسر را دوست دارند و از دختر متنفرند و بعضی افزایش مال را می خواهند و از نقصان آن ناراحتند.^۲

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

جُعِلَتْ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ يُغْنِيَنِي عَنْ خَلْقِهِ؛ فدای شما شوم از خداوند بخواهید مرا از مخلوقاتش بی نیاز فرماید!

امام فرمودند:

... این گونه از خداوند بخواه که تو را از این که به بندگان پستش

۱. اسراء: ۸۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

نیازمند شوی، بی‌نیاز کند.^۱

بنابراین، نیاز بندگان خدا به وسیلهٔ یکدیگر برطرف می‌شود و هر کدام وسیله‌ای برای برآوردن نیاز دیگری می‌شوند و از این راه به اجر و پاداش می‌رسند. در نتیجه دربارهٔ این که در راز و نیاز با معبودمان چه چیزی را بخواهیم و چه چیزی نخواهیم، باید از حجت‌های الهی بیاموزیم. انس با دعا‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) بهترین مرجع برای آموختن راه و رسم دعا و راز و نیاز با آفریدگار هستی است، دعا‌هایی مانند: مناجات خمسہ عشر، مناجات شعبانیه، دعای عرفه امام حسین (علیه‌السلام) دعای ابو حمزه ثمالی، دعای کمیل و

۴. دعا لقلقهٔ زبان نیست

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

الدَّاعِي بَلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بَلَا وَتَرٍ؛ کسی که دعا کند ولی عمل، پشتوانهٔ آن نباشد مثل تیراندازی است که تیر دارد؛ ولی کمان او زه ندارد.^۲

دعای بی عمل؛ مثل فشنگ بی تفنگ است که قطعاً به هدف نمی‌رسد؛ چنانچه تفنگ بی فشنگ هم ارزشی ندارد. و عملی که در بستر ایمان و ارتباط با خداوند نروید، به ثمر نخواهد نشست و او را در راه سعادت و رستگاری یاری نخواهد کرد.

۵. تفاوت دعا و زیارت

دعا یعنی سخن گفتن مخلوق با خالق، عابد با معبود؛ بنابراین به گفتار و نوشتاری که در بردارندهٔ چنین محتوایی باشد، «دعا» می‌گویند. ابن منظور در لسان العرب (ذیل واژه «دَعَوَ») انواع مختلفی را برای دعا

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۷.

ذکر می‌کند:

(الف) اظهار یکتایی خداوند و بیان مجد و عظمت و نعمت های او؛^۱

(ب) درخواست عفو و رحمت خداوند و آنچه که ما را به او نزدیک نماید؛^۲

(ج) درخواست نعمت های مادی.^۳

به همه این موارد دعا می‌گویند، زیرا مخاطب، خداوند متعال است.

زیارت در لغت به معنای «قصد» است.

صاحب مجمع البحرین می‌گوید:

زیارت در عرف به معنای قصد دیدار کسی، به خاطر گرامی داشتن و

بزرگداشت و انس گرفتن با او می‌باشد.^۴

زیارت در اصطلاح قصد دیدار انسان برگزیده و آبرومند درگاه الهی را گویند و

نوشتاری را که مخاطب آن چنین انسان برگزیده‌ای باشد، «زیارت نامه» گویند؛ مانند

زیارت‌نامه رسول خدا ﷺ.

برخی از متن‌ها نیز ترکیبی از دعا و زیارت است؛ مانند زیارت جامعه کبیره و

زیارت عاشورا.

۶. مشروعیت توسل، زیارت و شفاعت

از آنجا که موضوع این نوشتار، دعاها و زیارت های مهدوی است، باید پیش از

ورود به متن دعا و زیارات، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

(الف) با توجه به شبهات وارد شده درباره زیارت مبنی بر اینکه باید خواسته‌های

۱. تهلیل (لا إلهَ إلاَّ الله)، تحمید (الحمد لله) و تمجید (سُبْحَانَ الله و مانند آن) در همین دسته قرار می‌گیرد.

۲. مانند: «رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»؛ (مومنون ۲۳، ۱۱۸).

مضمون و محتوای اصلی دعاهاى اهل بیت (علیهم‌السلام) این دو نوع را دربر می‌گیرد، مانند دعای عرفه و دعاهاى صحیفه سجادیه.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۴. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۰.

خود را از خود خداوند بخواهیم آیا درباره زیارت امامان معصوم علیهم السلام و درخواست حاجت از آنها، سند و سفارشی وجود دارد؟

ب) معصومان علیهم السلام چه جایگاهی در عالم خلقت دارند؟ آیا شفیع قرار دادن آنها، با توحید سازگاری دارد؟

اکنون به اقتضای بحث و با رعایت اختصار به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

پاسخ سؤال اول

پایه گذار زیارت در اسلام

شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها به زیارت قبرستان بقیع و همچنین شهدای احد می‌رفتند؛^۱ به همین دلیل همه امت اسلام پیوسته درباره زیارت بزرگان به‌ویژه زیارت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله اهتمام ویژه ای قائل بوده‌اند، به جز فرقه‌ها و مذاهبی مانند وهابیت که شکل‌گیری آنان ریشه در استعمار انگلیس و سایر استعمارگران دارند. مرحوم علامه امینی رحمته الله می‌فرماید:

قطعاً سیره شایع از صدر اسلام از زمان صحابه و تابعین پیوسته بر زیارت قبور پیامبران، ائمه، اولیاء الهی و بزرگان دینی و در راس آنها مرقد مطهر و منور نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله جاری بوده است و نماز خواندن و دعا نمودن نزد قبور آنان و تبرک و توسل جستن به آنها و تقرب به خداوند متعال با آمدن به آن مشاهد از اموری است که تمام فرقه‌های مسلمان بر آن اتفاق نظر دارند و احدی مخالفت ننموده است تا این که ابن تیمیّه حرّانی آمد و با بیانی دور از ادب و عفت کلام و خارج از عقل سلیم و دور از علم و آگاهی، منکر این سنت حسنه شد و حتی به حرمت سفر زیارت به قصد زیارت مرقد مطهر نبی مکرم

۱. مسلم، صحیح، ص ۳۴۸، کتاب الجنائز، باب ۳۵ و ۳۶ و کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۹، کتاب الحج، ابواب الزیارات.

اسلام ﷺ فتوا داد.^۱

علامه امینی سپس فتواها و دیدگاه‌های علما و بزرگان اهل سنت را بیان می‌کند که در همان زمان به مخالفت با او برخاستند.

در صفحه ۱۷۸ همین کتاب، زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام و بزرگان مدفون در آن‌جا را از دیدگاه علمای اهل سنت بررسی می‌کند که همه آنان به این امر بر اساس روایات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش کرده‌اند و در ادامه به تشریح فضیلت زیارت شهدای احد و زیارت قبور مومنین از دیدگاه آنان پرداخته است.

پاسخ سؤال دوم

جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام در عالم خلقت و اهمیت زیارت و ارتباط با آنان

الف) اهل بیت علیهم‌السلام نور الهی هستند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ
....فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛ خدایوند نور آسمان‌ها و زمین است. مَثَل نور خدایوند
همانند چراغ‌دانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد،....(این چراغ
پرفروغ) در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها
رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود. در آن [خانه] ها هر بامداد و
شامگاه او را نیایش می‌کنند﴾.^۲

خانه‌هایی دهد اجازه خدا	که ز نور خدا شود والا
ذکر گردد در آن خدا را نام	نیز تسبیح حق به صبح و به شام

۱. محقق ارجمند این کتاب، محمد الحسون، در پاورقی صفحه ۴۹ تعدادی از کتاب‌هایی که در رد ابن تیمیه از سوی علمای اهل سنت نوشته شده را بیان می‌کند، از جمله: شفاء السقام فی زیاره خیر الانام و کتاب الدرہ المضيئه فی الرد علی ابن تیمیه اثر تقی الدین سبکی؛ التحفه المختاره فی الرد علی منکر الزیاره اثر تاج الدین فاکهی؛ مقاله المرضیه اثر قاضی القضاة تقی الدین ابی عبد الله الاخنائی و... (امینی، الزیارة، ص ۴۸).

۲. نور: ۳۵ و ۳۶.

از انس و بُریده نقل شده که گفتند رسول گرامی اسلام ﷺ این آیه شریفه را تلاوت نمود، مردی سؤال کرد مقصود از این بیوت چیست؟ (که این قدر عظمت دارد که نور خداوند درون آن تابیده است!) حضرت فرمود: مقصود خانه‌های انبیا است، سپس ابوبکر پرسید: آیا خانه علی و فاطمه هم جزء آنها است؟ حضرت فرمود: بله، بلکه از برترین آنهاست.^۱

ب) اهل بیت علیهم السلام ریسمانی هستند که با چنگ زدن به آنان می‌توان از خفت و ذلت‌رهایی یافت.

حق تعالی فرمود:

﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُخَفُّوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ﴾ ذلت بر آنان مقرر گشت هر جا که یافتند مگر به سببی از خدا و سببی از آدمیان.^۲

مراد از «حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ» چیست؟

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «حبل من الله» یعنی قرآن و «حبل من الناس» یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام.^۳

ج) اهل بیت علیهم السلام وسیله تقرب الی الله و پذیرش توبه

آیه اول

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ هان ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا پروا گیرید و به سوی او وسیله بجوئید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.^۴

مراد از وسیله چیست؟

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۱۸.

۲. آل عمران: ۱۱۲.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۵.

۴. مائده: ۳۵.

بنابر آیه ۴۴ سوره نحل^۱ که ما را درباره تبیین آیات به شخص رسول خدا ﷺ ارجاع می‌دهد، «وسیله» به اهل بیت ﷺ تفسیر شده است. حضرت در این باره می‌فرماید:

کسی که از پیشوایان از فرزندان حسین ﷺ اطاعت کند، از خداوند اطاعت نموده و کسی که از آنان نافرمانی کند، از خداوند نافرمانی نموده. آنان ریسمان محکم الهی و وسیله به سوی خداوند هستند.^۲ و اگر در قرآن فرموده است: «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!»^۳

یا در جای دیگر می‌فرماید:

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!^۴ راه و روش دعا کردن و درخواست نمودن در آیات دیگر را بیان نموده است؛ همچنان که در آیات ۶۴ سوره نساء و ۳۵ مائده و مانند آن به این موضوع پرداخته است.

همان‌طور که در آیات زیادی بیان شده است که «نماز را به پای دارید»؛ نیز در آیات دیگر و روایات شیوه و چگونگی خواندن نماز و اقامه آن تبیین شده است.

آیه دوم

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ و اگر آنان آن‌گاه که بر خویش ستم کردند، نزد تو آیند؛ سپس از خدا آمرزش بخواهند و پیامبر برای آنان آمرزش بخواهد، البته خدا را توبه‌پذیری مهربان خواهند یافت.^۵

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ».

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۴۴.

۳. غافر: ۶۰.

۴. بقره: ۱۸۶.

۵. نساء: ۶۴.

راه توبه در این آیه شریفه، به محضر حجت خدا رسیدن (جاؤک) و از ایشان درخواست «طلب مغفرت از خداوند» (وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ) است. این آیه نه فقط جوازی برای توسل و شفاعت است، بلکه درباره این امر توصیه نموده و راه بخشش را در گرو آن می‌داند.

نکته جالب این که نمی‌فرماید: «وَ اسْتَغْفِرْ لَهُم» تو برای آن‌ها استغفار کن، بلکه می‌فرماید: «وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولُ» یعنی این جایگاه رسول است که چنین اثری دارد، بنابراین پس از رسول ﷺ هم کسی که چنین جایگاهی داشته باشد و حجت و ولی خدا باشد، این شأن را خواهد داشت و مردم وظیفه دارند به او مراجعه کنند.^۱

همان‌طور که بر شیوه استغفار فرزندان یعقوب نبی ﷺ صحه می‌گذارد:

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ گفتند: پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم! گفت: به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می‌طلبم، که او آمرزنده و مهربان است! ﴿۲﴾

عده‌ای با استناد به برخی آیات به کلی شفاعت را انکار می‌کنند، آیاتی مانند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است و نه دوستی و نه شفاعت؛ و کافران، خود ستمگرند. ﴿۳﴾

غافل از اینکه برای استناد به قرآن، باید همه آیات مربوط به آن موضوع را دید و تفسیر هر آیه را به درستی بررسی کرد.

قطعاً خداوند در آیات زیادی بر موضوع شفاعت به‌طور مشروط تاکید کرده است و

۱. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۵۱.

۲. یوسف: ۹۷ و ۹۸.

۳. بقره: ۲۵۴.

در این باره می‌فرماید:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟^۱

و در جای دیگر فرموده است:

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾
در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.^۲

اما در مواردی برخی از مصداق‌های شفاعت نفی شده است که عبارتند از:

الف) شفاعت کنندگان

این چنین نیست که راه شفاعت برای همه باز باشد و هر کس که بخواهد، بتواند شفاعت کند!

شفاعت کننده خود باید در اوج و قله قرب الی الله باشد و از لیاقت و شایستگی لازم برای این کار برخوردار باشد. از دیدگاه قرآن فقط کسانی می‌توانند شفاعت کنند که خداوند به آنان اذن شفاعت بدهد و به تبیین روایات، مصداق آن انبیاء عظیم‌الشان الهی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، علمای ربانی، شهدا و اولیای الهی هستند.
بر همین اساس، در قرآن شفاعت بت‌ها و معبودهای غیر الهی نفی شده؛ زیرا خداوند متعال هرگز چنین اذنی به آن آلهه موهوم نداده است و می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾
آنها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد و می‌گویند: این‌ها شفیعان ما نزد خدا هستند! بگو: آیا خدا را

۱. بقره: ۲۵۵.

۲. طه: ۱۰۹.

به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟!❀^۱.

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾؛ و شفیعیانی را که شریک در شفاعت خود می‌پنداشتید، با شما نمی‌بینیم! پیوندهای شما بریده شده است و تمام آنچه را تکیه‌گاه خود تصور می‌کردید، از شما دور و گم شده‌اند!❀^۲.

ب) شفاعت شونده‌گان

کسانی که می‌خواهند مورد شفاعت قرار گیرند، نیز باید شایستگی لازم برای شفاعت را داشته باشند؛ به عبارت دیگر اذنی که خداوند متعال به شفاعت‌کنندگان می‌دهد، مطلق نیست، بلکه مشروط است و آنان با توجه به آن شرایط می‌توانند شایستگان این امر را شفاعت کنند.

برخی از آیات نفی‌کننده شفاعت ناظر به همین موضوع است، مانند آیه ۲۵۴ سوره بقره.

در روایات زیادی نیز تاکید شده است که شفاعت، همه مردم را دربر نمی‌گیرد.

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

پدرم هنگام وفات به من فرمود: «إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ؛ قطعاً کسی که نماز را سبک بشمارد شفاعت ما شامل حال او نمی‌شود».^۳

۱. یونس: ۱۸.

۲. انعام: ۹۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۷۰، باب من حافظ علی صلاته، حدیث ۱۵.

۷. حکم زیارت و شفاعت بعد از رحلت انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام

حالت‌های سه گانه درخواست شفاعت

الف) درخواست شفاعت در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله

صحابه برای حوائج فردی و اجتماعی خود بارها به محضر حضرت شرفیاب شده و از ایشان درخواست می‌کردند تا از خداوند حاجت آن‌ها را بخواهد؛ از جمله درباره طلب باران. بنابر روایت، مردی به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد «یا رسول الله هَلَكَتِ الْمَوَاشِي وَ تَقَطَّعَتِ السَّبِيلُ فَادْعُ الله...؛ ای رسول خدا! چهارپایان ما مردند(در اثر خشکسالی) و راه‌ها قطع شد. از خداوند بخواه (باران نازل شود)».^۱

عبارت ترمذی نیز بسیار قابل توجه است:

...اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ وَ اتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ اِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكَ اِلَى رَبِّي فِي حَاجَتِي هَذِهِ لِتُقْضَى لِيَ اللَّهُمَّ فَشَقَّعَهُ فِي^۲.

ب) شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز قیامت

در کتب روایی فریقین روایت‌های زیادی درباره شفاعت حضرت در عرصه قیامت وارد شده است؛ از جمله ذیل آیه شریفه:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۳؛ عبد الله ابن عمر می‌گوید: «در روز قیامت هر امتی به دنبال پیامبر خود می‌گردد و می‌گویند فلانی شفاعت ما را بکن تا این که شفاعت به رسول خدا می‌رسد، پس آن روز است که خداوند او را به مقام محمود برمی‌انگیزد».^۴

۱. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۲۴۴، کتاب الاستسقاء، باب اذا استشفعوا الى الامام ليستقوا لهم.

۲. ترمذی، سنن، ص ۹۴۸، کتاب الدعوات، باب ۱۲۱.

۳. اسراء: ۷۹.

۴. بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۲۲۵، کتاب التفسیر، باب ۱۱ از بخش سوره اسراء و ن.ک: ترمذی، سنن، ص ۶۶۰، کتاب صفة القيامة، باب ما جاء في الشفاعة.

ج) درخواست شفاعت بعد از رحلت حضرت

اکنون ثابت شد که درخواست شفاعت در زمان حیات حضرت رسول ﷺ و همچنین در روز قیامت یک امر مشروع است، سؤالی که در ادامه مطرح می‌شود این است که آیا درخواست شفاعت پس از رحلت ایشان شرک و لغو است؟ پاسخ را باید در چند نکته تبیین کرد:

- بیان روشن قرآن مجید درباره حیات برزخی برای همه افراد. چنانچه در سوره مؤمنون آمده است:

(آن‌ها هم‌چنان به راه غلط خود ادامه می‌دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گویند: پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم! (ولی به او می‌گویند): چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می‌گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!^۱

و در جای دیگر فرمود:

عذاب آن‌ها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): آل فرعون را در سخت‌ترین عذاب‌ها وارد کنید!^۲

و اگر در آیاتی خطاب به حضرت بیان شده است که تو نمی‌توانی به کسی که در قبر است، چیزی بفهمانی،^۳ فهم آنان را نفی کرده نه حیات برزخیشان را. و مراد، این است که کفار از فهم حقیقت به دورند و در واقع روح و قلب آن‌ها مرده است. نوع نگاه قرآن به حیات و ممات بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که ما درمی‌یابیم. در منطق قرآن برخی از افرادی که ما آنان را زنده می‌پنداریم، در واقع مرده‌اند؛ چنانچه

۱. مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰.

۲. غافر: ۴۶.

۳. فاطر: ۲۲ و نمل: ۸۰.

در سورة انعام می‌فرماید:

آیا کسی که مرده بود، (بی ایمان بود) سپس او را زنده کردیم و نوری
برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است
که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این‌گونه برای کافران،
اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است.^۱

و برخی از افرادی که ما فکر می‌کنیم مرده‌اند، در حقیقت زندگان واقعی هستند:
و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان
زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌فهمید!^۲

خلاصه کلام این که ارتباط با اموات در اندازه و شرایطی که آفریدگار حکیم اذن
داده، امکان‌پذیر است؛ چنانچه سفارش شده است که «به مردگان خود «لا اله الا
الله» را تلقین نمایید».^۳

وقتی کشته‌شدگان مشرکان در جنگ بدر درون چاهی دفن شدند، رسول خدا ﷺ
آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «آیا وعده خدا را حق یافتید؟ کسی گفت: یا
رسول الله! آیا با مردگان سخن می‌گویید؟ (آنان که چیزی نمی‌فهمند) حضرت فرمود:
«مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ مِنْهُمْ؛ شما شنواتر از آنان نیستید، ولی پاسخ نمی‌دهند (اجازه پاسخ
ندارند)».^۴

– بیان روشن قرآن درباره حیاتی والا برای شهدا^۵

– خداوند در آیات بسیاری به انبیا سلام داده است^۶ و همه امت اسلام نیز در نماز

خود بر رسول خدا ﷺ درود و سلام می‌فرستند.

۱. انعام: ۱۲۲ و رک: یس: ۶۹ و ۷۰.

۲. بقره: ۱۵۴.

۳. مسلم، صحیح، ص ۳۲۹، ابتدای کتاب جنائز.

۴. بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۳۳۴، کتاب الجنائز، باب ۸۶ و مسلم، صحیح، ص ۱۱۰۱، کتاب الجنه، باب ۱۷.

۵. بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰.

۶. صافات: ۷۹ به بعد.

- خداوند متعال دربارهٔ رسول خود می‌فرماید:

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾^۱
 حال آن‌ها چگونه است؟ آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می‌آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟^۱

اگر رسول خدا ﷺ بخواهد گواهی بر همهٔ گواهان امت‌ها باشد، آیا جز در پرتو حیاتی والا امکان‌پذیر است؟!

نتیجهٔ سخن اینکه با توجه به آنچه گذشت، توسل به حضرت رسول ﷺ و شفیع قرار دادن ایشان پس از رحلت و همچنین اهل بیت علیهم‌السلام که به حکم حدیث ثقلین و حدیث منزلت^۲ شئون و وظایف ایشان را بر عهده دارند، امری مشروع و در جهت توحید است؛ زیرا آنان این امور را به فرمان الهی انجام می‌دهند.

۸. لزوم ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام

خداوند فرمود:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾؛ (به مردم) بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن نزدیکانم [اهل بیت]^۳.

به راستی چرا پیامبر اسلام چنین اجری درخواست کردند؟!

آیا مسأله فقط یک مقولهٔ عاطفی و احساسی است؟! و آیا برای خود درخواست اجر و پاداش نمودند؟

در آیه دیگری پاسخ به این سؤال آمده است:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾؛ بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته‌ام، برای

۱. نساء: ۴۱.

۲. مسلم، صحیح، ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴؛ ترمذی، صحیح، ص ۹۹۱؛ کتاب المناقب، باب ۳۲.

۳. شوری: ۲۳.

خود شماست. اجر من تنها بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است!❁^۱

مقصود از «لکم» چیست؟ محبت و ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) چه سودی برای ما دارد؟

در آیه دیگری پرده از حقیقت بزرگی بر می‌دارد و می‌فرماید:
 ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾
 بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ‌گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به‌سوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است)❁^۲

نتیجه: یگانه راه تقرب الی الله توجه، ارتباط، پیروی از حجت و امامی است که خداوند برای این امر قرار داده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

امیر المؤمنین (علیه السلام) باب الله است که فقط از آن در می‌توان رفت و راهی است به‌سوی خدا؛ هر که از غیر آن راه رود، هلاک شده. همچنین برای همه ائمه هدی یکی پس از دیگری این مطلب جاری است، آن‌ها را ارکان زمین قرار داده تا موجب تزلزل و ناراحتی مردم نشود و حجت بالغه او هستند بر ساکنین روی زمین و مردم زیر آسمان.^۳

به همین دلیل است که «اهل بیت (علیهم السلام)» به «کشتی نوح» تشبیه شده‌اند:

امام رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارشان نقل می‌نمایند که نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

مَثَلُ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ بَيْنِ شِمَا مِثْلُ كَشْتَى نُوْحٍ اسْت، كَسَى كِه سَوَارِ آن شُود (در ولایت اهل بیت داخل و از آنان پیروی نماید) نجات می‌یابد و

۱. سبأ: ۴۷.

۲. فرقان: ۵۷.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۵۹.

کسی که نافرمانی کند، در آتش افکنده خواهد شد.^۱

۹. اهمیت و آثار دعا برای حضرت مهدی

دعا برای حضرت مهدی و تعجیل فرج ایشان موجب نجات و رهایی از هلاکت و نابودی است و ما را از گمراهی حفظ می‌نماید.

امام حسن عسکری می‌فرمایند:

به خدا قسم او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد.^۲

در کتاب ارزشمند مکمال المکارم بیش از نود فایده درباره دعا برای حضرت ولی عصر بیان شده است.^۳

۱۰. انواع ادعیه و زیارات مهدوی

ادعیه و زیارات مهدوی را به دو بخش می‌توان تقسیم نمود.

الف) دعاها و زیارت‌هایی که از زبان خود حضرت رسیده است؛ مانند:

۱. دعای فرج «اللَّهُمَّ عَظِّمِ الْبَلَاءَ...»؛

۲. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...»؛

۳. دعای دوران غیبت «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ»؛

۴. دعای معروف صلوات ضراب اصفهانی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ... وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛

۱. همان، ج ۲۳، ص ۱۲۲.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴، باب ۳۸.

۳. موسوی، مکمال المکارم، ج ۱، ص ۴۰۹.

۵. دعای « إلهی بحقّ مَنْ نَجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ... وَ عَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ »؛

ع زيارت آل یس و

ب) دعاها و زیارت‌هایی که از اهل بیت علیهم‌السلام درباره حضرت مهدی علیه‌السلام رسیده است؛ مانند:

۱. دعای سلامتی حضرت مهدی علیه‌السلام «اللهم کن لولیك...»؛
۲. دعای معرفت: «اللهم عرفنی نفسک... ضللت عن دینی»؛
۳. دعای امام رضا علیه‌السلام: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ... وَ صَفْوَةِ أَوْلَادِ رَسُولِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»؛
۴. زیارت صاحب الامر علیه‌السلام: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ... وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» و ...^۱.

بخش دوم

اشاره به برخی از دعاها
و زیارت‌های مهدوی

دعای تعجیل فرج

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

روایت اول

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که پس از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر آن (روزهای دیگر) بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، نمی میرد تا این که حضرت مهدی علیه السلام را درک کند (ببیند)».^۱

روایت دوم

در ضمن دعایی طولانی که به عنوان دعای شبهای قدر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده، این فراز آمده است که:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ...».^۲

روایت سوم

همچنین در دعای دیگری از امام صادق علیه السلام که جامع دنیا و آخرت است، این فراز به چشم می خورد:

« عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ أَمَلَى عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۶۴.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۸۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۲۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی * ۳۳

مُحَمَّدٌ وَ عَجَلُ فَرَجِهِمْ وَ رُوحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ وَ أَذِقْنِي طَعْمَ
فَرَجِهِمْ وَ أَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ...»^۱

روایت چهارم

امام صادق (علیه السلام) درباره فضیلت صلوات سخن می‌گفتند، راوی از امام پرسید:
چگونه صلوات بفرستم؟ حضرت فرمود:

«صد بار می‌گوئی «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلُ
فَرَجِهِمْ»^۲.

روایت‌های زیادی در این باره وجود دارد که به دلیل اختصار از بیان آنها صرف
نظر می‌کنیم.^۳

افزون بر این، مداومت و تأکید بر این دعا عمل به سفارش نورانی حضرت ولی
عصر (علیه السلام) نیز می‌باشد که فرمود:

«و برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ چرا که فرج شما در گرو زیاد دعا
کردن است»^۴.

در روایت‌های بسیاری از جمله در دعای عهد^۵ و در دعای روز اول ماه مبارک
رمضان، تعبیر «وَ عَجَلُ فَرَجِهِ» نیز آمده است.^۶

در حقیقت هر دو تعبیر به یک معنی باز می‌گردد: «وَ عَجَلُ فَرَجِهِ» یعنی:
«خدایا فرج محمد و آل محمد را شتاب بخش» که طبعاً فرج آنان با ظهور حضرت
مهدی (علیه السلام) تحقق خواهد یافت؛ زیرا آرزو و هدف همه آن انوار طیبه، نابودی ظلم و
تحقق عدالت همه‌جانبه در گستره جهانی بوده است و تعبیر «وَ عَجَلُ فَرَجِهِ» یعنی:

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۴، آخرین باب از کتاب الدعاء.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۹۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۷۰، کتاب الدعاء، باب الحرز و... .

۴. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۳.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۶. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۰.

«خدایا در فرج حضرت مهدی شتاب بخش».

نکات

۱. چرا باید برای تعجیل فرج دعا کنیم؟ هر وقت خداوند متعال صلاح بداند اذن فرج خواهد داد!

امام سجاد علیه السلام می فرمایند پیوسته امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به درگاه الهی عرضه می داشت:

«خدایا نعمت بزرگ توکل و واگذار کردن امور به خودت و خشنود بودن به حکم و تسلیم فرمانت بودن را نصیب من بگردان تا دوست نداشته باشم جلوی افتادن آنچه را که به تأخیر انداخته‌ای و به تأخیر افتادن آنچه را که جلو انداخته‌ای، ای پروردگار جهانیان».^۱

و باز در جای دیگر حضرت فرموده اند:

در باره آنچه باید باشد و مهیاست، عجله مکنید و آنچه را فردا می آید، دور مشمرید.^۲

پاسخ: همان خدایی که وعده قطعی ظهور موعود امت‌ها، حضرت مهدی علیه السلام، را داده، مشیتش بر این تعلق گرفته است که مردم باید پذیرا و خواهان فرج باشند؛^۳ زیرا سنت خدای حکیم بر این حقیقت تعلق گرفته است که «سرنوشت هیچ قوم (و ملت) را تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».^۴

خدای حکیم نعمت عظیم ولایت و امامت را در اختیار بشر قرار داد؛ بنابر سنت الهی (انفال: ۵۳) وقتی امت قدر این نعمت را ندانست، به بلای بزرگ سلب این نعمت (غیبت امام) دچار شد و تا زمانی که امت به طور حقیقی قدرشناس نشود، خداوند اذن فرج نخواهد داد و دیر یا زود نگاه بشر از راه تعقل یا از راه تجربه همه

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۷۷.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۳. رعد: ۱۱، حدید: ۲۵ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۴، باب ۱۵ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۴. رعد: ۱۱.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❁ ۳۵

راه‌ها و به بن بست رسیدن، آسمانی خواهد شد و ظهور را مضطربانه از خداوند خواهد خواست، چنانچه نویسنده معروف و آینده‌پژوه آمریکایی تبار، آل‌وین تافلر، به این حقیقت اذعان می‌کند و می‌گوید: (با تلخیص) «اوضاع آشفته غرب و ناکامی سردمداران از حل مشکلات سبب شده است تا نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل‌ها را دامن بزند».^۱

نتیجه سخن اینکه دعا برای تعجیل فرج به معنای خواستن ظهور است، پس هر چه بیشتر بر این خواستن تأکید کنیم و با عمل، صبر، استقامت و پابندی به حق، لیاقت و شایستگی خود را ثابت نماییم، به ظهور نزدیکتر می‌شویم.

۲. تفاوت دعا برای تعجیل فرج با استعجال در فرج چیست؟ زیرا در روایات، استعجال در فرج نهی شده است.

مهم‌تر از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: آن امری که ما در انتظار آن به سر می‌بریم، چه موقع خواهد بود؟ حضرت فرمود:

ای مهم‌تر! تعیین‌کنندگان وقت برای ظهور دروغ می‌گویند و کسانی که در این امر شتابزده عمل می‌کنند، هلاک خواهند شد (هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ) و فقط کسانی که تسلیم (امر خداوند) نجات خواهند یافت.^۲

پاسخ: استعجال یعنی شتابزده عمل کردن و توقع تحقق امری را داشتن بدون فراهم شدن زمینه‌های آن.

به عبارت روشن‌تر برخی نشسته‌اند و فقط به آینده نگاه می‌کنند و درباره تحقق ظهور بی‌صبرند، بدون اینکه حقیقت انتظار و وظایف منتظران راستین را بشناسند و در عمل بکوشند. وقتی راوی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: فرج کی خواهد بود؟ امام از این سؤال ناراحت شد؛ زیرا دریافت مقصود او این است که چه وقت حضرت

۱. حیدری نیک، نگاهی دوباره به انتظار، ص ۵۴.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۸، باب کراهیه التوقیت.

مهدی ﷺ می آید تا راحت شویم؟!

بنابراین، در پاسخ به او فرمود: «فلانی تو هم از کسانی هستی که به دنبال دنیا هستند، همانا کسی که این امر را بشناسد، به خاطر انتظارش فرجش حاصل شده است»^۱.

یعنی لازمه انتظار مصلح جهانی این است که تمام سعی و توان خود را به کار گیریم و به اصل قرآنی ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ ظلم نکنید و زیر بار ظلم نروید^۲ عمل کنیم و با شناخت امام، از فیوضات و برکات وی همانند خورشید پشت ابر خود را بهره‌مند سازیم و در یک جمله بدانیم که «منتظران مصلح خود باید صالح باشند». دعا برای تعجیل فرج اولاً، به معنای خواستن ظهور امام است که خود از شرایط ظهور است و ثانیاً، دعا همان‌طور که در مطلب شماره (۴) از مباحث مقدماتی گفته شد، هرگز از عمل جدا نیست و این خواستن پیش از آن که با زبان باشد، باید با عمل به وظیفه انجام گردد.

دعای سلامتی امام زمان ﷺ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ (الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ) فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَكِّنَهُ (تُمَتِّعَهُ) فِيهَا طَوِيلًا»^۳ خدایا! در این لحظه و در تمام لحظات، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری‌گر و راهنما و دیدبان ولایت حضرت حجة بن الحسن باش که دروذهای تو بر او و بر پدرانش باد. تا او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجه، باب انه من عرف...

۲. بقره: ۲۷۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۳۷

می‌نمایند [ساکن (حاکم بر) زمین گردانیده و مدت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی].^۱

چند نکته

۱. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی و مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب این دعا را در کتاب الصوم، باب دعا در دهه آخر ماه مبارک رمضان در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آورده‌اند.

همچنین مرحوم ابن مشهدی در کتاب مزار در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان و مرحوم سید بن طاووس در کتاب اقبال، باب ۴، فصل ۲۶ این دعا را بیان کرده‌اند.

۲. درباره این که این دعا از سوی امام معصوم (علیه السلام) صادر شده، هیچ شکی نیست. اما شخص معصوم مشخص نشده است. همچنین در تهذیب تعبیر «عن الصادقین» و در سایر منابع تعبیر «عن الصالحین» آمده است.

۳. تأکید حضرت بر مداومت بر این دعا بسیار قابل توجه است، ایشان در این باره می‌فرماید:

این دعا را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حال سجده، ایستاده، نشسته و در تمام ماه رمضان و در طول عمرت هر گاه یادادت بود (وَ كَيْفَ أَمْكَنَكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ) هر چه که می‌توانی تکرار کن.

۴. گرچه در نقل مرحوم کلینی و مرحوم شیخ طوسی به نام حضرت تصریح نشده است؛ اما با توجه به نشانه‌های موجود در متن دعا و تصریح سید بن طاووس به نام حضرت، هیچ شکی باقی نمی‌ماند که مقصود از فلان بن فلان، حضرت مهدی (علیه السلام) است.

۱. ابن طاووس، ادب حضور، ص ۹۹.

در فراز پایانی آن می‌خوانیم: «...تا او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری می‌نمایند] ساکن (حاکم) زمین گردانیده، و مدت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی». طبعاً آن امامی که درباره او وعده قطعی داده شده که روزی بر تمام عالم حاکم خواهد شد و حکومت عدالت محور او زمان طولانی اداره خواهد داشت، کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نیست.

دلیل عدم تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام با توجه به شرائط سیاسی - اجتماعی دوران غیبت صغری و حرمت تصریح امام زمان علیه السلام در آن دوران، کاملاً آشکار خواهد شد.

۵. شیوه قرائت این دعا بنابر بیان امام معصوم علیه السلام این گونه است که ابتدا حمد و ستایش الهی، سپس درود و سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام انجام گیرد و سرانجام این دعا قرائت گردد.

۶ دعا برای سلامتی حضرت به چه معناست؟ مگر خداوند متعال حافظ و نگهدار ایشان نیست؟ آیا امام بیمار می‌شود؟

پاسخ این سؤال با اشاره به چند نکته روشن می‌گردد:

الف) امام زمان علیه السلام همانند حجت‌های الهی دیگر ممکن است دچار عوارض جسمی شده و بیمار گردند؛ مانند بیماری حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بیماری امام علی علیه السلام در جنگ خیبر^۱ و امام سجاد علیه السلام در کربلا^۲ و موارد دیگر.

ب) وجود ظلم و ستم فراوان در عالم، مصیبت‌هایی که بر آباء و اجداد طاهرين امام مهدی علیه السلام وارد شده، به‌ویژه مصیبت‌های حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و امام حسین علیه السلام و از سوی دیگر اعمال ناشایست ما و غفلت و کوتاهی‌هایمان، همه و همه، غم و اندوه فراوان امام را به دنبال دارد، آن‌چنان که اگر عنایت و استمداد خداوند نبود،

۱. شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. مفید، امالی، ص ۵۷، مجلس ۷.

۳. ابو مخنف، وقعة الطف، ص ۱۹۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی * ۳۹

ایشان تا به حال از شدت مصیبت جان داده بود. در نتیجه داشتن دغدغه سلامتی برای امام زمان (عج) و دعا برای این مهم، از ویژگی‌های منتظران است.

ج) دعای ما برای سلامتی امام نشانگر علاقه و اردات ما به اوست. که طبعاً اگر درباره حال امام زمان خود بی‌توجه باشیم، باید در ایمان و علاقه خود تجدید نظر کنیم.

د) از همه مهم‌تر این که خود اهل بیت (علیهم‌السلام) از ما خواسته‌اند تا برای سلامتی امام زمان خود دعا کنیم. در همین دعا و در دعای زمان غیبت که از ناحیه مقدسه صادر شده، سلامتی حضرت را از خداوند درخواست می‌کنیم.^۱

نتیجه سخن اینکه گرچه خداوند متعال از حجت خود نگهداری می‌کند؛ اما از آنجایی که اراده خدای حکیم بر این تعلق گرفته است که نظام اسباب و مسببات در این عالم حاکم باشد، قطعاً دعای منتظران و عاشقان حضرتش دارای اثر و فایده خواهد بود.

۷. در این دعا ابتدا از خداوند، شش مسأله برای امام زمان (عج) درخواست می‌کنیم و می‌گوییم خدایا! در این لحظه و در هر لحظه‌ای؛ سرپرست، نگهدار، پیشوا، یاور، راهنما و دیدبان ولایت، حضرت مهدی باش که درود تو بر او و پدران‌ش باد. سپس این خواسته‌ها را افزون بر دوران غیبت، برای دوران ظهور حضرت مهدی (عج) نیز می‌خواهیم.

۸. در تعبیر «كُنْ لَوْلِيَّكَ... وَلِيًّا» ولیّ اول به معنای عهده‌دار کار^۲ و ولیّ دوم به معنای یاری‌کننده است. پس عبارت را باید به این ترتیب معنا کرد: «بار خدایا درباره کسی که از سوی تو عهده‌دار امور است، ناصر و یاور باش».

۱. «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ... وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ...» (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۱۳).

۲. واژه «ولی» معانی زیادی دارد؛ از جمله به معنای «کُلُّ مَنْ وَلِيَ امْرَأً» و همچنین به معنای ناصر و... می‌باشد.

۹. تعبیر «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً» به چه معناست؟ مگر حضرت مهدی عج، بر روی زمین ساکن نیستند؟!

پاسخ

تعبیر «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ» یک اصطلاح است و به معنای حاکم شدن و قدرت یافتن است. وقتی کفار انبیاء را تهدید می کردند که «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به کیش ما بازگردید».

پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم نمود «وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ» و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد.^۱ یعنی با نابودی ستمگران، شما وارث آن ها خواهید شد و به عبارت دیگر تعبیر «حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ»، بیانگر همان تعبیر «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۲ و همچنین تعبیر «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»^۳ می باشد.

۱۰. «طَوْعاً» مصدر و به معنای اسم فاعل است. در قرآن کریم آمده است: «فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^۴ و به معنای اطاعت و فرمانبرداری است؛ بنابراین حال برای «أَرْضَكَ» است نه برای ضمیر فاعلی یا ضمیر مفعولی؛ آن چنان که برخی گمان کرده اند.^۵

آن چه مفقود است، مطیع بودن خداوند یا امام زمان نیست؛ بلکه مطیع بودن امت است که سبب غیبت امام نیز گردیده است. پس در این فراز از خداوند می خواهیم که (اهل) زمین مطیع و فرمانبردار حضرت مهدی عج شوند که قطعاً در این صورت ظهور واقع خواهد شد.

۱. ابراهیم: ۱۳ و ۱۴.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. نور: ۵۵.

۴. فصلت: ۱۱.

۵. احمدی جلفائی، فصل نامه علمی - ترویجی انتظار موعود، شماره ۱۸، ص ۲۵۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۴۱

۱۱. در فراز پایانی از خداوند می‌خواهیم که دوران اقتدار و حاکمیت ایشان، دوره-ای طولانی باشد تا بشر طعم شیرین عدالت و حاکمیت توحید را به خوبی بچشد و در راه عبودیت خالصانه خداوند نهایت بهره را ببرد.

دعای معرفت

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛ خدایا خودت را به من بشناسان، پس اگر خودت را به من شناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر پیامبرت را به من شناسانی حجتت را نخواهم شناخت. خدایا حجتت را به من بشناسان، پس همانا اگر حجتت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌شوم».^۱

زرارة بن اعین می‌گوید: از حضرت صادق شنیدم که می‌فرمود:
قائم پیش از اینکه قیام کند، غیبتی خواهد داشت.... گفتم: قربانت
گردم: اگر من آن زمان را درک کردم، چه عملی انجام دهم؟ فرمود: ای
زراره هر گاه آن عصر را درک کردی، به قرائت این دعا مداومت کن:
اللهم عرّفنی نفسک...^۲

چند نکته

۱. بیان این دعا در ضمن دعایی دیگر

این دعا در ابتدای دعای دیگری معروف به دعای دوران غیبت وجود دارد که دارای مضامین بسیار بلندی است و از ناحیه مقدسه از ابو عمر عثمان بن سعید عمری

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ۳۳۷ ص، کتاب الحجة، باب فی الغیبة، ح ۵ و ۲۹.

۲. همان.

صادر و سفارش شده تا در دوران غیبت خوانده شود.^۱ همچنین این دعا در پایان *مفاتیح الجنان* بخش ملحقات نیز بیان شده است.

۲. معنای حجت

حجت در لغت به معنای غلبه است، سپس به صورت مجاز یا حقیقت عرفی در معنای برهان به کار برده می‌شود؛ اما در عرف متشرّعه به معنای کسی است که خداوند او را برای هدایت مردم و دعوت آنان به سوی او منصوب نموده است و به وسیله او بر کسانی که از این امام پیروی نکنند و گمراه شوند، احتجاج خواهد کرد.^۲ اما در این دعا مراد از حجت به قرینه ورود آن برای دوران غیبت، شخص خاتم الاوصیاء بقیه الله الاعظم علیه السلام است؛ زیرا موضوع سخن، غیبت حضرت مهدی علیه السلام و سختی این دوران بود. زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که اگر من در این دوران بودم، چه کنم؟ حضرت چنین سفارش به او کردند.^۳

۳. رابطه بین شناخت خداوند و شناخت رسولش

وقتی با حجت باطنی خود یعنی عقل با تدبر در آیات انفسی و آفاقی به وجود خالق یکتا، حکیم، علیم، قادر و منزّه از هرگونه عیب و نقص پی می‌بریم که عبث و قبیح از او سر نمی‌زند، درمی‌یابیم که قطعاً از خلقت انسان هدفی داشته است. استعدادهای شگفت‌انگیز و ویژگی‌های خاص انسان، گواه این معناست که حبّ بقاء، سیری‌ناپذیری و مطلق‌گرایی و کمال جوئیش، همه و همه، نشانگر این است که انسان بی هدف آفریده نشده است. از اینجا به ضرورت وحی و نبوت پی می‌بریم که خداوند باید کسانی را بفرستد تا راه و رسم رسیدن به قله‌های سعادت و رشد و تعالی را به انسان نشان دهند، چنانچه می‌فرماید:

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲.

۲. کبیر مدنی، ریاض‌السالکین، ج ۶، ص ۳۷۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۴۳

﴿رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ
الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده
بودند تا مگر پس از پیامبران برای آدمیان علیه خدا بهانه‌ای نباشد،
درحالی که خدا مقتدری حکیم است.^۱

آری، اگر کسی در راه شناخت خداوند به مشکل دچار مشکل شود و چوب و سنگ
و بت‌های دیگر را به خدایی انتخاب کند، هرگز رسول و حجت برای او مفهومی
نخواهد داشت. پس هرچه شناخت ما از خداوند قوی‌تر باشد، ضرورت نیاز به رسول و
حجت را بیشتر احساس خواهیم کرد.

۴. رابطه شناخت رسول با شناخت حجت و جانشین رسول ﷺ

وقتی عظمت خداوند متعال را دریافتیم، عظمت رسول، شئون و وظایف او را نیز
درک خواهیم کرد. از آنجایی که رسول از جنس انسان است و ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ
الْمَوْتِ﴾^۲ و به بیان قرآن خطاب به حضرت رسول ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ﴾^۳
پس به همان دلیلی که ما به رسول نیاز داریم، درست به همان دلیل باید پس از
رسول کسی در اندازه و رتبه او از سوی خدای حکیم معرفی گردد تا همه شئون و
وظایفش را ادامه دهد، به جز نبوت که با ارائه کامل‌ترین دین به وسیله خاتم انبیاء،
حضرت محمد مصطفی ﷺ پرونده آن برای همیشه بسته شد.

به عبارت دیگر چون عقل فقط مدرک کلیات است و هر زمان اقتضائات ویژه خود
را دارد، انسان پیوسته نیازمند هادی است، از سوی دیگر رابطه میان عالم غیب و عالم
شهود قطع نمی‌شود؛ بنابراین خداوند هرگز زمین را از حجت و امام خالی نگذاشته و
نخواهد گذاشت و امام نیز با در اختیار داشتن آنچه که بر رسول نازل شده، راه او را
ادامه خواهد داد.

۱. نساء: ۱۶۵. (برای توضیح بیشتر نک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۴۰).

۲. آل عمران: ۱۸۵.

۳. زمر: ۳۰.

اگر کسی رسول را به خوبی شناسد و فقط او را یک حاکم اجتماعی بداند که بر اساس اجتهاد و تخمین امور را اداره می‌کند، طبعاً دربارهٔ جانشین او نیز دچار مشکل خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت، بنابراین، میان امام علی علیه السلام و دیگران تفاوتی نخواهد دید که از ضعف عمیق در خداشناسی ناشی می‌شود و به اینجا می‌رسد که «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... قَدَّمَ الْمَفْضُولَ عَلَى الْاَفْضَلِ»^۱ سپاس خدایی را که کسی را که پایین‌تر بود (ابوبکر)، بر کسی که برتر بود (امام علی)، مقدم داشت!!؟

نتیجه اینکه از معرفت خداوند به معرفت رسول و از معرفت رسول به معرفت امام و ضرورت وجود او می‌رسیم.

۵. درجات معرفت

همانگونه که در اصل معرفت، با معرفت خداوند به معرفت رسول و از معرفت رسول به معرفت حجت می‌رسیم، دربارهٔ مرتبه‌های معرفت هم قضیه صادق است. بالاترین میزان معرفت به رسول صلی الله علیه و آله را امیرالمؤمنین علیه السلام دارد و می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِ مُحَمَّدٍ»^۲ زیرا بالاترین معرفت به خداوند را دارد و بالاترین مرتبهٔ معرفت به حجت را حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام دارد؛ زیرا از بالاترین میزان معرفت به خدا و رسول او بهره‌مند است.

۶. از خداوند به امام و از امام به خداوند می‌رسیم

بر اساس آنچه گذشت، از معرفت خداوند به معرفت رسول و امام می‌رسیم؛ اما از سوی دیگر، از آنجا که امام و نبی از مقام والای عصمت برخوردارند و کاملترین و مقربترین مخلوق و مظهر اسماء حسناى الهی می‌باشند، راهی برای خداشناسی و دستیابی به مراحل بالاتر شناخت خداوند و تقرب به سوی او هستند. بیان نورانی امام حسین علیه السلام به همین مطلب اشاره می‌کند.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۹۰.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۴۵

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حسین بن علی علیه السلام نزد یاران خود آمد و فرمود: ای مردم! خدای متعال بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند، نیافرید؛ پس چون او را بشناسند، پرستش او می‌کنند و چون او را پرستند، از پرستش جز او بی‌نیاز می‌شوند.

مردی پرسید: ای پسر پیامبر، پدر و مادرم فدای تو باد! معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ اینکه اهل هر زمان، امام خود را که اطاعت او واجب است، بشناسند».^۱

از آنجاکه خدای متعال بندگان را برای این آفرید که او را بشناسند و پرستند،^۲ بنابراین راهنمایی برای این شناخت و پرستش قرار داد؛ رسالت اصلی امام همین است، چنانچه در قرآن پس از بیان مژده و نوید ظهور و مسائل مربوط به آن می‌فرماید: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»، همه این‌ها برای این است که عبودیتی خالصانه و منزّه از هرگونه شرک در عالم انجام شود.

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید:

امام کسی است که در روز قیامت مردم را به سوی خداوند می‌برد، همان‌گونه که در ظاهر و باطن این عالم آن‌ها را به سوی او به پیش می‌برد.^۳

۷. فراز پایانی این دعا بر یک مطلب اساسی دلالت دارد و آن اینکه اگر کسی درباره چنین امامی معرفت و اعتقاد نداشته باشد، در واقع توحید و دین او دچار مشکل خواهد شد.

به عبارت دیگر این حلقه اعتقادی، مانند نماز است؛ نماز وقتی شکل می‌گیرد که تکبیرة الاحرام با شرایط و آداب آن به سلام پایان یابد و روزه آنگاه صدق می‌کند که

۱. شیخ صدوق، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۹.

۲. ذاریات: ۵۶.

۳. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱، ص ۲۷۳.

امساک به اذان مغرب برسد. این همان نکته‌ای است که در بیان نورانی امام رضا علیه السلام به آن تصریح شده است. ایشان در ادامه آیه شریفه «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۱ می‌فرماید: مراد یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است، سپس اضافه می‌فرماید: إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدُ یعنی با پذیرش ولایت، توحید شکل می‌گیرد.^۲

۸. جایگاه معرفت امام

آخرین نکته در این بخش این است که معرفت به امام و حجت خداوند از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. مرحوم کلینی در کافی در «باب معرفة الامام» چهارده روایت^۳ و مرحوم مجلسی در بحار/الانوار در «باب وجوب معرفة الامام» چهل روایت بیان کرده‌اند.^۴ تامل در این روایت‌ها به خوبی قدر و منزلت این نعمت عظیم الهی را گوشزد می‌نماید.

در اهمیت آن همین بس که اعتقاد نداشتن به چنین حجتی بر اساس روایات فریقین از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با مرگ جاهلی مساوی است که طبعاً حیات چنین انسانی نیز جاهلی و بی‌بهره از حقیقت خواهد بود.

قرآن کریم می‌فرماید:

(خدا) حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند، و) متذکر نمی‌گردند.^۵

در این آیه شریفه از حکمت به عنوان «خیر کثیر» یاد شده است که جز

۱. روم: ۳۰.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۴. مجلسی، بحار/الانوار، ج ۲۳، ص ۷۶.

۵. بقره: ۲۶۹.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۴۷

خردمندان اهمیت و عظمت آن را درک نمی‌کنند. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مراد پیروی خداوند و شناخت امام است».^۱

دعای فرج

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرَحَ الْخَفَاءُ، [وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ] وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، [وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ] وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ [آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ] الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً كَلِمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي».^۲

مرحوم علامه مجلسی می‌فرماید:

شیخ بزرگوار مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان در کتاب کنوز النجاح گفته است: این دعا، دعایی است که حضرت مهدی علیه السلام به ابوالحسن محمد بن احمد در کاظمین که از ترس جان به آنجا پناه برده بود (چون تحت تعقیب ظالمین قرار گرفته بود) تعلیم داده و به برکت این دعا وی نجات یافت. حضرت فرمود: این گونه بگو «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ...». راوی می‌گوید: وقتی حضرت به جمله «یا صاحب الزمان» رسید، به سینه مبارکش اشاره نمود.^۳

فرج به معنای گشایش و حل مشکل و رخاء پس از شدت است. در این باره نیز دعا‌های زیادی وارد شده است؛ مانند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ...»،^۴ دعای «یا

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲. ابن مهدی، المزار الکبیر، ص ۵۹۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

۴. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۸۴.

مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلِ...»^۱، دعای «يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ...»^۲، دعای «يَا مَنْ لَنَا يُسْتَحْيَا مِنْ مَسْأَلَتِهِ...»^۳ و... .

البته این چنین نیست که همه این دعاها به ظهور مربوط باشد، بلکه برای حل مشکلات و باز شدن گره‌هاست. دعای مورد بحث نیز در همین دایره قرار دارد و برای فرج و رهایی شخص ویژه‌ای بیان شده است.

اما دو نکته درباره این دعا دارای اهمیت است:

۱. بالاترین مشکل، غیبت امام زمان علیه السلام است که شایسته است برای رفع این مشکل با دعایی که حضرت آموزش داده‌اند، به درگاه الهی استغاثه کنیم.
۲. این دعای شریف به ما می‌آموزد که برای نجات از کید و مکر دشمنان بد طینت، از امام زمانمان غافل نشویم و توجه داشته باشیم که صاحب و پناهی داریم و او ملجأ و مأوای ماست.

نکته پایانی این است که این دعای شریف مراحل زیر را در رسیدن به خواسته در

بر دارد:

۱. بیان مشکل

خدایا گرفتاری بزرگ شد، و پوشیده آشکار گشت، (یعنی مشکل آنقدر بزرگ است که قابل پوشاندن نیست) و پرده کنار رفت و امید قطع شد و زمین تنگ شد، و خیرات آسمان دریغ گشت.

۲. اقتضای ادب بندگی این است که شکوه و مشکل خود را به درگاه الهی عرضه کنیم. خداوند متعال به حضرت عزیز وحی نمود: «ای عزیز! هنگامی که در گناه واقع شدی، پس به کوچکی آن نگاه نکن، بلکه به کسی که گناه و معصیت او را انجام می‌دهی، نگاه کن و هنگامی که رزقی به تو داده شد به کمی آن نگاه نکن، بلکه به

۱. طبری، دلائل الامامة، ص ۵۵۲.

۲. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۵۱.

۳. ابن طاووس، المجتبی من الدعاء المجتبی، ص ۴.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۴۹

کسی که آن را به تو هدیه نموده است (خداوند)، نگاه کن و هنگامی که مشکل و مصیبتی بر تو وارد شد، به بندگان من شکوه و گلایه نکن، همان‌گونه که من هنگام بالا آمدن بدی‌ها و رسوایی‌هایت نزد فرشتگانم از تو شکوه نمی‌نمایم.^۱

در این دعا هم می‌گوییم: کسی که از او کمک گرفته می‌شود، فقط تویی و شکوه فقط به سوی توست و در سختی و آسانی فقط تکیه‌گاه تو هستی.

۳. سپس ابرومندان درگاهش، یعنی محمد ﷺ و آلش را که پیروی از آنان بر ما لازم و واجب است و خداوند معرفت به منزلت و جایگاه رفیع آن‌ها را نصیب ما نموده، واسطه قرار می‌دهیم و فرج و گشایش را با قسم به حق آنان از خداوند درخواست می‌کنیم و این نیز از آداب دعاست.^۲

۴. در مرحله سوم دو شخصیت عظیم‌الشان که مقرب‌ترین مخلوق به خداوند هستند و همه فیوضات به اذن الهی به آنان می‌انجامد.^۳ و در دنیا و آخرت همه مخلوقات محتاج عنایت و تفضل آن‌ها هستند^۴ را مورد خطاب قرار می‌دهیم و از آنان نصرت و کفایت مشکل را خواستار می‌شویم.

سر اینکه ابتدا به سوی خداوند توجه نمودیم، اقرار و اعتراف و توجه به توحید در همه ابعاد آن است و دلیل اینکه در مرحله بعد حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام را مورد خطاب قرار می‌دهیم، این است که خدای حکیم نصرت و فیض خود را از راه آن‌ها افاضه می‌نماید.

۵. سرانجام، امام زمان ﷺ را مورد خطاب قرار می‌دهیم؛ زیرا هم اکنون حجت حیّ زمان است و به عنوان خاتم اوصیاء و صاحب شب قدر، فیض الهی از راه وی به ما می‌رسد.

۱. قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۶۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳. نک توبه: ۵۹ و ۷۴ و آل عمران: ۶۱.

۴. بخاری، الصحيح، ج ۳، ص ۲۲۵، کتاب التفسیر، باب ۱۱ از بخش سوره اسراء.

ای مولای من! ای صاحب زمان علیه السلام! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ»

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرَقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَانًا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَايخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُّعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرَّعِيَّةِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ التَّفَقُّةِ وَ اقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

این دعای شریف که به بیان مرحوم کفعمی در *البلد الامین* از سوی حضرت مهدی علیه السلام رسیده است، دعایی جامع و سراسر نکته و درس است که راه عبودیت و بندگی را به ما می آموزد، به ویژه توجه به آفت‌ها و آسیب‌هایی گوشزد شده است که ممکن است در اقشار و اصناف گوناگون موجب تباهی و سقوط گردد.

این دعا حدود بیست و شش موضوع در ابعاد فردی و اجتماعی و با جامعیتی مثال زدنی همه اقشار را در بر گرفته است در این قسمت به برخی از آنها اشاره خواهد

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۵۱

شد:

۱. خدایا توفیق اطاعت، دوری از گناه، صداقت و راستی در نیت، شناخت محرمات را روزیم گردان.

چند نکته

الف) اطاعت و پیروی از کسانی که اطاعتشان بر ما لازم است؛ یعنی خدا و رسول و اوصیای برحقشان^۱ تنها راه سعادت و رستگاری ماست و حیات و زندگی انسانی ما را در پی دارد.^۲ قطعاً ریشه و سرچشمه تمام مشکلات ما خروج از این راه است.

ب) گرچه گناه به معنای ترک واجب یا انجام کار حرام است، اما شاید بتوان گفت در اینجا درخواست دوری از گناه به قرینه جمله پیشین، همان انجام محرمات باشد. ممکن است کسی اعمال صالح مانند نماز و روزه و مانند آن را انجام دهد؛ اما اگر از گناه دوری نکند، همانند کسی است که ساختمانی بسازد، سپس آن را خراب کند، بنابراین امامان معصوم علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند که جدیت داشته باشید و تلاش کنید و اگر عمل (صالح = مستحبات) انجام نمی‌دهید، لا اقل گناه نکنید (واجب را ترک نکنید و حرام را انجام ندهید)، چون کسی که بنایی را می‌سازد و آن را خراب نمی‌کند، بنایش بالا می‌رود هر چند کم باشد؛ اما کسی که بنایی می‌سازد ولی آن را خراب می‌کند بنایش بالا نمی‌رود.^۳

ج) نیت سالم و صادقانه ریشه و اساس عمل را می‌سازد؛ لذا اگر ذره‌ای ریا و انگیزه‌های غیر خدایی به عمل وارد شود، تمام عمل را نابود می‌سازد. حق تعالی فرمود: من بهترین شریک هستم اگر کسی کاری را که انجام می‌دهد، دیگری را شریک گرداند (همه را به شریک می‌دهم) و آن را نمی‌پذیرم.^۴

۱. نساء: ۵۹.

۲. انفال: ۲۴.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۶.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

۵) سرانجام، برخی در اثر ناآشنایی با واجبات و محرمات، در انجام واجب کوتاهی می‌کنند و به معصیت گرفتار می‌شوند یا مرتکب فعل حرام می‌گردند؛ بنابراین فرمود: چرا از هر گروهی از مؤمنین طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به‌سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.^۱

از سوی دیگر، بر مردم واجب است با مراجعه به عالمان دینی وظایف خود را یاد بگیرند؛ بنابراین، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر فریاد می‌زند: ابتدا احکام معامله را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید تا گرفتار ربا نشوید.^۲

۲. ما را با هدایت و صبر واستقامت گرامی بدار.

اگر راهی که ما را به سعادت و کمال می‌رساند (تمسک به ثقلین)^۳ یافتیم و با همت، تلاش و استقامت آن را به درستی پیمودیم، عزیز و سربلند می‌شویم و گرنه خوار و ذلیل خواهیم شد.^۴

این همان چیزی است که هر روز دست کم ده بار در نماز از خداوند متعال درخواست می‌کنیم^۵ و اگر در خواسته خود جدی و صادق باشیم، قطعاً راه درست به ما نشان داده خواهد شد^۶ و پایبندی به حق انسان را آن‌چنان سربلند و عزیز می‌کند که فرشتگان بر او نازل می‌شوند.^۷

۱. توبه: ۱۲۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۳. صحیح مسلم یک جلدی ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴، فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ح ۲۴۰۸. سنن ترمذی (یک جلدی) کتاب المناقب، باب ۳۲، مناقب اهل بیت النبی، ح ۳۷۹۷، ص ۹۹۲.

۴. شعراء: ۸۷.

۵. حمد: ۶.

۶. عنکبوت: ۶۹.

۷. فصلت: ۳۰.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﷺ ۵۳

نکته آخر این است که باید مراقب باشیم تا گناه^۱ مال حرام^۲ و حب مقام ما را از راه هدایت خارج نکند و عاقبت به شر نگرداند.^۳

۳. زبان ما را با سخن درست و حکمت محکم بگردان.

«مردی به محضر رسول خدا ﷺ شرفیاب شد و عرض کرد: مرا سفارش نمایید. حضرت فرمود: زیانت را حفظ کن. دوباره عرض کرد: مرا سفارش نمایید. حضرت دوباره همین سفارش را نمود. برای بار سوم نیز حضرت همین سفارش را تکرار کرد و سپس اضافه نمود: وای بر تو، آیا چیزی جز سخنان بی‌مورد مردم را به آتش جهنم می‌اندازد؟»^۴

گاهی یک سخن نسنجیده به کلی او را از مقام و منزلتش ساقط می‌کند. بر اساس آیات و روایات^۵ ده‌ها گناه به زبان مربوط می‌شود. ارزش حکمت نیز تا آنجاست که حق تعالی فرمود:

و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند.^۶

نتیجه سخن اینکه حفظ زبان و استفاده از آن فقط در سخنان درست و حکمت‌آموز شرط اساسی سعادت دنیا و آخرت است.

۴. دل‌های ما را با علم و معرفت پر کن.

در ارزش علم همین بس که رسول خدا ﷺ می‌فرماید:
آگاه باشید همانا خداوند جویندگان علم را دوست می‌دارد^۷ و در قرآن،

۱. روم: ۱۰.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

۳. همان، ج ۲۴، ص ۲۶.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵ بَابُ الصَّمْتِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ.

۵. حجرات (۴۹): ۱۱ و ۱۲؛ همزه (۱۰۴): ۱؛ توبه (۹): ۷۹؛ اسراء (۱۷): ۵۳؛ نور (۲۴): ۱۵؛ المحجۃ البیضاء،

کتاب آفات اللسان، ج ۵، ص ۱۹۰.

۶. بقره: ۲۶۹.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰.

نام دانشمندان در کنار نام خدا و فرشتگان به چشم می‌خورد.^۱
اما نکتهٔ اساسی در اینجا این است که از دیدگاه قرآن چیزی را می‌توان علم نامید که نتیجهٔ آن خوف و خشیت از خداوند^۲ و در یک کلمه، عبودیت و بندگی او و عشق به محبوب واقعی باشد.

وقتی روح و روان انسان از علمی که نتیجهٔ آن معرفت است، لبریز شد؛ به دنبال آن، اطاعت عارفانه و عاشقانه سراسر وجود او را دربر می‌گیرد و امور دنیا و آخرتش اصلاح می‌شود و به بیان نورانی حضرت صدیقهٔ طاهره، زهرای مرضیه علیها السلام خداوند با فضیلت‌ترین مصلحت را برای چنین بنده‌ای رقم می‌زند.^۳

۵. شکم‌هایمان را از حرام و شبهه‌ناک پاک بگردان.

میان جسم و روح رابطهٔ متقابل وجود دارد. جسم به منزلهٔ ظرف برای روح است و در این عالم روح ما از راه جسم تغذیه می‌شود و پرورش می‌یابد. اگر مال حرام یا شبهه‌ناک به جسم وارد شود، دیگر نور حق از این جسم به روح نمی‌تابد و به کوردلی دچار می‌گردد،^۴ تا آنجا سقوط می‌کند که سخن دلسوزانهٔ ولیّ خدا را نمی‌شنود؛ آن‌جا که فرمود:

چه مانعی دارد که ساکت شوید و سخن مرا گوش کنید؟ جز این نیست که من شما را به راه هدایت دعوت می‌کنم، کسی که از من اطاعت کند هدایت می‌شود و کسی که نافرمانی نماید، هلاک و کافر خواهد شد. شما عموماً امر مرا اطاعت نمی‌کنید، به سخن من گوش نمی‌دهید. زیرا شکم‌های شما از حرام پر شده و به قلب‌های شما مهر (قساوت) زده شده است.^۵

۱. آل عمران: ۱۸.

۲. فاطر: ۲۸.

۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۲۷.

۴. حج: ۴۶.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۵۵

رسول خدا ﷺ فرمود:

ای اباذر! کسی که برایش فرقی نمی‌کند مال را از چه راهی به دست آورده است، خداوند هم برایش فرقی نمی‌کند از چه دری او را به جهنم وارد کند.^۱

امیرالمؤمنین علیؑ نیز فرمود:

بدترین مال‌ها، مالی است که چیزی از آن انفاق نشود و زکات آن پرداخت نگردد.^۲

۶. دستان ما را از ستم و دزدی باز دار.

وقتی سخن از ظلم و سرقت به میان می‌آید، چه بسا ظالمان روزگار و دزدان گردنه‌ها در ذهن تداعی شود، غافل از اینکه هر کس گناه کند، ظالم است و به خود^۳ و دیگران^۴ و چه بسا با شرک ورزیدن به خداوند ظلم کرده است.^۵

کسی که زکات مال خود را نپردازد و مهریه زنان را حلال بشمارد (نپردازد) و از کسی قرض بگیرد، ولی قصد پرداخت آن را نداشته باشد، دزد به شمار می‌آید.^۶

۷. چشمان ما را از ناپاکی و خیانت بیوشان و گوش‌هایمان را از (شنیدن) لغو و غیبت باز دار.

مولای متقیان، علیؑ فرمود:

کمترین چیزی که درباره خداوند بر شما لازم است، این است که از نعمت‌های او برای نافرمانیش کمک نگیرید.^۷

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۶.

۲. لیبی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹۳.

۳. فاطر: ۳۲ و یونس: ۲۳.

۴. شوری: ۴۲.

۵. لقمان: ۱۳.

۶. صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۵۳.

۷. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

اگر چشم و گوش ما ابزاری در دست نفس قرار گیرد و در راه لذت‌های حیوانی به کار گرفته شود، مشمول این آیه شریفه می‌گردد:

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آن‌ها [عقلها] دل‌هایی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند، و) نمی‌فهمند و چشمانی که با آن [حقایق را] نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند، آن‌ها همچون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند).^۱

مشکل اصلی اینجاست که اگر چشم و گوش خود را از محرمات به‌ویژه نامحرم و غیبت محافظت نکنیم، اولاً سرمایه‌های معنوی خود را بر باد خواهیم داد و ثانیاً، از چشم آیت‌بین و گوش حق‌شنو محروم شده و از پیمودن راه بندگی و رستگاری باز خواهیم ماند.

۸. به علمای ما زهد(رهایی از تعلقات دنیا) و خیرخواهی و به دانش‌پژوهان، تلاش و علاقه و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری عنایت فرما.

اگر علما که عمر خود را برای دین وقف کرده‌اند و از چشمه‌سار قرآن و عترت حقایق نوشیده‌اند، خود را از آفت بزرگ دنیازدگی حفظ کنند و پیوسته خیرخواه مردم به‌ویژه شاگردان خود باشند و شاگردانشان نیز از این فرصت نهایت بهره را ببرند و با عشق، علاقه، پشتکار و جدیت کوله‌بار علم و معرفت خود را پر نمایند و مردم نیز در اطاعت و پیروی و پندپذیری از آنان، کوتاهی نکنند، جامعه گلستان خواهد شد و از آفت‌های مادی و معنوی در امان مانده و سعادت و خوشبختی در انتظارشان خواهد بود، وگرنه

۹. بر بیماران مسلمانان شفا و راحتی و بر مردگان‌شان مهربانی و رحمت [عنایت فرما].

امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند:
مؤمنان در نیکی، مهربانی و عطاوفت نسبت به یکدیگر همانند بدن

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﷺ ۵۷

هستند. اگر دردی بگیرد، بقیه اعضا با بیداری و تب یکدیگر را برای [کمک به] او فرا می‌خوانند.^۱

پس مؤمن نمی‌تواند در برابر درد و مشکل دیگران بی‌تفاوت و بی‌درد باشد، بلکه درد و مشکل مؤمنان دیگر را از خود جدا نمی‌داند و با دعا برای شفای بیماران و طلب رحمت و مغفرت برای رفتگان و اقدام عملی به اندازه‌توان خود در این باره، حق خود را ادا می‌کند.

۱۰. بر کهنسالانمان وقار و آرامش و بر جوانانمان روی آوردن به خدا و توبه و بر زنانمان حیا و پاکدامنی را [عنایت فرما].

وقار به معنای عظمت و بردباری و در برابر خفت و سبکی است و مراد از آن عمل بر اساس خرد و فرزانی است و آرامش نیز نتیجه ایمان و یاد خداست. وقتی کهنسالان این دو ویژگی را داشته باشند، الگوی نیکویی برای جوانان و نوجوانان خواهند بود.

نیرو و قدرت جوانی، غلبه احساس بر عقل و وسوسه‌های نفسانی و شیطانی پیوسته جوان را در معرض انحراف و دوری از حق قرار می‌دهد. در چنین شرایطی توجه به خداوند و توبه و بازگشت به سوی او در صورت لغزش، از زیباترین حالت‌هایی است که می‌تواند در زندگی جوان به وجود آید و او را در سایه رحمت الهی قرار دهد. رسول رحمت ﷺ در این باره فرمود:

در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه رحمت او نیست، هفت گروه هستند که خداوند آنان را تحت سایه خود قرار می‌دهد: جوانی که در عبودیت و بندگی خداوند رشد کند...^۲

اما حیا و پاکدامنی زیباترین لباس بر اندام مسجود ملائک است، بلکه انسان بودن

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۴.

۲. همان، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

انسان، در گرو همین ویژگی است^۱ و کسی که حیا ندارد ایمان ندارد.^۲
 اما این لباس بر اندام زن زیباتر و ضروری‌تر است؛ زیرا فرزندی که در چنین
 زمینی می‌رویند که به حیا و عفاف آراسته است، ثمرهٔ پاکی و سعادت است که در
 وجود آن‌ها به بار خواهد نشست. به همین دلیل است که در معجزهٔ جاویدان الهی
 قرآن، از مریم علیها السلام^۳ و دختر حضرت شعیب^۴ تجلیل شده است.
 همچنین، اگر معاویه فرزند یزید با پدران خود تفاوت دارد راز آن در همین نکته
 نهفته است که مادرش متفاوت بوده است.

اگر خدای ناکرده زنان جامعه فاسد شوند، هیچ ارزش و خیر و صلاحی برای آن
 جامعه، باقی نخواهد ماند. اکنون راز این مسأله مشخص می‌گردد که چرا غرب با تمام
 نیرو به وسیلهٔ هنر به سرقت حیا و عفاف جوانان به‌ویژه زنان روی آورده است.

۱۱. بر ثروتمندانمان، تواضع و وسعت و بر فقرا صبر و قناعت را [عنایت فرما].

دنیا همچون مدرسه است و دانش‌آموزان آن همهٔ انسان‌هایی هستند که وقتی به
 مرتبهٔ بلوغ برسند، در این مدرسه ثبت نام می‌کنند و در کلاس سعادت و فلاح و
 خوشبختی حاضر می‌شوند. آزمون‌های زیادی مانند بیماری و سلامت، قدرت و ضعف،
 زیبایی و زشتی، برخورداری از نعمت و محرومیت از آن و... از سوی آفریدگار حکیم و
 به‌وسیلهٔ آموزگاران خبیر و دلسوز یعنی حجت‌های الهی در راه سعادت و طی درجات
 رشد و تعالی، انجام می‌گیرد.

یکی از این آزمون‌ها، آزمون فقر و غناست.

۱. مفضل بن عمر، توحید مفضل، ص ۷۹.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. تحریم: ۱۲.

۴. قصص: ۲۵.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۵۹

اگر خداوند به کسی مال داده، به این معنا نیست که او را بیش از دیگران دوست داشته است و اگر به کسی کمتر داده، به این معنا نیست که بر او غضب کرده است. بلکه هر دو در جهت امتحان است تا در پی سربلندی در این آزمون به درجات بالاتر صعود نمایند و البته آزمون ثروت بسی مشکل‌تر از فقر است.

اگر ثروتمندان، قارون‌گونه رفتار نکنند، با ثروت به غرور و تکبر دچار نشوند، خود و هر آنچه را که دارند، از خدا بدانند، با فقیران متواضعانه برخورد نموده و به یاری آنها بشتابند و اگر فقیران برای رفع نیاز خود، به خفت و خواری تن ندهند، و وظیفه‌ای که در راه کسب مال حلال دارند انجام دهند، امور خود را به خدای حکیم بسپارند و با مرکب صبر و قناعت به پیش بروند، قطعاً خیر و صلاح دنیا و آخرت را به دست خواهند آورد.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

در شگفتم از کار انسان مسلمان که خداوند هیچ حکمی برای او رقم نمی‌زند، جز اینکه برایش خیر است؛ هر چند با قیچی قطعه قطعه شود، برایش خیر است و اگر مالک شرق و غرب عالم شود، نیز برایش خیر است.^۱

۱۲. بر رزمندگان نصرت و پیروزی و بر اسیران رهایی و راحتی را [عنایت فرما].

یکی از وظایف و واجبات مهم دینی، دفاع از دین و ارزش‌ها و ایستادگی در برابر هجوم دشمن است که در قرآن از این حقیقت با عنوان جهاد فی سبیل‌الله یاد شده و به جرقه‌ای که از برخورد سم اسب با سنگ در دل شب تاریک ایجاد می‌شود، قسم خورده شده است؛^۲ زیرا حامل مجاهدی است که برای مبارزه با دشمن به پیش می‌تازد.

دعا برای پیروزی مجاهدان فی سبیل‌الله و رهایی رزمندگانی که در چنگال

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۲.

۲. عادیات: ۲.

۶۰ ❁ ادعیه و زیارات مهدوی

دشمن اسیر شده‌اند، وظیفه همه مؤمنان به‌ویژه کسانی است که به دلیل عذر شرعی توفیق حضور در میدان‌های نبرد را نیافته‌اند.

۱۳. بر دولتمردان عدالت و دلسوزی و بر مردم انصاف و عملکرد نیکو [عنایت فرما].

قدرت به خودی خود، بی‌رحمی، سنگ‌دلی و خودخواهی را به دنبال دارد. یاد خدا و قیامت و توجه به اینکه قدرت یک آزمون و فرصتی برای خدمت است و نه نشانه برتری و با عبرت گرفتن از فرعون می‌تواند در راه عدالت و خدمت به مردم حرکت کند، آن‌چنان که راحتی و آسایش خود را برای راحتی و آسایش مردم فدا کند. و با قرار گرفتن در سایه رحمت الهی^۱ به سعادت هر دو دنیا دست یابد.

و اما نکته مهم این است که اگر حتی حاکم معصومی چون ابی‌طالب (علیه السلام) در رأس امور قرار گیرد، ولی مردم اهل انصاف، بصیرت، اطاعت و پیروی از حاکم عادل خود نباشند، جامعه به هرج و مرج دچار می‌گردد. رنج‌نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج‌البلاغه گواهی بر صدق این ادعاست.^۲

بنابراین، قرآن حکیم بر این مطلب تاکید می‌کند که مردم باید برای به پا داشتن عدل و داد به پا خیزند.^۳

۱۴. و زاد و توشه حاجیان و زائران را خیر و برکت عطا فرما و حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای، کامل کن،^۴ به فضل و رحمت ای مهربان‌ترین مهربانان.

شاید بتوان گفت یکی از دشوارترین کارها پس از جهاد در راه خدا، حج و عمره است؛ به‌ویژه کمبود امکانات در زمان قدیم و نا امنی راه‌ها گاهی سبب می‌شد، همه

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷ و ۹۷ و کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۹.

۳. حدید: ۲۵.

۴. تعبیری که در دعا آمده است: «وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ...» است و در کتاب لسان‌العرب درباره واژه «قضاء» چنین آمده است: «وَكُلُّ مَا أَحْكَمَ عَمَلَهُ أَوْ أُتِمَّ أَوْ خُتِمَ أَوْ أُدِّيَ أَدَاءً أَوْ أُوجِبَ أَوْ أُغْلِمَ أَوْ أُتْفِدَ أَوْ أُمْضِيَ فَقَدْ قُضِيَ»؛ (این منظور، لسان‌العرب، ۱۵، ۱۸۶).

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﴿...﴾ ۶۱

پول و سرمایه حاجی تمام شود یا به سرقت برود، از سوی دیگر اعمال حج، دقیق و مشکل است و انجام کامل و درست آن با توجه به اسرار آن، کار ساده‌ای نیست، به همین دلیل دعا برای آنان امری ضروری و نشانه ایمان دعاکننده است.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

دعای مؤمن پشت سر برادر مؤمنش، موجب فراوانی رزق و برطرف شدن امور ناپسند می‌گردد.^۱

و امام باقر (علیه السلام) درباره آیه شریفه ﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۲ می‌فرماید:

مقصود مؤمنی است که پشت سر برادر مؤمنش دعا می‌کند، فرشته بر دعایش آمین می‌گوید و خداوند شکست‌ناپذیر و بلند مرتبه می‌فرماید: و برای تو دو برابر آنچه که برای برادر مؤمنت خواستی خواهد بود و به خاطر اینکه او را دوست داشتی، خواسته تو برآورده شد.^۳

آیت‌الله جوادی آملی در کتاب /امام مهدی، موجود موعود از این دعا با عنوان وظایف منتظران در آینه دعای مهدوی سخن می‌گوید و در دو محور وظایف شخصی، اجتماعی و سیاسی وظایف منتظران را تبیین می‌نماید؛^۴ زیرا حقیقت انتظار حرکت در راهی است که این دعا ترسیم نموده است.

مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) در این باره می‌فرمایند:

انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران، منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد،

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، کتاب الدعاء، باب الدعاء للاخوان.

۲. شوری: ۲۶.

۳. همان.

۴. جوادی آملی، /امام مهدی (علیه السلام) موجود موعود، ص ۲۰۰.

عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.^۱

دعای عهد

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

کسی که چهل صبح خداوند را با این عهد بخواند، از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور از دنیا برود، خداوند او را از قبرش بیرون خواهد آورد (به اذن الهی رجعت خواهد نمود) و خداوند برای هر کلمه‌ای از این دعا هزار حسنه عطا خواهد نمود و هزار سیئه را از وی خواهد زدود و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ... الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ».^۲

چند نکته

الف) دعاهایی همانند دعای عهد

دعایی در تعقیب نماز صبح از ناحیه مقدسه صادر شده است که هم ابتدا و هم فرازهای زیادی از متن آن مانند دعای عهد است، ولی موضوع آن مهدویت نیست، ابتدا و انتهای آن چنین است: «اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ... أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أُحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أُحْتَسِبُ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَنْ تُعْطِنِي مَا أَرْجُوهُ وَ آمُلُهُ إِنَّكَ

۱. بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) در دیدار استادان و دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۰/۴/۱۸.

۲. ابن مهدی، مزار کبیر، ص ۶۶۳.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۶۳

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».^۱

دعای سومی نیز وجود دارد که به موضوع توحید می‌پردازد و آغاز آن مانند دعای عهد است، همچنین مستحب است این دعا هنگام افطار خوانده شود.

«اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الْوَاسِعِ.... وَ اجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».^۲

دعای «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» در واقع خلاصه

دعای عهد است و همانند دعای عهد، بهتر است پس از نماز صبح امام زمان (عج) را با آن زیارت کنیم.^۳

آغاز و پایان آن به این صورت است:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

ب) یک اربعین با دعای عهد

واژه «صبح» و «صبح» به معنای اول روز است^۴ و ظاهر تعبیر امام که فرمودند:

«اربعین صباحا»، این است که این دعا چهل روز پشت سر هم خوانده شود.

قطعاً چهل روز متوالی با خداوند عهد و پیمان بستن در اطاعت و پیروی از امام

زمان (عج) آثار ارزشمندی را به دنبال دارد. تجدید این عهد و تکرار این اربعین، انسان را از لغزش و انحراف از راه ولایت و امامت نجات می‌دهد و دوری از بد عاقبتی را در پی خواهد داشت، ان شاء الله.

۱. طوسی، مصباح‌المتجهد، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. همان، ۲۶۴.

۳. ابن‌مشهدی، مزارکبیر، ص ۶۶۲.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۷۳.

ج) آیا فقط با خواندن دعای عهد می‌توان یکی از یاران امام زمان علیه السلام شد؟
 بنابر آنچه گذشت، دعا یعنی سخن گفتن ما با خداوند. طبعاً لازم است بدانیم چه می‌گوییم و این عهد و پیمانی که به آن متعهد می‌شویم، چیست؟ آن هم عهد وثیق و محکمی که متعهد می‌شویم تا پای جان به آن پای‌بند باشیم و می‌گوییم:
 خدایا من در ابتدای این روز و همه روزهایی که بر من گذشته است، عهد و پیمان و بیعتش را که بر عهده دارم، تجدید می‌نمایم آن‌چنان‌که از آن روی برنگردانم و هیچ‌گاه از آن جدا نشوم.

در ادامه این ادعا از خداوند می‌خواهیم که:
 ...خدایا مرا از کسانی قرار بده که از او دفاع می‌کنند و در برآوردن خواسته‌های او شتاب می‌کنند و دستوراتش را اطاعت می‌نمایند...
 آیا در راه زندگی خود، خواسته‌های مولا و صاحبمان را بر خواسته خودمان مقدم می‌داریم؟! و در پی عمل به دستوراتش هستیم؟
 اگر کسی به این عهد و پیمان پایبند باشد، قطعاً از یاران حضرت خواهد شد، سلمان به همین دلیل «منا اهل البیت» شد. از امام صادق علیه السلام پرسیدند علت اینکه از سلمان زیاد یاد می‌کنید، چیست؟ امام فرمود: به خاطر سه ویژگی؛ اولین آن این بود که: «إِثَارَةُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى هَوَى نَفْسِهِ» خواسته حضرت علی را بر خواسته خودش مقدم می‌داشت.^۱

روایت‌های زیادی^۲ به روشنی بیان می‌کند که اگر کسی در دوران غیبت امام زمان علیه السلام ثابت قدم بماند، «منا اهل البیت» خواهد شد. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:
 خوشا به حال پیروان ما کسانی که در دوران غیبت قائم ما به ریسمان ما چنگ بزنند، و بر ولایت ما و برائت و دوری از دشمنانمان ثابت قدم

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۵ و باب ۲۵، ح ۲ و ح ۸ و باب ۲۶، ح ۱۴ و باب

۳۱، ح ۲ و ۷ و ج ۲، باب ۳۴، ح ۵.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﷺ ۶۵
بمانند، آن‌ها از مایند و ما از آن‌ها هستیم...^۱

(د) دعای عهد در یک نگاه

در مجموع می‌توان دعای عهد را در هفت بخش بررسی کرد:
بخش اول: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ... يَا حَيَّ [حی] لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».
بیان مجد و عظمت خداوند حی منان و ویژگی‌هایش، متناسب با موضوع دعا
یعنی حضرت مهدی ﷺ.

بخش دوم: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ... وَأَخْصَاهُ كِتَابَهُ».
درخواست ابلاغ درود و سلام بی‌پایان از سوی همه مؤمنین و مؤمنات عالم به
محضر مولا یمان حضرت مهدی ﷺ.
بخش سوم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ... وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ
يَدَيْهِ».

تجدید عهد و پیمان با امام زمان ﷺ در اطاعت و پیروی از او تا پای جان و
شهادت در رکاب حضرتش.
بخش چهارم: «اللَّهُمَّ وَإِنْ حَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ... مُلَبِّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي
الْحَاضِرِ وَالْبَادِي».
درخواست رجعت در صورت مردن پیش از ظهور و لبیک به ندای حضرت
مهدی ﷺ.

بخش پنجم: «اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ... وَأُحْيِ بِهِ عِبَادَكَ».
درخواست توفیق دیدار جمال دلربای حضرت مهدی ﷺ، چندین درخواست در راه
تعجیل فرج و حرکت در راه امام زمان ﷺ، درخواست یاری خداوند نسبت به ولیّش،
آباد کردن شهرها و زنده نمودن [دل‌های] بندگان به وسیله حضرت مهدی ﷺ.

دو نکته

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

۱. باز یا بسته بودن باب ملاقات

با توجه به اهمیت موضوع ملاقات و اظهار نظرهای متفاوت در این باره که از آسیب افراط و تفریط در امان نمانده است، به طور خلاصه و با در نظر گرفتن همه جوانب آن، مطالبی بیان خواهد شد:

الف) در دوران غیبت کبرا اصل بر عدم ملاقات است؛ چرا که اقتضای غیبت همین است.^۱

ب) قطعاً تا به حال افرادی به خاطر قرار گرفتن در شرایط اضطراری و توسل به حضرت یا به خاطر طهارت نفس، محضر ایشان مشرف شده‌اند؛^۲ ولی:

اولاً، این تشرفات به اذن و اختیار خود حضرت بوده نه آنان؛

ثانیاً، در اغلب این موارد، هنگام تشرّف حضرت را نشناخته‌اند؛

ثالثاً، آن که را اسرار حق آموختند، مهر کردند و دهانش دوختند. بنابراین، ملاقات

کنندگان امام مهدی علیه السلام هیچ ادعایی در این باره نداشته‌اند.

ج) تشرّف به محضر حضرت، نعمت بزرگ الهی است و آرزوی هر شیعه‌ای است؛

اما ما مأمور به تلاش برای دیدن حضرت نیستیم، بلکه مأمور به تقرّب به او هستیم با انجام واجبات، ترک محرّمات و رعایت آداب و اخلاق اسلامی.^۳

۲. ظهور برای احیای دل‌ها و عمران عالم

نکته مهم این است که امام زمان علیه السلام برای عمران و آبادی عالم و احیای دل‌هایی

می‌آید که از یاد خدا دور شده‌اند، نه برای کشتن افراد.

اگر درباره ایشان سخن از قیام با شمشیر و کشتن مطرح شده است، دقیقاً در

جهت همین احیا و آبادانی است؛ همانند طبیب ماهری که برای درمان بیمار خود تیغ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۳.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶ به بعد.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﷺ ۶۷

تیز جراحی نیز دارد تا هرگاه یک غده چرکین، زندگی بیمارش را تهدید کرد، آن را از میان بردارد.

برخورد امام مهدی ﷺ نیز با ظالمان و مستکبرانی است که زالوصفت به جان مردم افتاده و از هیچ ظلم و ستمی دریغ نمی‌کنند و با زبان موعظه نیز به راه عدالت قدم نمی‌گذارند.

مطلب آخر اینکه گاهی گفته می‌شود که دو سوم مردم کشته می‌شوند. اولاً، این مربوط به قبل از ظهور است و ارتباطی به حضرت مهدی ﷺ ندارد و ثانیاً، در فهم روایات اشتباهی صورت گرفته است، زیرا مراد، دو سوم مردم کل دنیا نیست، بلکه دو سوم کسانی است که با هم می‌جنگند، به عبارت دیگر الف و لام در واژه «الناس» عهد است نه الف و لام جنس.

تعبیرات دیگری مانند: نه دهم مردم^۱ نیز آمده، طبیعی است اگر مراد، دو سوم یا نه دهم مردم کل دنیا باشد، وقتی بیش از پنج میلیارد از هفت میلیارد مردم بمیرند، طبعاً بقیه نیز بر اثر عدم امکان دفن، و شیوع وبا و بیماری‌های دیگر، در طول کمتر از چند روز خواهند مرد. البته تفصیل مطلب مجال دیگری را می‌طلبد.

بخش ششم: «فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ وَ اجْعَلْهُ مِنْ حَصْنَتِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ».

در این قسمت ظلم و فساد موجود در عالم مورد توجه قرار می‌گیرد که بر اثر کارهای بد مردم، همه جهان را فراگرفته است. بنابراین، از خداوند ظهور را درخواست می‌کنیم و با ذکر نسب حضرت، اقدامات و برنامه‌های ایشان در جهت نابودی باطل و احیای حق، به داد مظلومان و بی‌پناهان رسیدن، تجدید احکام بر زمین مانده قرآن، بر افراشتن پایه‌های بر زمین افتاده دین و سنت پیامبر بزرگ خدا و درخواست محفوظ ماندن ایشان از گزند دشمن بیان می‌شود.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۴.

بخش هفتم: «اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤُوسِهِ... إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

در بخش پایانی با بیانی لطیف، ظهور حضرت مهدی علیه السلام درخواست می‌گردد و از خداوند می‌خواهیم تا به درماندگی ما که به دلیل غیبت حضرت ایجاد شده، رحم کند و غم و گرفتاری را با آمدن ایشان بر طرف کند. در جمله پایانی به یکی از آسیب‌های دوران انتظار اشاره می‌شود و آن، این است که زمان تحقق وعده الهی را دور بدانیم؛ بنابراین، با وجود آنکه نباید برای ظهور، زمان تعیین کرد، ولی هر صبح و شام باید منتظر ظهور و آماده باشیم^۱ و به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام در امر ظهور به افراط و تفریط دچار نشویم؛ چنانچه فرمود: «نسبت به آنچه که قطعی و متوقع است، شتاب نکنید و آنچه را که فردا خواهد آورد، دیر مشمارید».^۲

و سرانجام، با زدن دست بر پای خود، عجز و درماندگی خود را اعلام نموده و خطاب به مولا یمان می‌گوییم: مولا جان! شتاب نما، شتاب نما، شتاب نما.
نکته: گذاشتن دست بر سر و زدن دست بر پا به‌ویژه در بین عرب به معنای استغاثه و فریادخواهی است.

زیارت آل یس

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: نامه‌ای از ناحیه مقدسه که خداوند آن را محفوظ بدارد، صادر شد که پس از بیان مسائلی نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. نه درباره امر خدا تعقل می‌کنید و نه از اولیائش می‌پذیرید. حکمت رسای الهی است؛ اما اندازها مردمی را که ایمان نمی‌آورند، فایده نمی‌بخشد، سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا هنگامی که خواستید به وسیله ما به خدا و خود ما توجه نمایید، بگویید آنگونه که خدای متعال فرموده است: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَس... آمِينَ يَا ذَا

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❁ ۶۹

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»^۱.

نکات

الف) تفاوت نقل احتجاج با نقل المزار

دو نقل که تفاوت عمده‌ای با هم دارند، برای این توقیع بیان شده است. یکی، نقل احتجاج است که نسبتاً مختصر و با اتقان بیشتر است؛ ولی متأسفانه اسناد در این کتاب حذف شده است. از سوی دیگر متن مزار، مفصل‌تر و با سند جامع است؛ ولی در متن آن کمی اضطراب وجود دارد. شایان ذکر است که هر دو نقل از طریق محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری رسیده است.

مرحوم علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحار/الانوار، صفحه ۱۷۳ نقل احتجاج را و در جلد ۹۱، صفحه ۳۶ نقل مزار را و در جلد ۹۹، صفحه ۹۲ نقلی شبیه به نقل مزار بیان کرده است.

ب) حرکت در راه قرآن

قرائت این زیارت در واقع عمل به سفارش قرآن است، بر اساس آنچه که در مقدمه کتاب توضیح آن گذشت، خداوند متعال در آیاتی مانند سوره نساء، آیه ۶۴، سوره مائده، آیه ۳۵ و سوره اعراف، آیه ۱۸۰ راه و روش ارتباط با خود را بیان کرده است. امام زمان باب الله و سبیل الله است که از راه او می‌توان به توحید راه پیدا کرد.^۲

ج) مراد از آل یس

مراد از «یس» بر اساس روایات متعدد، رسول گرامی اسلام ﷺ است، چنانچه «طه» نیز به همین معناست و منظور از «آل یس و آل طه» نیز قطعاً اهل بیت

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳ و ابن مهدی، مزار کبیر، ص ۵۶۷.

۲. برای تحقیق بیشتر رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ صدوق، توحید، ص ۲۵؛ مجلسی، بحار/الانوار،

ج ۳، ص ۲۷۷.

ایشان علیه السلام می‌باشند.^۱

اما نکته‌ای که در این توقیع وجود دارد، این است که می‌فرماید: «بگویند همان‌گونه که خداوند فرموده است: سلام علی آل یس...». تعبیر «سَلامٌ عَلٰی اِلْیَاسِین» که در قرآن آمده است،^۲ ظاهر آیه با توجه به شواهد و قرائن موجود در آیات قبل از آن، حضرت الیاس علیه السلام است؛ ولی روایت‌های وارد شده در ذیل آن نشان می‌دهد که مراد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند.

دلیل این شیوه بیان که ظاهر آیه حضرت الیاس یا خانواده او و حقیقت آن اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشند را شاید بتوان در بیان نورانی امام علی علیه السلام یافت که صیانت قرآن از تحریف بوده است.^۳

یعنی همان دلیلی که اقتضا می‌کرد آیه اکمال دین در بین آیه ۳ مائده و آیه تطهیر در بین آیات مربوط به همسران پیامبر قرار داده شود، اینجا نیز اقتضا می‌کند که فضیلت اهل بیت علیه السلام به این صورت بیان گردد.

از بیان امام رضا علیه السلام استفاده می‌شود که تعبیر سلام بر اهل بیت در قرآن منحصرأ درباره اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است و لا غیر.^۴

(د) زیارت آل یس در یک نگاه (نقل احتجاج)

بخش اول: تقدیم سلام

در ابتدای این دعا در مجموع حدود چهل سلام (با تفکیک سلام‌ها) بیان شده که در بیش از نیمی از آن به لقب‌های حضرت و در نیم دیگر به حالت‌های گوناگون ایشان اشاره شده است.

۱. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۱.

۲. صافات: ۱۳۰.

۳. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۱.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۶۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۷۱

لقب‌ها:

دَاعِيَ اللَّهِ: دعوت‌کننده به خداوند. کار امام و هدف اصلی ظهور دعوت به عبودیت خالصانه خداست ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱. رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ: عارف و آگاه به آیات الهی.^۲

بَابَ اللَّهِ: راه رسیدن به خداوند، واسطه فیض الهی.

دَيَّانَ دِينِهِ: قاضی و داور دین خدا. صاحب لسان العرب می‌گوید: از برخی از گذشتگان از حضرت علی سؤال شد گفت: او بعد از پیامبر خدا، دیان این امت بود؛^۳ مقصود این است که دین خدا به دست اوست.

خَلِيفَةَ اللَّهِ: جانشین خدا، کسی که از سوی خداوند امر هدایت و امور عالم به او سپرده شده است.

نَاصِرَ حَقِّهِ: یاری‌کننده حق خداوند. حق خداوند عبودیت محض و خالصانه او و شناخت اوست، همچنانکه شایسته است تا شناخته شود.

حُجَّةَ اللَّهِ: حجت و دلیل و برهان الهی، کسی که خداوند به وسیله او بر خلق احتجاج می‌کند که با در اختیار قرار دادن چنین امام معصوم و نعمت عظیم و بی‌نظیرش چه کرده‌اند؟^۴

دَلِيلَ إِرَادَتِهِ: راهنمای خواست الهی. با توجه به مقام والای عصمت، امام معیار حق و راه شناخت خواست خداست.^۵

تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ: تلاوت‌کننده قرآن، یا عدل و همتای قرآن،^۶ یا پیروی‌کننده از

۱. نور: ۵۵.

۲. الرَّبَّانِيُّ الْمُتَّالِي، الْعَارِفُ بِاللَّهِ تَعَالَى، الرَّبَّانِيُّ الْعَالِمُ الرَّاسِخُ فِي الْعِلْمِ وَ الدِّينِ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۴).

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۶۶.

۴. نک: نساء: ۱۶۵ و صافات: ۲۴ و تکوین: ۸.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۷۲.

۶. «تَلَوْ الشَّيْءَ: الَّذِي يَتْلُوهُ»؛ (همان، ۱۴، ۱۰۲).

کتاب خدا.^۱

ترجمانه: تفسیرکننده و تبیین‌کننده قرآن. در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شده، تعبیر «ترجمة وحیک» آمده است. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ... وَ تَرَاجِمَةً وَحِيكَ...»^۲

واژه «ترجمة» جمع «ترجمان» است. به تعبیر دیگر، امام نسخه عینی قرآن و تجسم حقیقت آن و در یک کلمه قرآن ناطق است.^۳

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ: [حجت] باقی‌مانده از سوی خدا بر زمین، حجت حی الهی.^۴
مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ: پیمان خدا که آن را گرفته و محکم کرده است. به کار رفتن تعبیر «ميثاق الله» درباره امام نهایت اهمیت پیمانی را نشان می‌دهد که خداوند از مردم، درباره ولایت و امامت گرفته است، همان گونه که در قرآن کریم از امامت به «عهد» تعبیر شده است.^۵

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِي ضَمِنَهُ: وعده خدا که خود آن را ضمانت نموده است.^۶
الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ: پرچم برافراشته. در زیارت جامعه کبیره تعبیر «اعلام الهدی» آمده؛ یعنی ستون‌ها و نشانه‌های هدایت.

الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ: دانش ریزان. کنایه از فراوانی علم امام است که چون متصل به علم الهی است، بی‌نهایت و پایان‌ناپذیر است.^۷

الْعَوْتُ: فریادرس. امام مغیث و فریادرس مظلومان است؛ اما به کار رفتن مصدر به جای وصف برای نشان دادن تأکید و مبالغه است.

۱. تلا إذا أتبع، فهو تال أي تابع (همان).

۲. ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۶۶۸.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴.

۴. هود: ۸۶.

۵. بقره: ۱۲۴.

۶. نور: ۵۵ و فتح: ۲۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۲.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۷۳

الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ: رحمت گسترده. در حدیث قدسی لوح سبز، از امام زمان با عبارت «رحمة للعالمین» یاد شده است.^۱

الإمامُ المأمونُ: امامی که امین [اسرار الهی] است. در توقیع صادر شده از ناحیه مقدسه در اعمال ماه رجب، تعبیر «المأمونون علی سرگ» در وصف اهل بیت علیهم‌السلام آمده است.^۲

المقدمُ المأمولُ: پیشوایی که مورد آرزوست. همه مستضعفان عالم آرزوی دیدن و ظهورش را دارند.

سلام به حالت‌های گوناگون حضرت یا در زمان‌های گوناگون:
سلام بر تو، آن‌گاه که به‌پا می‌ایستی. یعنی آن زمانی که قیام می‌کنی و حق را به تمام معنا به پای می‌داری.

سلام بر تو، آن‌گاه که می‌نشینی. کنایه از زمان غیبت امام است که در پس پرده مأموریت‌های الهی خود را انجام می‌دهی.

سلام بر تو، آن‌گاه که [قرآن را] قرائت می‌کنی. و به تبیین و تفسیرش می‌پردازی.^۳

سلام بر تو، آن‌گاه که به نماز می‌ایستی و [دست به] قنوت می‌گیری.

سلام بر تو، آن‌گاه که به رکوع و سجده می‌روی.

سلام بر تو، آن‌گاه که «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می‌گویی.

سلام بر تو، آن‌گاه که خدا را حمد و ستایش می‌نمایی و طلب مغفرت می‌کنی.

سلام بر تو، آن‌گاه که صبح و شام می‌کنی.

سلام بر تو، در شب آن‌گاه که تاریکی‌اش همه جا را فرا می‌گیرد.

سلام بر تو، در روز آن‌گاه که روشنایی‌اش فراگیر می‌شود. آیه ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۳.

۳. نحل: ۴۴ و مزمل: ۲۰.

تَجَلَّى^۱ به دوره قیام حضرت تأویل شده است.^۲

و سرانجام می‌گوییم: سلام بر تو، به همه سلام‌ها؛ یعنی سلامی به همه فضائل و ویژگی‌ها و حالت‌های ایشان.

بخش دوم: عرضه اعتقادات و گواه گرفتن حضرت نسبت به آن

اعتقاد به یکتائی خداوند و نفی هر گونه شریک برای او.

اعتقاد به رسالت حضرت محمد ﷺ و اینکه هیچ محبوبی برای خدا جز ایشان و اهل بیت طاهرش  نیست.

به همین دلیل ما نیز باید مودت و محبت این خاندان را با همه وجود با خود داشته باشیم.

اعتقاد به ولایت و امامت دوازده امام که اولین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب  و آخرینشان خاتم اوصیا، حضرت مهدی  است؛ گواهی می‌دهیم که اول و آخر خلقت ایشان هستند.

همان‌گونه که در زیارت جامعه کبیره می‌گوییم: خداوند خلقت را با شما آغاز نمود و با شما پایان می‌دهد.

اعتقاد به رجعت اهل بیت  و اینکه هیچ شکی در تحقق آن وجود ندارد، در این دوره رجعت افرادی که بی‌ایمان از دنیا رفته‌اند، یا در حیات خود عمل صالحی انجام نداده‌اند، دیگر برای آن‌ها سودی نخواهد داشت.

اعتقاد به اینکه مردن، سؤال نکیر و منکر در قبر، زنده شدن و برانگیخته شدن پس از مرگ، صراط، مرصاد و کمینگاه، میزان [عدالت]، محشور شدن، محاسبه اعمال، بهشت و جهنم و وعده و وعید به آن، همه و همه، حق و باور من است.

بخش سوم: اقرار به نوع رابطه خود به عنوان ماموم با امام زمان .

۱. لیل: ۲.

۲. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۸.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۷۵

خطاب به ایشان می‌گوییم: مولا جان! کسی که به مخالفت با شما برخیزد شقی و بدبخت و کسی که از شما پیروی نماید، سعادت‌مند خواهد شد.

مولا جان! نسبت به آنچه که شما را به آن گواه گرفتم، گواهی دهید که من دوست شما و بیزار از دشمنانتان هستم.

حق آن چیزی است که شما آن را پسندیده باشید و باطل آن چیزی است که مورد خشم شما باشد.

کار نیک آن کاری است که شما به آن امر نمایید و منکر و ناپسند آن چیزی است که شما از آن نهی کنید.

سپس اعتقاداتی که پیش از این به آن اقرار کردیم به طور خلاصه تکرار می‌کنیم و سرانجام می‌گوییم برای یاریتان آماده‌ام و دوستیم خالصانه از آن شماست.

نکته: اوج و قله زیارت آل یس

شاید بتوان گفت مهم‌ترین بخش این زیارت، این فراز باشد:
«فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ».

قرار گرفتن افرادی مانند طلحه و زبیر و عایشه به عنوان همسر حضرت رسول ﷺ و همچنین افرادی که پیشانی آن‌ها از فرط سجده‌های طولانی پینه بسته بود در برابر امیرالمؤمنین (علیه السلام) سبب شد تا عده‌ای درباره حضرت به شک و تردید دچار شوند. اصبع بن نباته می‌گوید: حارث همدانی با تعدادی از شیعیان به محضر امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و عرضه داشت: عده‌ای از یارانتان درباره شما به شک و تردید دچار شده‌اند، پدر و مادرم فدایتان باد! این شک را از ما بر طرف نمایید و حقیقت را برایمان روشن سازید.

حضرت فرمودند: «کافی است. تو حقیقت را اشتباه گرفته‌ای! دین خدا را با قدر و منزلت شخصیت‌ها (مثل زبیر و طلحه و...) نمی‌توان شناخت، بلکه دین خدا را باید با

نشانه حق شناخت. حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی». سپس مسائلی را بیان نمودند که نتیجه آن این است که امام، معیار تشخیص حق از باطل است.^۱ به بیان دیگر، نه فقط امام بر حق است، بلکه مهم تر این است که امام معیار و میزان حق است و به نقل فریقین این کلام حضرت رسول ﷺ است که فرمود: «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ».^۲

هرگز کار امام را با آنچه که خود از حق می‌دانیم، نسنجیم. همان خطایی که بنی اسرائیل مرتکب شدند.^۳ یکی از مشکلات بزرگ هنگام ظهور امام زمان ﷺ همین است که عده‌ای که از معرفت لازم برخوردار نیستند، از گرد امام جدا شده و با قرآن به جنگ با حضرت می‌روند؛^۴ زیرا به گمان خود کار امام را با قرآن و حق مخالف می‌بینند و آنچه را که امام می‌داند، نمی‌دانند.

همان گونه که از نگاه حضرت موسی ﷺ با توجه به آنچه که او می‌دانست، کار حضرت خضر ﷺ یعنی سوراخ کردن کشتی، قبض روح پسر بچه و تعمیر دیوار، باطل و خلاف حق بود؛ اما وقتی که حضرت خضر ﷺ بیان نمود که آنچه را که انجام داد، از پیش خود نبوده بلکه به فرمان خدای حکیم و رحیم بوده و از اسرار پشت پرده آن سخن گفت، حضرت موسی ﷺ دریافت که این کارها نه تنها خلاف حق نبود، بلکه عین حق و لطف و کمک به آنان بود.^۵

رسیدن به قلّه معرفت امام که «حق آن چیزی است که شما آن را پسندیده باشید و باطل آن چیزی است که مورد خشم‌تان باشد و کار نیک آن کاری است که شما به آن امر نمایید و منکر و ناپسند آن چیزی است که شما از آن نهی نمایید» از بزرگترین

۱. مفید، امالی، ص ۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۴ و فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳. بقره: ۶۷.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷ و ۳۱۷.

۵. کهف: ۶۵ تا ۸۲.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۷۷

نعمت‌های الهی و مهم‌ترین ویژگی یاران امام است.

یکی از مهم‌ترین آثار و برکات این تسلیم در بیان امام باقر علیه السلام این است که در پی تسلیم اهل بیت بودن، خداوند قلب انسان را طیب و طاهر خواهد کرد و در پی آن ولایت و محبت حقیقی آنان، دل را فرا خواهد گرفت، اینجاست که نور امام بر سر زمین دل طلوع خواهد نمود و فضای دل را روشن و نورانی خواهد نمود و این نعمت نصیب هر کسی نخواهد شد.^۱

در ادامه این زیارت، دعایی با مضامین بلند آمده است که می‌توان آن را در چهار بخش بررسی کرد:

بخش اول: درخواست نور

پس از درود و صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر رحمت و کلمه نور خدا، از خداوند درخواست می‌کنیم:

قلب ما را از نور یقین،
سینه ما را از نور ایمان،
فکر ما را از نور نیت‌ها،
عزم و اراده ما را از نور علم،
توان ما را از نور عمل،
زبانمان را از نور صداقت و راستی،
دینمان را از نور بصیرت‌ها از سوی خودت،
چشممان را از نور روشنی،
گوشمان را از نور حکمت،

و دوستیمان را از نور ولایت محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام لبریز نما تا آن‌گاه که تو را ملاقات کنیم، درحالی که به عهد و پیمان خود وفا نموده و رحمتت ما را در برگیرد،

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

يَا وَلِيُّ يَا حَمِيد!

حقیقت این نور چیست؟ ما نمی‌دانیم؛ ولی این قدر می‌توان گفت که هویت، سعادت و نجات ما در گرو این نور است. هر کس بهره بیشتری از این نور داشته باشد، مقام و منزلت او نزد حق تعالی بالاتر است.

این همان نوری است که در روایت بالا از کتاب کافی بیان شد که همه از آن بهره‌مند نخواهد شد (وَ يَحْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُمْ) بلکه کسانی که تسلیم در برابر اهل بیت علیهم‌السلام باشند، قلبشان به وسیله خداوند تطهیر شده، آنگاه شایستگی پذیرش محبت و ولایت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل محمد علیهم‌السلام را می‌یابند. در نتیجه، نور خورشید فروزان اهل بیت علیهم‌السلام در قلب آن‌ها پدیدار می‌شود و این انسان خاکی را آن‌چنان ارزشمند و قیمتی خواهد کرد که فرشتگان افتخار خدمت‌گزاری آنان را خواهند یافت و بهشت بی‌تاب حضور آن‌ها خواهد شد.

آری، این همان نوری است که در قیامت، منافقان و کسانی که ولایت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام را نداشتند،^۱ از مؤمنان درخواست می‌کنند؛ زیرا نجاتشان در گرو این نور است، اما آن‌ها در پاسخ می‌گویند که این نور را باید در دنیا به دست می‌آوردید. «روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می‌گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی بگیریم! به آن‌ها گفته می‌شود: به پشت سر خود بازگردید و کسب نور کنید! در این هنگام دیواری میان آن‌ها زده می‌شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!»^۲.

بخش دوم: درخواست درود و صلوات بر ایشان از سوی خداوند با تصریح به نام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه و بر شمردن حدود هجده لقب ایشان.

نام خاتم اوصیا که هم‌نام خاتم انبیاست، در این زیارت به صراحت بیان شده است. از سوی دیگر، روایت‌های زیادی بر این اساس وجود دارد که تصریح با نام ایشان

۱. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲. حدید: ۱۳.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی * ۷۹

جایز نیست.^۱

شاید بتوان گفت که تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام نزد دیگران به دلیل رعایت نکات امنیتی برای حفظ جان امام لازم و واجب بوده است؛ اما آنگاه که خداوند متعال را مخاطب قرار می‌دهیم و از حجت او را یاد می‌کنیم و برایش دعا می‌نماییم و با این کار ارادت و محبت خود را نشان می‌دهیم، قضیه متفاوت خواهد بود.

سپس این لقب‌ها را برمی‌شمарیم: خدایا درود فرست بر «محمد» (حضرت مهدی علیه السلام): حجت تو در روی زمین، جانشین تو در شهرهایت، دعوت‌کننده به راهت، به پای دارنده عدل و داد، انقلاب‌کننده به فرمانت، سرپرست مؤمنان، هلاک و نابودی کافران، بر طرف‌کننده تاریکی، روشن‌کننده حق، گوینده حکمت و راستی، کلمه کامل تو بر زمین، در حال انتظار و هراس، سرپرست خیرخواه، کشتی نجات، پرچم هدایت، نور دیدگان مخلوقات، بهترین کسی که لباس و ردا بر تن نمود، از بین‌برنده کوردلی، کسی که زمین را از عدل و داد لبریز می‌نماید، همان‌گونه که از ظلم و ستم لبریز شده است. **إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**

نکته: مراد از تعبیر «الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ» به معنای کسی که در حال انتظار و ترس است، چیست؟

این تعبیر در قرآن درباره حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است که تحت تعقیب ماموران فرعون بود. خداوند می‌فرماید:

«موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ عرض کرد: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!»^۲

امام حسین علیه السلام نیز که تحت تعقیب مأموران فرعون زمانش، یزید، بود با ترنم همین آیه از مدینه به سوی مکه خارج شد.^۳

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. قصص: ۲۱.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲.

حضرت مهدی علیه السلام نیز که تحت تعقیب فرعون زمان سفیانی است، از مدینه خارج شده و به سوی مکه می‌رود؛ در حالی که این آیه را بر لب دارد.^۱

قطعاً این ترس، ترس از جان نیست، زیرا آنان شیفته شهادت در راه خدا هستند، و از آنجا که مأموریت بزرگی از سوی خداوند برعهده دارند و جانشان در خطر است، از سوی خداوند مأموریت دارند که نهایت مراقبت را از خود بنمایند تا وقت موعود و عملی ساختن فرمان الهی فرا رسد.

بخش سوم: دعا برای حضرت مهدی علیه السلام

پس از صلوات بر [حضرت مهدی علیه السلام به عنوان] ولی خدا و فرزند اولیای الهی که خداوند پیروی از آنان و حقشان را بر ما واجب کرده و آنان را از هرگونه رجس طیب و طاهر نموده است (یعنی معصوم از هر گناه، سهو، نسیان و هرگونه امر ناپسند)، می‌گوییم:

خدایا! او را یاری و به‌وسیله او دینت را یاری نما، و به واسطه‌اش اولیای خودت و اولیای او و پیروان و یارانش را یاری نما و ما را از آنان قرار ده.

خدایا! او را از شرّ هر تجاوزگر و طغیانگر و از شرّ همه مخلوقات پناه ده و از مقابل و پشت سر و سمت راست و سمت چپ او را محافظت فرما، و نگهبانش باش و از اینکه به او آسیب و گزند برسد، نگه دار و رسولت و خاندان رسولت را در وجودش حفظ نما (یعنی همچنان زنده و سالم نگه دار تا راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرش علیهم السلام به وسیله وی ادامه یابد).

عدالت را به‌وسیله او آشکار گردان و با یاریت او را کمک کن، و یارانش را یاری نما و خوارکنندگان را خوار و شکننده‌اش را در هم شکن، و ستمگران کفر را به‌دست او نابود نما و به‌وسیله او کفار و منافقین و ملحدین را در هر کجای عالم که باشند، در خشکی یا دریا، همه، را به قتل برسان و به‌واسطه او زمین را پر از عدالت نما و دین پیامبرت که

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❁ ۸۱

درود و سلام تو بر او و خاندانش باد، آشکار گردان.

بخش چهارم: دعا در حق خود

خدایا! مرا از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش قرا ده و آنچه را که آرزوی خاندان حضرت محمد ﷺ بود و آنچه را که دشمنانشان از آن می‌ترسیدند (نابودیشان)، به من نشان ده. إلهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعای ندبه

چند نکته

نکته اول: سند دعای ندبه

مرحوم سید بن طاووس در کتاب ارزشمند/اقبال، در بخش اعمال عید سعید فطر باب ۲۳ بدون اشاره به سند این دعا می‌فرماید: «دعای دیگری پس از نماز عید است که در عیده‌های چهارگانه خوانده می‌شود»،^۱ سپس دعای ندبه را بیان می‌کند.

او در کتاب مصباح الزائر به نقل مرحوم علامه مجلسی، سند آن را این‌چنین بیان نموده است: «ثُمَّ قَالَ السَّيِّدُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي قُرَّةٍ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دُعَاءَ التَّذْبَةِ وَذَكَرَ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ وَهُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»^۲.

صاحب مزار نیز سند این دعا را این‌گونه یادآور می‌شود: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةٍ: نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعَاءَ، وَذَكَرَ فِيهِ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَجَّلَ فَرَجَهُ

۱. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴.

وَفَرَجْنَا بِهِ، وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»^۱

همان طور که ملاحظه می شود هر دو سند یکی است و مراد از عبارت «بعض اصحابنا» در مصباح الزائر سید ابن طاووس، مرحوم ابن مشهدی است.^۲
رجال این سند:

«ابو الفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنائی» معاصر نجاشی و از رجال شیعه است و در کتب رجال توثیق شده است.
نجاشی می گوید:

ثقه است و زیاد شنیده و زیاد نوشته است، چند کتاب دارد: کتاب عمل یوم الجمعة، کتاب عمل الشهور، و کتاب معجم رجال ابی مفضل، و کتاب التهجد. و اجازه همه کتبش را به من داده است.^۳

و اما «ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بن بزوفری» از مشایخ مرحوم شیخ مفید بوده، در معجم رجال در شرح حال وی می گوید: «روی عن احمد بن ادریس و روی عنه ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان (المفید) و الحسين بن عبد الله و شیخ طوسی وی را در مشیخة تهذیب در طریقتش به احمد بن ادریس آورده است».^۴
مرحوم شیخ مفید روایت های زیادی از وی نقل کرده و برای او طلب رحمت نموده است.

شیخ طوسی در امالی می گوید: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ [المفید] قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْبَزَوْقَرِيُّ رحمه الله».^۵
اشکال: مرحوم بزوفری این دعا را از خود معصوم اخذ ننموده است و روایت مرسل

۱. ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۵۷۳.

۲. صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۳۲.

۳. رجال نجاشی، ص ۳۹۹.

۴. خوئی، معجم الرجال، ج ۱۶، ص ۹.

۵. طوسی، امالی، ص ۵۶ و ۱۶۷.

به شمار می‌آید.

پاسخ: حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی این شبهه را این‌چنین پاسخ داده‌اند که «اطمینان حاصل است که این دعا در کتاب بزوفری با سند بوده است و پس از اینکه از کتاب او نقل شده است، مسامحه سند آن را نقل نکرده‌اند و یا اینکه آن قدر معروف و مشهور بوده است که بزوفری هم خود را از ذکر سند آن بی‌نیاز شمرده است»^۱. نکته مهم این است که این دعا آن چنان از نظر محتوا غنی و هماهنگ با قرآن و سنت قطعی است که ما را از بررسی سندی بی‌نیاز می‌نماید.

باید یادآوری کرد که در سند، تصریحی به اینکه این دعا از کدام معصوم است، نشده. ظاهر عبارت «أَنَّ الدُّعَاءَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» که در کتاب «بزوفری» آمده، این است که از ناحیه مقدسه صادر شده است، هرچند شاید کسی بگوید از این تعبیر استفاده می‌شود که موضوع این دعا امام زمان ﷺ است؛ اما اینکه این دعا از کدام معصوم است، از این عبارت چیزی نمی‌توان دریافت. ولی مرحوم علامه مجلسی در کتاب *زاد المعاد* تصریح می‌کند که این دعا از امام صادق (علیه السلام) است:

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم، به سند معتبر از امام جعفر صادق (علیه السلام) منقول است که این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند؛ یعنی در روز عید فطر، روز عید قربان، روز غدیر و روز جمعه.^۲

نکته دوم: مشروعیت گریه و انواع آن

به مناسبت این که نام این دعا ندبه و گریه است و همچنین گریه منتظران در فراق امام زمان ﷺ، بهتر است درباره گریه نکاتی بیان گردد: یکی از نعمت‌های بزرگ الهی گریه است. مرحوم علامه مجلسی در *بحار الانوار*

۱. صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۳۴.

۲. مجلسی، *زاد المعاد*، ص ۳۰۳.

بیش از سی روایت در فضیلت گریه ذکر می کند.^۱

در بیان حضرت رسول ﷺ، نداشتن اشک و اهل گریه نبودن از نشانه های شقاوت و بد بختی است.^۲

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

هر چیزی وزن و پیمانه ای دارد، مگر اشک ها؛ پس همانا یک قطره اشک، دریایی از آتش [خشم خدا] را خاموش می کند.^۳

همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

هر چشمی روز قیامت گریان است مگر سه چشم، چشمی که از حرام پوشیده شود و چشمی که در پیروی از خدا بیدار بماند و چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.^۴

در بیان دیگری ایشان می فرمایند: «خداوند علیّ اعلیّ به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود: ای موسی! بندگان من به من نزدیک نمی شوند به چیزی که محبوب تر باشد نزد من از سه خصلت: بی رغبتی به دنیا، دوری از گناه و گریه از خوف من».^۵

همچنین امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

هیچ قطره ای نزد خداوند محبوب تر نیست از قطره اشکی در دل شب از خوف خداوند که هدفی جز خدا نداشته باشد.^۶

در قرآن نیز از گریه شوق به دلیل شناخت حق ﴿تَرَىٰ أُعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِّنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ﴾^۷ و گریه به دلیل نداشتن چیزی برای انفاق در راه خدا ﴿وَ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۸.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. همان، ص ۴۸۱، باب البكاء.

۴. همان، ص ۴۸۲.

۵. همان.

۶. همان.

۷. مائده: ۸۳.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۸۵

أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ^۱ تجلیل شده است.

همچنین خداوند در قرآن کریم از گریه پیامبر خدا حضرت یعقوب (علیه السلام) به خاطر فراق فرزندش، حضرت یوسف (علیه السلام) تا حد نایبنا شدن سخن می‌گوید؛ و بنابر یک اصل مسلم میان علمای فریقین، اگر قرآن مطلبی را بیان نمود و از آن انتقاد نکرد، به معنای تأیید آن است؛ زیرا قرآن کتاب تاریخ نیست که به نقل هر مطلبی بپردازد، بلکه کتاب هدایت و سعادت است.

انواع گریه

گریه دارای انواعی است که ممدوح یا مذموم بودن آن به هدف و انگیزه آن بستگی دارد. در آیات و روایات گریه‌های زیر ستایش شده است:

۱. گریه از خوف خداوند؛^۲ مخفی نماند که گریه از خوف خداوند روی دیگر سکه عشق به خداوند است؛ هرچه محبت به چیزی یا کسی بیشتر باشد، ترس از جدایی و از دست دادن او بیشتر خواهد بود.

امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در دعای نورانی کمیل از سختی و غیر قابل تحمل بودن عذاب الهی ناله سر می‌دهد که این عذاب عذابی است که آسمان‌ها و زمین نمی‌توانند آن را تحمل کنند. سپس می‌گوید: ای خدای من و ای سید و مولا و پروردگار من! گیرم چنین عذابی را تحمل کنم، اما چگونه فراق و دوری تو را تحمل نمایم «فَهَبْنِي يَا اَلْهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ اصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ».^۳

به این ترتیب باید بدانیم که بالاترین خوف از خداوند را چهارده معصوم (علیهم السلام) دارند؛ زیرا آنان از بالاترین عشق به خداوند برخوردارند و چنین خوفی از زیباترین و

۱. توبه: ۹۲.

۲. اسراء: ۱۰۹.

۳. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۳۵.

شیرین‌ترین حالت‌های عبد در برابر مولی و معبود اوست.

۲. گریه به خاطر ارتکاب گناه؛

رسول خدا ﷺ فرمود: «ای علی! خوشا به حال صورتی که خداوند به آن نگاه کند، در حالی که به خاطر گناهی گریه می‌کند که احدی جز خدا از آن مطلع نیست».^۱

۳. گریه شوق به دلیل یافتن و شناخت حق؛^۲

۴. گریه حزن و اندوه به دلیل عدم توان یاری حق؛^۳

۵. گریه برای مصائب اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه مصائب امام حسین علیهم‌السلام؛

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار، باب «ثواب البكاء علی مصیبه (امام حسین علیهم‌السلام) و مصائب سائر الأئمة علیهم‌السلام»، ۳۸ روایت در فضیلت این گریه نقل نموده است. در حدیث اول این باب امام رضا علیهم‌السلام می‌فرماید:

هرکسی مصائبی را که بر ما وارد شده است، یاد کند و گریه کند، در روز قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود و کسی که مصائب ما برایش گفته شود و گریه کند یا بگریاند، در روزی که چشم‌ها همه گریان خواهد بود، چشم او گریان نخواهد بود.^۴

۶. گریه به دلیل غیبت امام زمان علیهم‌السلام؛

بنابر گزارش مفصل سدید صیرفی، گریه جانسوز امام صادق علیهم‌السلام برای فراق و غیبت امام مهدی علیهم‌السلام و سختی‌های دوران غیبت برای شیعیان، شگفت‌انگیز است که همانند مادر جوان از دست داده ناله می‌زند و می‌گرید.^۵

به نقل از حسن ابن محبوب، امام رضا علیهم‌السلام به من فرمود:

به ناچار فتنه‌ای سخت و هولناک خواهد بود که در آن هر صمیمیت و

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۳.

۲. مائده: ۸۳.

۳. توبه: ۹۲.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۵. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۵۲.

دوستی ساقط گردد و آن هنگامی است که شیعه سومین از فرزندان مرا از دست بدهد و اهل آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر وی بگرید (مقصود وفات امام حسن عسکری علیه السلام است که پس از آن غیبت امام دوازدهم علیه السلام اتفاق افتاد)، سپس (درباره حضرت مهدی علیه السلام) فرمود: پدر و مادرم فدای او باد! همانام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او گریبان و طوق‌های نور است که از شعاع نور قدس پرتو گرفته است و هنگام فقدان «ماء معین» بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناک خواهند بود.^۱

۷. گریه عاطفی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رحلت فرزند خردسالش، ابراهیم، بسیار گریست.^۲
اما گریه‌های زیر مذموم و ناپسند است:
۱. گریه نفاق و دروغ؛^۳

۲. گریه ذلت به‌ویژه در برابر مستکبران.

به همین دلیل وقتی ابن زیاد ملعون خطاب به حضرت زینب علیها السلام گفت: کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟ حضرت بدون کمترین تأثر و گریه‌ای با نهایت شهامت و اقتدار فرمود:
«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»^۴

دعای ندبه در یک نگاه

۱. آداب دعا (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ... وَ سَلَامٌ تَسْلِيمًا)

در آداب دعا بیان شده است که با نام خداوند و تحمید و تمجید او و صلوات بر

۱. همان، ج ۲، ص ۳۷۰.

۲. طوسی، امالی، ص ۳۸۷.

۳. یوسف: ۱۶.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

محمد ﷺ و آل او انجام گیرد که این امر، در این دعا، به زیبایی به چشم می‌خورد.^۱
 ۲. سپاس به درگاه الهی برای نعمت بزرگ وحی و نبوت و ولایت و امامت (اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ... وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ).

انسان در نیکوترین سرشت^۲ توسط احسن الخالقین آفریده شد^۳ و استعداد بالقوه‌ای
 در وجود او قرار داده شد که می‌تواند به اعلیٰ علیین پر بکشد و سعادت و رستگاری
 دنیا و عقبا را نصیب خود نماید.^۴

لازمهٔ این امر، وجود انسان‌هایی برگزیده است که خود در اوج و قلهٔ این راه باشند
 و از همهٔ هواها و تعلقات آزاد بوده و از هرگونه آلودگی، پاک و دارای مقام عصمت
 باشند تا بتوانند سکان کشتی هدایت را به دست بگیرند و برای سالکان الی‌الله‌الگوی
 کاملی باشند.

خداوند در این باره می‌فرماید: «به این‌ها بگو اگر ملائکه (مثل آدمیان) در زمین راه
 می‌رفتند و سکونت داشتند، ما از آسمان ملکی را فرود می‌آوردیم که رسول باشد».^۵
 یعنی اگر فرشتگان نیز در روی زمین ساکن می‌شدند، حتماً لازم بود از سوی
 خداوند هادیانی برای آنان فرستاده شود و رابطهٔ بین زمین و آسمان و عالم غیب و
 شهود پیوسته برقرار باشد. در بیان مرحوم علامه طباطبائی، قید «الارض» بیانگر این
 ضرورت است.^۶

در فرازهای ابتدایی این دعا، ویژگی این اولیای الهی به‌ویژه زهد و بی‌رغبت بودن
 به مادیات، و علت این گزینش و اصطفاء که همان وفای به عهد و پیمانی است که

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۴ و ۴۹۱.

۲. تبیین: ۴.

۳. مومنون: ۱۴.

۴. توبه: ۲۰.

۵. اسراء: ۹۵.

۶. طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی * ۸۹

با خدای خود بسته‌اند بیان شده و بر این نکته تاکید می‌گردد که این حجت‌های الهی، واسطه درگاه خداوند و راه رسیدن به رضایت و خشنودی حق تعالی هستند. چنانچه در نکته ششم از بخش اول کتاب بیان شد، خداوند در قرآن کریم درباره راه ارتباط با او و شیوه دعا کردن در آیاتی مانند: نساء: ۶۴، آل عمران: ۳۱، اعراف: ۱۸۰، حج: ۲۷ و... سخن می‌گوید.

چند نکته در باب عصمت

الف) چهارده معصوم علیهم‌السلام از بالاترین درجه عصمت برخوردارند؛ زیرا از هرگونه گناه، خطا، سهو و نسیان پاک و منزّه می‌باشند^۱ و در درجه بعد، انبیاء عظیم الشان الهی قرار دارند.

ب) قطعاً مقام والای عصمت لطف بزرگی از سوی خداوند متعال در حق امامان معصوم علیهم‌السلام است؛ اما شایستگی آنان باعث شده تا این موهبت بزرگ به آنها داده شود. تعبیر «اصطفاء» به معنای برگزیدن نیز بیانگر همین مطلب است.^۲ سؤال: به اعتقاد ما، از همان آغاز ولادت، مقام والای عصمت از سوی خداوند به آنان داده شده بود، پس چگونه می‌توان گفت شایستگی آنها سبب دریافت این مقام شده است؟

پاسخ: خداوند علیم و خبیر در علم خود زیباترین و کامل‌ترین عبودیت و بندگی را در وجود آنان دید؛ بنابراین به دلیل ضرورت وجود معصوم، مقام عصمت را از همان ابتدای خلقت به آنان عطا کرد و مردم نیز به خوبی این حقیقت را در میدان عمل در سیره معصومان دریافتند. «وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ...»

ج) ریشه و سرچشمه عصمت، علم و آگاهی به حقایق هستی است. علم آنان از دو جهت با علم دیگران متفاوت است؛ یکی از نظر کمیت و مقدار که علم امامان

۱. احزاب: ۳۳ و مفید، عدم سهو النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ص ۱۵ تا ۳۱.

۲. آل عمران: ۳۳.

معصوم علیه السلام به جهل آمیخته نیست و آنان مظهر علم الهی هستند و از سوی دیگر، این علم از سنخ علم حضوری و علم به باطن و حقایق عالم است؛ به عبارت دیگر آنان حقایق را می بینند نه اینکه فقط بدانند. این دو ویژگی سبب می شود تا صدور گناه از امام معصوم علیه السلام با وجود اختیار او ناممکن شود، بلکه فکر گناه به ذهن او خطور نکند.

همچنان که هر انسانی در زندگی فکر انجام برخی از کارها را به ذهن خود راه نمی دهد؛ مانند سوزاندن خود. و اگر گاهی شنیده می شود که فردی خود را آتش زده، این به دلیل تصور جاهلانۀ اوست که فکر می کند با این کار راحت می شود!

هر چه آگاهی و شناخت انسان کامل تر باشد، دوری او از گناه و خطا بیشتر می شود، در این میان امام معصوم علیه السلام در اوج این آگاهی قرار دارد و از هر خطا و گناهی پاک و منزّه است. بله، چنانچه گذشت، این علم جامع لدنی، به جهت لیاقت آنها از سوی خداوند به آنان عطا شده است.

۳. ضرورت وحی و نبوت و خالی نبودن زمین از حجت (فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ....فَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَ وَ نَخْزِي).

در این بخش از دعا، به پیامبران بزرگ الهی که صاحب دین و شریعت بودند با برشمردن برخی از ویژگی هایشان اشاره شده است.

این پیامبران عبارت است از:

حضرت آدم علیه السلام حضرت نوح علیه السلام حضرت ابراهیم علیه السلام حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام.

در ادامه اشاره به چند مطلب ضروری است:

۱. هر کدام از اینان صاحب شریعت بودند.
۲. خداوند برای هر یک از آنها جانشینانی را قرار داد تا هر کدام بر اساس زمان تعیین شده، از آن دین نگهبانی کنند.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﷺ ۹۱

۳. دلیل اینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست، موارد زیر است:

(الف) دین پابرجا و استوار بماند؛

(ب) حجت بر بندگان تمام باشد؛

(ج) حق از بین نرود و باطل بر اهل آن دین غلبه نکند؛

(د) هیچ کس بهانه‌ای نداشته باشد که بگوید چرا پیامبری برایمان نفرستادی که ما را انذار کند! و راهنمایی برایمان قرار ندادی! که در نتیجه از آیات تو پیروی می‌کردیم و خوار و ذلیل نمی‌شدیم!^۱

با وجود سنت استمرار حجت و هادی در هر زمان، حجت بر همه تمام است و مردم می‌توانند از هدایت‌های او بهره‌مند شوند و در صورت عدم دست‌رسی، باز هم می‌توانند همانند خورشید پشت ابر از پرتو هدایت‌های او استفاده کنند.

۴. شریعت خاتم انبیا، حضرت محمد ﷺ: (إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ،... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا).

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین از سوی خداوند بر خاتم انبیا، حضرت محمد ﷺ، برای جن و انس فرستاده شد و سرانجام بر همه دین‌ها غلبه پیدا خواهد کرد و دین واحد جهانی خواهد شد.^۲

ویژگی‌های پیامبر خدا در این فراز از دعا

(الف) حبیب و برگزیده خداوند، سید و سرور همه مخلوقات، برگزیده از میان برگزیدگان الهی، با فضیلت‌ترین شخصیتی که از سوی خداوند انتخاب شده، گرامی‌ترین کسی که خداوند به او اعتماد نموده، و مقدم بر همه پیامبران الهی.

(ب) به سوی جن و انس فرستاده شده است و ولایت همه عالم از سوی خداوند به ایشان عطا شده است.

۱. نساء: ۱۶۵.

۲. توبه: ۳۳ و فتح: ۲۸ و صف: ۹.

(ج) مرکب بُراق^۱ در اختیار او قرار داده شده و به معراج برده شده است.^۲
 (د) علم گسترده به گذشته و آینده از سوی خداوند به ایشان عطا شده است.^۳
 (ه) خداوند با القای رعب و وحشت در دل مستکبران، ایشان را یاری نموده و جبرئیل، میکائیل و فرشتگان ویژه الهی او را همراهی می نمودند.^۴
 (و) دین او دین واحد جهانی خواهد شد و شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت.^۵
 (ز) بهترین مکان عالم یعنی شهر مکه و اولین خانه که برای [عبادت] مردم بنا شد یعنی کعبه معظمه برای او و اهل بیتش، قرار داده شد که مایه برکت و هدایت است و در آن نشانه های الهی از جمله مقام ابراهیم قرار دارد و هر کس در آن وارد شود امنیت خواهد داشت.^۶

۵. اهل بیت طاهرین پیامبر خدا ﷺ. (وَقُلْتُ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ... وَالْمَسْئَلُكَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ).

در این فراز از دعا، عصمت اهل بیت ﷺ با ذکر آیه سی و سوم از سوره احزاب، تاکید می گردد، سپس وظیفه امت در برابر آنان و سرّ این وظیفه و فلسفه وجودی آن بیان می شود.

آیه تطهیر

این آیه در میان آیات مربوط به همسران رسول خدا ﷺ و در پایان آیه ۳۳ از سوره احزاب قرار دارد، همان طور که آیه اکمال دین و اتمام نعمت در بین آیه سوم از سوره مائده آمده است.

۱. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. اسراء: ۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴. آل عمران: ۱۲۵.

۵. توبه: ۳۳ و فتح: ۲۸ و صف: ۹.

۶. بقره: ۱۲۵ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﴿﴾ ۹۳

شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد این آیه، شأن نزول مستقلی دارد و با آیه پیشین و پسین خود ارتباط ندارد؛ از جمله:

الف) در آیات قبل و بعد این آیه (آیات ۲۸ تا ۳۴ این سوره) زبان آیه، زبان تکلیف و درخواست شدید است و به عبارت دیگر «فعل انسان» و تکلیف شدید همسران رسول خدا مطرح شده است، درحالی که در این آیه از «فعل خدا» سخن به میان آمده و زبان آیه، زبان امتنان و اعطا است نه زبان درخواست.

ب) با بیان روشن در روایت‌های زیادی که در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد، **اولاً**، این بخش از آیه شریفه دارای شأن نزول مستقلی است و **ثانیاً**، مراد از اهل بیت علیهم‌السلام در اینجا افراد ویژه‌ای هستند، همچنین با صراحت کامل بیان شده که همسران پیامبر مصداق این آیه نیستند؛ در ادامه به این روایات اشاره خواهد شد.

مراد از اهل بیت چه کسانی هستند؟

دو حصر در آیه؛ یعنی واژه «انما» و تعبیر «عنکم» و تکوینی بودن اراده در این آیه، دلالت بر عصمت مخاطبین آیه دارد، در نتیجه به معنای لغوی واژه اهل بیت توجهی ندارد و همه خاندان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا **اولاً**، هیچ کس ادعا ندارد که همه آنان دارای عصمت هستند و **ثانیاً**، سیره آن‌ها، عصمتشان را تأیید نمی‌کند.

نکته جالب توجه این است که در صحیح مسلم همین سؤال از زید بن ارقم پرسیده شد که آیا همسران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اهل بیت علیهم‌السلام هستند یا نه؟ و زید در پاسخ گفت:

لَا وَائِمُ اللَّهُ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا
فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا وَقَوْمِهَا أَهْلُ بَيْتِهِ أَصْلُهُ وَعَصَبَتُهُ الَّذِينَ حُرِّمُوا
الصَّدَقَةُ بَعْدَهُ؛ نه به خدا قسم! همانا زن مدتی با همسر خود به سر
می‌برد سپس [چه بسا] او را طلاق می‌دهد و او به نزد پدر و قوم خود بر
می‌گردد. اهل بیت ایشان کسانی هستند که پس از او، صدقه برایشان

حرام است.^۱

مسلم در صحیح خود در کتاب فضائل الصحابه باب فضائل اهل بیت النبی از عایشه نقل می کند که گفت: صبحگاهان پیامبر خدا خارج شد در حالی که عبایی (مرط مرحل من شعر اسود) بر دوش داشت، پس حسن آمد و او را زیر آن قرار داد، سپس حسین آمد و او را نیز زیر آن قرار داد، سپس فاطمه آمد و او را زیر آن قرار داد، سپس علی آمد و او را زیر آن قرار داد، بعد فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».^۲

همچنین در همین کتاب در باب فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) از قول سعد ابی وقاص نقل می کند که به معاویه گفت:

...وقتی آیه ﴿ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ... ﴾ نازل شد، پیامبر خدا علی، فاطمه، حسن و حسین را فرا خواند و به درگاه الهی عرضه داشت: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي».^۳

ترمذی در سنن خود در کتاب تفسیر ذیل آیه ۳۳ احزاب از قول عمر بن ابی سلمه نقل می کند که وقتی این آیه در خانه ام سلمه نازل شد؛ حضرت، فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و آنها را با کسایی پوشاند و علی پشت سر ایشان بود؛ او را نیز با کسا پوشاند، سپس عرض کرد: خدایا! این ها اهل بیت من هستند، پس رجس را از آنان دور گردان و آنان را پاک و طاهر قرار ده. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا من نیز با آنان هستم؟ حضرت فرمود: أَنْتِ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ؛ تو سر جاییت باش و تو خوب هستی.^۴

در نتیجه با توجه به این روایات که نمونه ای از ده ها روایت موجود در این باره

۱. صحیح مسلم، (یک جلدی) ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴ - فضائل علی بن ابی طالب (علیه السلام) ح ۲۴۰۸.

۲. همان، ص ۹۴۶، ح ۲۴۲۴.

۳. همان، ص ۹۴۰ و سنن ترمذی (یک جلدی) ص ۹۸۰، ح ۳۷۳۳، کتاب المناقب، مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۴. سنن ترمذی (یک جلدی) ص ۸۵۵، ح ۳۲۰۵.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۹۵

است، مصداق اهل بیت علیهم‌السلام معین و مشخص شده است.

آیات مودت اهل بیت علیهم‌السلام

در نکته هشتم از بخش اول کتاب، نکاتی در این باره با این دسته از آیات بیان شد، بر اساس آنچه که در این آیات به‌ویژه در آیه ۵۷ فرقان آمده، اهل بیت علیهم‌السلام «سبیل الله» و تنها راه رسیدن به رضوان و خشنودی خداوند می‌باشند؛ زیرا راهی که خود خداوند قرار داده است، به حکم صریح قرآن راهی جز این نیست، در نتیجه، این فراز از دعا یعنی «فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلُكُ إِلَى رِضْوَانِكَ» که به دنبال سه آیه مودت آمده، در واقع نتیجه‌گیری از آیات است.

اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل بهره‌مندی از عصمت، برای بشر شاخص و علم هدایت هستند و محال است کسی بدون تمسک به آنان در راه عبودیت و بندگی گمراه نشود؛ این بیان صریح پیامبر خدا در حدیث ثقلین و مانند آن است که: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا»^۱.

عمر ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام و فضائل و مناقب ایشان (فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا.... وَ لَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ).

در این فراز با اشاره به سنت الهی در آیه ۷ از سوره رعد براساس وجود «هادی» در هر زمان،^۲ ماجرای غدیر خم تاکید شده است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جمع خیل

۱. صحیح مسلم یک جلدی، ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴ فضائل علی بن ابی طالب ح ۲۴۰۸؛ سنن ترمذی (یک جلدی)، کتاب المناقب، باب ۳۲، مناقب اهل بیت النبی، ح ۳۷۹۷، ص ۹۹۲.
۲. خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» بنابر آنچه که در آیه ۳۵ سوره یونس آمده است، این «هادی» باید ویژگی عصمت را داشته باشد (ر.ک: المیزان، ج ۱، ص ۲۷۴، ادامه آیه ۱۲۴ سوره بقره) و بر اساس روایات زیادی که در منابع اهل سنت نیز آمده، مراد از «هادی» علی بن ابی طالب علیه‌السلام است. (ر.ک: قافله سالار، ص ۵۱).

عظیم حجاج فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ»^۱، سپس در حق او دعا کرد و به درگاه الهی عرضه داشت: خدایا! دوست دار هر که را که او را دوست دارد و دشمن دار هر که را که با او دشمنی کند و یاری نما هر آن کس که او را یاری نماید و خوار گردان هر کس را که او را خوار گرداند.

در ادامه دعا، بیش از سی منقبت از مناقب حضرت علی علیه السلام بیان شده است که هیچ کس در این مناقب شریک و همتای او نیست و قریب به اتفاق این فضائل در صحاح سته اهل سنت آمده است.^۲

۷. سرّ مخالفت با امیرالمؤمنین علیه السلام با وجود اقرار و اعتراف به فضائل و مناقب بی شمار ایشان (وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٌ... حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ).

ترجمه این بخش از دعا

سرزنش ملامت کننده او را (از راهش) در راه خدا (و انجام فرمان الهی) باز نمی داشت و خون بزرگان عرب را (که به جنگ با دین خدا برخاسته بودند) به خاک ریخت و دلاورانشان را کشت و با گردن کشان و گرگانشان درافتاد؛ در نتیجه کینه هایی از جنگ بدر و خیبر و حنین از او به دل گرفتند و دشمنیش را در دل خود پنهان نمودند و به جنگ و مخالفت با او برخاستند تا اینکه با پیمان شکنان (اهل جمل) و زورگویان (معاویه و اصحابش) و خارج شدگان از دین (خوارج) جنگید.

با توجه به نظام قبیله گرایی که در شبه جزیره عربستان حاکم بود، اگر کسی از قبیله ای کشته می شد، همه آن قبیله بدون توجه به حق یا باطل بودن کار قاتل، بر

۱. سنن ابن ماجه، کتاب المقدمه، باب فضل علی بن ابی طالب؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب.

۲. رک: صحیح بخاری، کتاب المناقب باب مناقب علی بن ابی طالب با بیش از ۸ حدیث؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل علی بن ابی طالب، با بیش از ۹ حدیث؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام با بیش از ۲۷ حدیث؛ سنن ابن ماجه، کتاب المقدمه، باب فضل علی بن ابی طالب، با بیش از ۹ حدیث.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۹۷

دشمنی با او متحد و یکپارچه می‌شدند.^۱

در جنگ احد سپاه هزار نفری اسلام، مدینه را به سمت احد ترک کرد. وقتی عبدالله ابی رئیس قبیله خزرج در بین راه بازگشت، سیصد نفر از قبیله‌اش به همراه او برگشتند، با وجود آنکه پیامبر ﷺ هنوز در آنجا حضور داشت و سپاه سه هزار نفری دشمن به جنگ با مسلمانان آمده و شهر مدینه در خطر بود.

راز این که خلفا هرگز کسی از دشمنان خدا را نکشتند در همین نکته نهفته بود! اما امیرالمؤمنین (علیه السلام) جز خدا و انجام فرمان الهی به چیز دیگری فکر نمی‌کرد و در جنگ‌ها دلاورانه و جان بر کف با دشمنان خدا به حکم خدا و در اطاعت و پیروی از رسول خدا ﷺ می‌جنگید؛ بنابراین، در هر قبیله‌ای کسی از دشمنان خدا به دست حضرت کشته شده بود و از سوی دیگر حسادت برخی به فضایل بی‌مانند حضرت، حقد و کینه آن‌ها را نسبت به امام علی (علیه السلام) به دنبال داشت و همین باعث شد تا در پی انتقام برآیند.

۸. انحراف امت اسلام و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) (وَلَمَّا قَضَىٰ نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ... أَئِنَّ أَعْلَامَ الدِّينِ وَقَوَاعِدَ الْعِلْمِ).

امت اسلام در پی حاکمیت بیست و پنج ساله خلفا و دور شدن از حقایق دین، و گرایش به دنیاطلبی و از همه مهم‌تر بی‌بصیرتی، قدر اهل بیت (علیهم السلام) را ندانستند و سرانجام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وسیله شقی‌ترین فرد یعنی ابن ملجم مرادی به شهادت رسید.

همه این دلایل، سبب شد تا معاویه، یاران اندک امام حسن مجتبی (علیه السلام) را با وعده‌های درهم و دینار به سوی خود جذب کند و عده باقی‌مانده را نیز با شایعه‌پراکنی و دروغ و نیرنگ علیه امام بشوراند. با کمال تأسف یاران بی‌بصیرت امام نیز فریب نیرنگ‌های معاویه را خوردند و به خیمه امام حمله‌ور شدند تا اینکه امام

۱. رک: پور سید آقائی، چشمه در بستر، ص ۳۲.

برای بقای حق چاره‌ای جز صلح نیافت.^۱

سرانجام بنی‌امیه قدرت را به طور مطلق در دست گرفت و ظلم به اهل بیت علیهم‌السلام را به اوج خود رساند و اهل بیت علیهم‌السلام را یکی پس از دیگری به شهادت رساند. پس از آن، بنی‌عباس نیز با مکر و نیرنگ قدرت را در دست گرفت و در ظلم و ستم به اهل بیت علیهم‌السلام آن چه توانست، انجام داد و سرانجام با شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام راهی جز غیبت برای خاتم اوصیا بقیه‌الله الاعظم علیه‌السلام باقی نماند.

توجه: کسی که این فرازهای دعا را می‌خواند نباید فقط در پی خواندن و تمام کردن دعا باشد، بلکه لازم است به ریشه‌های این ظلم و ستم و از سوی دیگر، سرچشمه سستی و غفلت مردم در دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام توجه داشته باشد تا خدای ناکرده درباره «حجت حی» زمان خود، همانند مردم مدینه و کوفه رفتار نکند و به همه این امور توجه کند که:

(الف) بدانیم اهل بیت علیهم‌السلام خورشید فروزان هدایت و ماه تابان سعادت و ستاره درخشان نجات هستند. آنان به ما هیچ نیازی ندارند، همان‌گونه که امام زمان علیه‌السلام فرمود:

«خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم و حق با ماست، لذا جدایی دیگران از ما، سبب وحشتان نمی‌شود».^۲

سنت الهی این بوده و هست که انسان با آگاهی و شناخت، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را بپذیرد و با اطاعت از آنان به رستگاری برسد نه با اجبار.

جبهه حق به رهبری حجت‌های الهی در طول تاریخ پیوسته در پی سعادت بشر بوده‌اند و حتی برای دشمنان خود بدی نخواستند و تا آخرین لحظات راه را با موعظه و مهلت دادن برای هدایت آنان باز می‌گذاشتند. آری، حجت‌های الهی و از جمله اهل بیت علیهم‌السلام، افراد ضعیف و ناتوانی نبودند بلکه به دلیل پابندی به حق و رشد بشر و

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۲۹، ح ۲.

۲. طوسی، کتاب الغیة، ص ۲۸۵.

نجات او؛ با کرامت، جوانمردی، عفو و گذشت رفتار کردند.

اما جبهه باطل به رهبری مستکبران و دجالان با جنگ سخت و نرم و با نیرنگ و تزویر و با تمسک به هر آنچه که آنان را در رسیدن به هدفشان یاری می‌کرد، در رسیدن به قدرت و حفظ آن کوشیدند. از جمله اینکه آب را بر روی جبهه حق بستند و تشنگی کودک شش ماهه را با تیر سه شعبه پاسخ دادند.

در نتیجه با بررسی خط مشی دشمن، پی می‌بریم که یکی از شیوه‌های مهم و نتیجه‌بخش از سوی آن‌ها در ضربه زدن به جبهه حق، «باطل جلوه دادن حق و حق جلوه دادن باطل» است، در حقیقت آن‌ها به وسیله شایعه افکنی، دروغ‌پردازی، شبهه‌افکنی، ایجاد شک و تردید و تزلزل اعتقادی، تفرقه، ایجاد فرقه‌های مذهبی، حمایت از مدعیان دروغین و... تمام سعی خود را در جهت خاموش کردن نور حق به کار گرفته و می‌گیرند. قرآن نیز درباره آن به امت اسلامی هشدار لازم را داده است، آنجا که می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ﴾^۱.

البته این امر در دوره آخرالزمان پیچیدگی خاصی دارد؛ زیرا ابزار جابجایی حق و باطل و فریب دادن مردم بسیار متفاوت و فراوان است و هوشیاری و بصیرت هرچه بیشتر منتظران را می‌طلبد.

زرارة بن اعین به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد:

«من در شگفتم چگونه ممکن است کسی با حضرت قائم بجنگد با آن امور عجیبی که اتفاق می‌افتد، مثل فرورفتن لشکر سفیانی در زمین و ندای آسمانی! حضرت می‌فرماید: همانا شیطان آنان را رها نمی‌کند تا ندا دهد»^۲.

یعنی جبهه باطل، هنرمندانه با ندای خود، در حقانیت ندای اول شک و تردید ایجاد می‌کند و افراد بسیاری را می‌فریبد.

۱. توبه: ۳۲ و صف: ۸.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۵.

پس بر منتظران لازم است با مطالعه عمیق و دقیق و تحلیلی تاریخ، بر بصیرت و تیزبینی خود بیافزایند تا ناخواسته در دام دجالان گرفتار نشوند و از شناخت و یاری به موقع حق باز نمانند؛ زیرا «او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟»^۱ از سوی دیگر، سعی کنیم اهل تفکر و تعقل باشیم و ظاهر بینی و زود باوری را از خود دور کنیم و با شنیدن هر خبر یا دیدن آن در فضای مجازی و مانند آن، پیش از هرنوع قضاوتی تحقیق و مصداق این آیه کریمه قرار گیریم که:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾^۲.

ب) دنیا بخواهد یا نخواهد در امور مادی و معنوی به بن بست خواهد رسید^۳ و سرانجام خواهد فهمید که یگانه راه سعادت دنیا و عقبی روی آوردن به اهل بیت (علیهم السلام) و حرکت در صراط مستقیم غدیر است. این کلام نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمود: «دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشندهاش خود داری می‌کند و آن را برای بچه‌اش نگه می‌دارد - به ما روی می‌آورد». سپس آن حضرت به دنبال این سخن این آیه را تلاوت کرد: «می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آن‌ها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم»^۴.

این وعده قطعی خداوند در قرآن است؛ از جمله در آیاتی مثل آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۱۲۸ سوره اعراف.

ج) مراقب درآمد و آنچه به زندگی خود وارد می‌کنیم باشیم تا مال حرام زندگیمان را به تباهی نکشد و ما را از حق جدا نکند؛ همان آسیبی که جامعه منتظر بنی اسرائیل به آن گرفتار شدند و حرص به دنیا سبب شد با تحقق وعده الهی و آمدن موعود، به

۱. یس: ۶۲.

۲. احزاب: ۷۰.

۳. رک: عزیز الله حیدری، حضرت مهدی (عج) تجسم امید و نجات.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۰۱

او کفر بورزند.^۱

همان‌طور که منتظران ابا عبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) نیز در این دام افتادند و خسران دنیا و عقبی را به جان خریدند تا آن‌جا که امام حسین (علیه‌السلام) خطاب به آن‌ها فرمود:
شما امر مرا اطاعت نمی‌کنید و سخن مرا گوش نمی‌دهید، زیرا شکم‌های شما از حرام پر شده است.^۲

(د) وعده الهی را با همه وجود باور داشته باشیم که فرمود:
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۳
و مقهور هیچ قدرتی نشویم و از هیچ چیز و هیچ کس جز خدا نترسیم؛
چرا که حق تعالی فرمود: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید،
اگر ایمان داشته باشید.^۴

زیر بار ظلم نرویم و شعار «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» امام حسین (علیه‌السلام) را هرگز از یاد
نبریم^۵ و گر نه ذلت دنیا و آخرت را تجربه خواهیم کرد.

آری، گریه و ندبه ندبه خوانِ صبح جمعه باید بر غیرت دینش، بصیرت و ثبات
قدمش و همت و تلاشش در یاری حق بیافزاید و این فرازاها را زمزمه کند:
و آن‌گاه که حضرت علی درگذشت و شقی‌ترین پسرینان که پیروی
نمود از شقی‌ترین پیشینیان، او را کشت. امتثال نشد از دستور رسول
خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که دربارهٔ راهنمایان دین یکی پس از دیگری فرموده بود و
امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت نمودند و گرد آمدند برای قطع
رحم او و آواره ساختن فرزندانش، جز اندکی از کسانی که وفا نمودند در
رعایت کردن حق دربارهٔ ایشان. و در نتیجه جمعی کشته و گروهی

۱. بقره: ۸۹ و ۹۶.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

۳. محمد: ۷.

۴. آل عمران: ۱۳۹.

۵. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۰.

اسیر و دسته‌ای از وطن آواره گشتند... پس بر پاکیزگان از خاندان محمد ﷺ و علی علیه السلام درود خدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد، گریه‌کنندگان بگریند و بر آن‌ها زاری‌کنندگان باید زاری کنند و برای مانند آنان باید اشک‌ها روان گردد و فریادزندگان فریاد زنند و شیون‌کنندگان شیون کنند و خروش‌کنندگان خروش سر دهند: کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجایند فرزندان حسین؟ ...

۹. موعود امم، خاتم اوصیاء، بقیه الله الاعظم (أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَ ابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَ ابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى).

در این بخش از دعا نوبت به موضوع اصلی دعا، آخرین ذخیره الهی، بقیه الله الاعظم ﷺ می‌رسد که با تعبیر «أَيْنَ» در حدود سی فراز، برنامه‌ها و هدف‌های ظهور حضرت و جایگاه و منزلت ایشان مورد توجه قرار می‌گیرد و ندبه‌خوان حزن و غم خود را به خاطر دوری از او ابراز می‌کند.

آنچه که باید دغدغه ندبه‌خوان باشد، این است که اگر امام و مقتدای او برای از بین بردن ظلم و ستم، فریاد رسی از مردم، احیاء قرآن و عملی کردن آن و برای مبارزه با طغیان‌گران می‌آید؛ پس من نیز باید عشق و ارادت خود را با دوری از ظلم و ستم و پرهیز از گناه و کمک به مظلومان نشان دهم و در راه احیای قرآن و عمل به دستورات آن چنان عمل کنیم که شایستگی خود را برای یاری حضرت ثابت نمایم.

همان‌گونه که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجَدُّوا وَ انْتَظَرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيْتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛ کسی که قرار گرفتن در گروه یاران حضرت قائم، او را شاد می‌کند (دوست دارد در زمره یاران ایشان باشد)، پس باید چشم به راه (آمدنش) باشد و اهل ورع و دوری از گناه باشد و خود را به اخلاق نیکو

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۰۳

آراسته نماید، در حالی که منتظر حضرت است و اگر از دنیا رفت و حضرت پس از او ظهور کرد، اجر و پاداش کسانی را خواهد داشت که در رکاب او هستند، پس تلاش کنید و منتظر باشید، ای گروهی که مورد رحمت(الهی) واقع شده‌اید.^۱

در این بخش از سخن، به سه مورد از فرازهایی اشاره می‌کنیم که به مقام و منزلت امام، می‌پردازد.

۱. «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى»

«باب» در لغت به معنای «در» است، سپس به معنای رابط و واسطه و هر چیز یا هر کس که راه رسیدن به مطلوب باشد، به کار رفته است، چنانچه در بیان نورانی حضرت رسول آمده است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلَى بَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا».^۲

اصبغ بن نباته می‌گوید:

خدمت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم، ابن کواء وارد شد و گفت: یا امیرالمؤمنین معنی این آیه چیست ﴿لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا؟﴾^۳

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

ما آن خانه‌هایی هستیم که خداوند دستور داده از آن‌ها وارد شوند. ما باب الله و بیوت او هستیم که باید از در این‌ها به‌جانب خدا رفت. هر که با ما بیعت کند و اقرار به ولایت ما نماید، از در آن به خانه وارد شده و هر که با ما مخالفت ورزد و دیگری را بر ما مقدم دارد، از پشت به خانه وارد شد... اگر خدا بخواهد می‌تواند، خود را به‌مردم معرفی کند تا

۱. نعمانی، الغیة، ص ۲۰۰.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۷۸.

۳. «کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!»؛ (بقره: ۱۸۹).

او را بشناسند و به در خانه‌اش بیایند؛ ولی ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه خود قرار داده که از آن درب و گذرگاه باید بیایند. هر کس از ولایت ما روی گردان شود و دیگری را بر ما مقدم دارد، آن‌ها «عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ» از راه خود دور افتاده‌اند.^۱

در بیان دیگری حضرت علی علیه السلام درباره همین آیه می‌فرماید:
مراد از «البیوت» همان خانه‌های علم است که خداوند آن را نزد پیامبرانش به ودیعت گذاشته است و مراد از «ابوابها» جانشینان آن‌ها هستند.^۲

امام باقر علیه السلام نیز درباره این آیه می‌فرماید:
آل محمد ابواب الله و راه و دعوت‌کننده به بهشت و جلودار و راهنمایان به آن هستند تا روز قیامت.^۳

خلاصه کلام این که خدای حکیم نظام اسباب و مسببات را در این عالم حاکم کرده است و تنها راه تقرب به خود و یگانه راه فلاح و سعادت را پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از آنان قرار داده است. اگر کسی به هر دلیل این راه را نپذیرد، درگاه الهی جایگاهی نخواهد داشت؛ همان‌طور که ابلیس با وجود شش هزار سال عبادت^۴ از دستور خداوند سرپیچی نمود و به آدم سجده نکرد،^۵ بنابراین از درگاه الهی رانده شد و خسران ابدی را به جان خرید.

۱. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۰.

۴. «فَاغْتَبَرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا يُدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلُمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ كُلِّهَا مَا كَانَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِيَدْخِلَ الْجَنَّةَ بَشَرًا بِأَمْرِ أَخْرَجَ بِهِ مِنْهَا مَلَكًا إِنَّ حُكْمَهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِدٌ» (رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

۵. عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «أَمَرَ إِبْلِيسُ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَقَالَ يَا رَبِّ وَ عِزَّتِكَ إِنْ أَعْفَيْتَنِي مِنَ السُّجُودِ لِآدَمَ لَأَعْبُدَنَّكَ عِبَادَةً مَا عَبْدَكَ أَحَدٌ قَطُّ مِثْلَهَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَطَاعَ مِنْ حَيْثُ أُرِيدُ»؛ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۲).

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۰۵

۲. «أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ».

«وجه» در لغت به معنای آن چیزی است که متوجه آن می‌شوند و در معانی مانند: آن جهتی از یک شیء که متوجه آن می‌شوند و حالت خاصی که جلب توجه کند و مقام و منزلت و جایگاهی که لازم باشد مورد توجه قرار گیرد، به کار می‌رود.^۱ مرحوم علامه ذیل آیه «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ»^۲ می‌گوید: وجه شیء آن چیزی است که به وسیله آن با غیر خودش روبرو می‌شود و وجه درباره خداوند متعال همان صفات کریمه اوست که بین او و خلقش واسطه است و همه امورات از خلق و تدبیر و امثال آن از راه این اسماء انجام می‌گیرد.^۳

«وجه الله» بودن اهل بیت علیهم‌السلام این معانی را در بر دارد:

الف) یعنی مظهر اتم و اکمل اسماء حسنی الهی است و خداوند را به وسیله آن‌ها می‌شود شناخت.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوا فکندی همه سایه هما را

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را^۴

برای نمونه در قرآن کریم آمده است:

﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ؛ بگو:

عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند﴾.^۵

یعنی همان‌طور که خداوند سمیع و بصیر است، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه طاهرين علیهم‌السلام مظهر این ویژگی‌ها هستند و اعمال بندگان را می‌بینند، همان‌گونه که

۱. مصطفوی، التحقیق، ج ۱۳، ص ۴۵.

۲. الرحمن: ۲۷.

۳. طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

۴. از غزلیات شهریار.

۵. توبه: ۱۰۵.

خداوند می بیند.^۱

ب) یعنی این انوار طیبه، کسانی هستند که واجب است مورد توجه و عنایت امت اسلام قرار گیرند،^۲ مرجع امور باشند^۳ و هنگام توجه به درگاه الهی، اینان را واسطه و شفیع قرار دهند.^۴

۳. «أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»

سبب به معنای هر چیزی است که به وسیله آن به غیر خودش راه جویند و متصل شوند.^۵

بر اساس برهان‌های عقلی و نقلی که در جای خود ثابت شده است، واسطه و رابطه بین آسمان و زمین و به عبارت دیگر بین عالم غیب و شهود امری اجتناب ناپذیر است، چنانچه در قرآن می فرماید:

﴿قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا؛ بگو: «(حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته‌ای را به عنوان رسول بر آنها می فرستادیم!﴾^۶

گرچه اصل بحث درباره این مسأله است که رهنمای هر گروهی باید از جنس خود آنها باشد، اما سؤال این است که چرا حتی اگر فرشتگان در این عالم ماده ساکن شوند، باید رسولی از سوی خدا برایشان فرستاده شود؟ آنان چه نیازی به رسول دارند؟ تا در مرحله بعد بحث شود که این رسول از جنس خودشان باشد، یا نه!

۱. رک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، باب عرض الاعمال؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۰۳، ذیل آیه ۱۸۰ سوره اعراف.

۲. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (شوری (۴۲): ۲۳).

۳. نساء (۴): ۵۹ و ۸۳؛ حدیث ثقلین.

۴. تعبیر امام زمان در ابتدای زیارت «آل یس» ناظر به همین اصل بود. «إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّعَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا...»؛ (طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳).

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۵۸.

۶. اسراء: ۹۵.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ﴿ ۱۰۷ ۱۰۷

مرحوم علامه در این باره می‌فرماید:

و هذه خاصة الحياة الأرضية و العيشة المادية المفتقرة إلى هداية إلهية لا سبيل إليها إلا بنزول الوحي من السماء؛ و این، ویژگی حیات زمینی و زندگی مادی است که نیازمند به هدایت الهی است و هیچ راهی برای آن وجود ندارد جز از راه نزول وحی از آسمان.^۱ یکی از اسرار مهم این ارتباط و آثار وجودی این «رابط» این است که حافظ و نگهدارنده دلایل و بینات خداوند و وحی، در روی زمین باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَغْمُورًا لِنَّا تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ؛ آری، هرگز روی زمین خالی نمی‌شود از کسی که به حجت الهی قیام کند، خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان تا دلایل الهی و نشانه‌های روشن او باطل نگردد.^۲

۱۰. بی‌قراری منتظران بقیة الله الاعظم در فراق مولای خود و شرح درد اشتیاق «بأبي أنت و أمي و نفسي لك الوفاء و الحمي...» وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

در این قسمت از دعا، ندبه‌خوان با سوز و گداز به مولایش ابراز ارادت می‌کند و خطاب به حضرت چنین می‌گوید:

پدر و مادرم به فدای تو و جانم سپر و بلاگردان تو باشد ای فرزند بزرگانی که مقرب درگاه الهی هستند و ای فرزند نجیبانی که کریم و بزرگوارند....

با تعبیر: ای فرزند... به حدود ۳۵ فضیلت و منقبت ایشان اشاره می‌کند و سرانجام درد فراق و شدت اشتیاق خود را این‌چنین اعلام می‌کند:

۱. طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

۲. نهج البلاغة، حکمت ۱۴۷.

ای کاش می دانستم کدام سرزمین تو را در برگرفته و چه مکانی تو را
بر خود نگهداشته، آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن یا در ذی طوی،
بر من سخت است مردم را ببینم، ولی تو دیده نشوی! و هیچ صدایی از
تو نشنوم... .

سپس با تعبیرِ جانم به فدای تو، به ذکر ویژگی های حضرت ادامه می دهد و به
اینجا می رسد:

آیا می شود که ببینم روزی را که ما دورت را گرفته ایم و تو امام ما
باشی! و زمین را پر از عدل نمایی و به دشمنانت خواری و مجازات را
بپشانی و سرکشان و منکران حق را نابودسازی و ریشه و اساس
گردن کشان و ستمگران را بر کنی و ما بگوییم الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

۱۱. استمداد و استغاثه به درگاه الهی برای پایان یافتن بلای غیبت و درد دوری از

محبوب خود

«اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى،... وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَ لَا
نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا».

در واقع دعای ندبه ترکیبی از دعا و زیارت است؛ یعنی در فرازهایی از آن مخاطبِ
ندبه خوان، خلیفه الله یعنی امام و محبوب منتظران بقیه الله الاعظم است و به نجوای
با ایشان می پردازد و در فرازهایی از جمله در همین بخش، مخاطب، خود «الله» است
و از او می خواهد تا هرچه زودتر بلای غیبت پایان یابد و با ظهورش نعمت بر ما تمام
شود.

بخشی از خواسته های ما از خداوند در این فرازهایی از دعا به طور خلاصه عبارت
است از:

– «ای فریادرس در ماندگان! به فریاد بنده گرفتارت برس و و آقا و مولایش را به
او بنمایان و با این دیدار، اندوه و سوز دلش را برطرف نما».

– «تحیت و درود و سلام ما را به امامان برسان و ما را در مکانی که او اسقرار

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❁ ۱۰۹

دارد جای ده!».

- «و با ظهورش نعمت را بر ما تمام کن».

۱۲. خواسته های پایانی و اشاره به جایگاه و عظمت امام زمان علیه السلام از جمله واسطه

فیض بودن ایشان

«اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، ... وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِكَاسِهِ وَ بِيَدِهِ، رِيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِغًا، لَا أَظْمَأُ بَعْدَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

در این فرازهای پایانی از دعا حدود ۲۷ خواسته از خداوند متعال درخواست می‌کنیم، آن هم با یک ویژگی خاص یعنی با تعبیر «به»، به واسطه فیض نعمت های الهی اشاره می‌کنیم و این چنین حاجت خود را طلب می‌نماییم:

«خدایا! حق را به واسطه حضرت مهدی برپا دار و به واسطه او باطل را نابود گردان...».

از جمله فرازهایی که بسیار زیباست و منتظران در قنوت نماز و راز و نیاز با خداوند آن‌ها را پیوسته در خواست نموده و با آن انس داشته باشند، فرازهای زیر است:

- «وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الْجِتْهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ؛ وَ ما را در ادای حقوقی که آن حضرت بر ما دارد و در تلاش و کوشش در اطاعت و پیرویش و در دوری از نافرمانیش یاری بفرما».

- «وَ أَمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ؛ وَ نعمت بزرگ خشنودیش را شامل حال ما بگردان و مهربانی و رحمتش و دعا و خیرش را نصیب ما بفرما».

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۱۰

نمایه‌ای از دعاها و زیارت‌های مهدوی در مفاتیح الجنان

آنچه گذشت، بخشی از مهم‌ترین دعاها و زیارت‌های مهدوی بود که به دلیل پرهیز از طولانی نشدن سخن، از بقیه آن‌ها خودداری می‌شود؛ ولی برای آشنایی و انس بیشتر منتظران با این دعاها و در دسترس بودن کتاب ارزشمند مفاتیح الجنان، نمایه‌ای از مهدویت در مفاتیح به محضر عاشقان حضرت مهدی ارائه می‌گردد:

الف) باب اول: دعاها

۱. در بخش نمازها، نماز امام زمان با دعای «اللهم عظم البلاء...» بیان شده است.

۲. در قسمت اعمال روز جمعه در عمل بیست و هفتم، فضیلت صلوات با «و عجل فرجه» در این روز بیان شده است.

۳. در پایان اعمال جمعه، ارتباط و انتساب این روز به مولایمان، صاحب العصر و الزمان ﷺ، را شرح می‌دهد، سپس صلوات ضراب اصفهانی را بیان می‌کند که از سوی امام زمان ﷺ رسیده است.

۴. در بخش بیان انتساب روزها به یک یا چند نفر از معصومان و بیان دعای مربوط به هر امام، برای روز جمعه زیارت امام زمان ﷺ با مضامین بسیار بلند بیان شده است.

۵. در فصل هفتم از همین باب (یعنی قبل از مناجات خمسه عشر که در فصل هشتم آمده است) آیات و دعاهایی را آورده است که چهار دعای پایانی آن از چهارده دعا، به امام زمان ﷺ مربوط است و به ترتیب عبارت است از:

– دعای یازدهم: «اللَّهُمَّ عَظِّمَ الْبَلَاءَ...».

– دعای دوازدهم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ...».

– دعای سیزدهم: دعای حضرت حجت ﷺ «إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ...».

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۱۱

– چهاردهم: نماز و دعا برای استغاثه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه.
ابتدا دو رکعت نماز می‌خوانیم و سپس این دعا را قرائت می‌نماییم: «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَام...».

ب) باب دوم: اعمال سنه (اعمالی که در طول سال انجام می‌شود)

۱. در بخش بیان اعمال ماه‌های قمری در اعمال شب نیمه شعبان و روز نیمه این ماه، موارد زیادی بیان شده است.
۲. در قسمت اعمال ماه مبارک رمضان، دعای افتتاح آمده است که بخش مهمی از فرازهای پایانی این دعا درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه است.
۳. در بخش اعمال خاص شب بیست و سوم این ماه، دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» آمده است.

ج) باب سوم: زیارت‌ها

۱. در بخش زیارت‌ها، قسمت زیارت کاظمین، ماجرای زیبا و مهم و شنیدنی تشرّف حاج علی بغدادی بیان شده است.
۲. پس از بیان ماجرای تشرّف، درباره مسجد برائا مطالبی آمده، سپس درباره نواب چهارگانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه و زیارت آنان نکاتی به چشم می‌خورد.
۳. پس از بیان زیارت امامین عسکریین علیهما السلام، زیارت والد ماجد امام زمان عجل الله تعالی فرجه، حضرت نرگس خاتون علیها السلام را نباید از نظر دور داشت.
۴. در قسمت زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه که مهم ترین بخش مفاتیح درباره ایشان، همین قسمت می‌باشد، حدود ده دعا ذکر شده که به ترتیب عبارت است از:

– سرداب مطهر و کیفیت زیارت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه؛

– زیارت آل یس و دعای پس از این زیارت؛

– زیارت حضرت، پیش از ورود به سرداب با مضمون‌های بسیار والا؛

فرازهایی از این زیارت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ خَلِيفَةَ آبَائِهِ الْمَهْدِيِّينَ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ ... لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِيناً وَ لَكَ إِلَّا حُبّاً وَ عَلَيْكَ إِلَّا مُتْكِلًا وَ مُعْتَمِداً وَ لِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعاً وَ مُنْتَظِراً لِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ مُتَرَقِّباً فَأَبْذُلُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ جَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ ...».

- زیارت دیگر هنگام ورود به سرداب

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ وَ شِمَتَ بَنَاءُ الْفَجَّارُ وَ صَعَبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ اللَّهُمَّ أَرْنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ... اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيَّينَ وَ بَلِّغْنِي بِلَاغَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

- زیارت حضرت در سرداب

«السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ...السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَ الثُّورِ الْبَاهِرِ السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظُّلَامِ وَ الْبَدْرِ التَّمَامِ السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَيَّامِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

- پس از ذکر دو زیارت دیگر، دعای معروف «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ...».

- دعای ندبه که مستحب است در چهار عید خوانده شود. عید فطر، قربان، غدیر

و جمعه.

- زیارت حضرت پس از نماز صبح

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ...».

- دعای عهد

- دعای امام رضا (علیه السلام) برای امام مهدی (علیه السلام).

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ...».

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت‌های مهدوی ❀ ۱۱۳

۵. پس از زیارت جامعه کبیره، حکایت بسیار شنیدنی سید رشتی بیان شده است.

۶. در پایان بخش زیارات، دعای غیبت امام زمان (عج) بیان شده و نسبتاً طولانی است که از ناحیه مقدسه صادر شده و مضامین عمیقی دارد.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ».

بخش ضمائم

ضمیمه شماره ۱

دعا

سال‌ها پیش، ساعتی از روز را به مطالعه درباره دعا اختصاص داده بودم که یادداشت‌هایی از آن زمان در این باره باقی مانده است. اکنون که مطالبی درباره دعاها و زیارت‌های مهدوی تدوین شد، بهتر دیدم برای تکمیل بحث دعا، برخی از آن یادداشت‌ها به عنوان ضمیمه در پایان این مجموعه آورده شود.

ضرورت دعا کردن

دعا ارتباط میان عابد و مبعود است. دعا کنار زدن دریچه سقف دل برای تابش نور خورشید و بارور ساختن ابر رحمت و بارش آن برفراز دل و قلب و جان است تا ظلمت‌ها رخ بربندد و تیرگی‌ها شسته شود و با تزکیه جان، فلاح و رستگاری انسان و عروج به اعلی علین رقم بخورد.

اگر در فضیلت دعا هیچ آیه و حدیثی وجود نداشت به جز آنچه در سوره کهف آمده است، کافی بود تا نهایت سعی و اهتمام خود را درباره آن داشته باشیم، آنجا که می‌فرماید:

و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی

است، اطاعت مکن.^۱

همچنین در پایان سوره فرقان می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ

لِزَامًا؛ بگو: پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست. اگر دعای شما

نباشد، شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامن

شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد! ﴿

«يَعْبُؤُا» از ریشه «عَبَأ» به معنای سنگینی است و معنای آیه این است که اگر

کسی اهل دعا و ارتباط با خدا نباشد، خداوند برای او وزن و ارزشی قائل نیست و به او

اعتنا نخواهد کرد.

برخی از نعمت‌ها به گونه‌ای است که چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، سفره آن

برای همگان گسترده خواهد بود؛ اما بسیاری از نعمت‌های ارزشمند الهی آن‌چنان

است که بر اساس سنت خدای حکیم^۲ به کسانی تعلق می‌گیرد که آن را بخواهند و

شرایط و قابلیت آن را فراهم کنند.

بیان ارزشمند امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ

كَهْفُ الْمَطَرِ».^۳ همین معنی است که «دعا معدن (و موجب) اجابت است، همچنان

که ابر معدن باران است».

آداب دعا

قطعاً ارتباط مخلوق با خالق و عبد با معبود، به رعایت آدابی نیاز دارد که غفلت از

آن موجب محرومیت از اجابت می‌شود.

راوی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد:

دو آیه در قرآن است، عمل کردم؛ نتیجه‌ای نگرفتم؟ حضرت فرمود:

۱. کهف: ۲۸.

۲. نساء: ۳۲ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۵ به بعد، باب الاحاح و باب التسمیه.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۱، باب ان من دعا...

آن دو آیه کدام است؟ عرض کرد: خداوند می‌فرماید ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱ دعا می‌کنیم؛ ولی از اجابت خبری نیست. امام فرمود: کسی که از خدای عزوجل پیروی کند و از جهت دعا او را بخواند، خداوند دعای او را اجابت می‌نماید. گفت: جهت دعا چیست؟ فرمود: ابتدا به حمد و سپاس او می‌پردازیم، سپس نعمت‌هایش را بر می‌شماری و شکر آن‌ها را به جا می‌آوری و در ادامه، صلوات می‌فرستی و با یاد کردن گناهانت و اقرار به آن و پناه بردن به خداوند خواسته‌ات را طلب می‌نمایی. راوی در ادامه گفت: و اما آیه دیگر که خداوند فرموده ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾^۲ من انفاق می‌کنم ولی از جایگزین آن خبری نمی‌شود. حضرت فرمود: اگر کسی مالی را که از راه حلال به دست آورده است؛ در راه درست و حلالی انفاق نماید؛ هیچ درهمی را انفاق نمی‌کند جز اینکه خداوند جای آن را پر می‌نماید.^۳

از جمله آداب دعا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– مخفی بودن؛

در بیان نورانی امام رضا علیه السلام یک دعای پنهانی برتر از هفتاد دعای آشکار است.^۴
– دعا را با نام خدا و تمجید سپاس به درگاهش و سپس درود و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرش علیهم السلام و با حالت گریه آغاز کردن، زیرا نزدیک‌ترین حالت انسان به پروردگار هنگامی است که در سجده و با حالتی گریان باشد.^۵

– شریک کردن دیگران در دعای خود؛

در بیان امام صادق علیه السلام این چنین آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

۱. غافر: ۶۰.

۲. سبأ: ۳۹.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۶، باب التَّاءِ قَبْلَ الدَّعَاءِ.

۴. همان، باب اخفاء الدعاء.

۵. همان، ص ۴۸۴، باب البكاء، ح ۱۰.

هر گاه یکی از شما خواهد دعا کند، در حق همگان دعا نماید؛ زیرا این از موجبات پذیرش دعا است.^۱

امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

فرشتگان وقتی می شنوند که مؤمنی در خفا و پنهانی برای برادر مؤمنش دعا می کند، یا از او به خیر و خوبی یاد می کند، می گویند: تو چه خوب برادری برای برادر مؤمنت هستی! برایش درخواست خیر داری، در حالی که پیش تو نیست و از او به نیکی یاد می کنی. خداوند دو برابر آنچه که برایش خواستی، به خودت داد و دو برابر آنچه که او را به نیکی یاد نمودی، تو را به نیکی یاد نمود، با وجود این تو بر او برتری داری و وقتی بشنوند او از برادرش به بدی یاد می کند و او را نفرین می کند می گویند: تو چه بد برادری هستی! بس کن ای کسی که خداوند خطاها و زشتی هایت را پوشانده و به فکر خودت باش و حمد و سپاس خدا را به جای آور به خاطر اینکه خطاهایت را پوشانده است و بدان او به بنده اش از تو آگاه تر است.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

کسی که بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، خداوند به تعداد هر مؤمنی که از زمان خلقت حضرت آدم تا برپایی قیامت آفریده است، به او حسنه می دهد و سیئه و گناه او را از بین می برد و بر درجه اش می افزاید.^۳

راوی می گوید:

عبدالله بن جندب را در صحرای عرفات دیدم، در حالی که زیباترین حالت را داشت. دست هایش را رو به آسمان کشیده بود و اشک هایش بر گونه هایش می ریخت و به زمین می رسید، وقتی مردم رفتند، گفتم: عبدالله حال خوشی داشتی! گفت: والله دعا نکردم، مگر برای برادرانم

۱. همان، ص ۴۸۸، باب العموم فی الدعاء.

۲. همان، ص ۵۰۸، باب الدعاء للاخوان.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۹۱.

(یعنی برای دیگران دعای کردم): زیرا ابا الحسن موسی بن جعفر علیه السلام به من خبر داده است که هر کس در غیاب برادران دینیش برای آن‌ها دعا کند، از عرش ندا می‌رسد: «و برای توست هزار برابر آنچه را برای دیگران خواستی» و نخواستم هزار برابری که اجابت آن تضمین شده است را به خاطر یک نفر (خودم) که معلوم نیست به اجابت برسد یا نرسد، از دست بدهم.^۱

مرحوم سید بن طاووس درباره ارزش دعا برای دیگران سخن می‌گوید و روایت بالا را بیان می‌کند، در ادامه می‌فرماید:

اگر دعا برای برادران دینی این همه فضیلت دارد، پس فضیلت دعا برای سلطان و فرمانروایی که سبب هستی و وجود توست، و تو معتقدی که اگر او نمی‌بود، خداوند نه تو و نه هیچ کس از مکلفین زمان او و تو را نمی‌آفرید، و اینکه لطف الهی به وجود او علیه السلام سبب تمام اموری است که تو و دیگران دارای آن هستید، و وسیله تمامی خیراتی است که بدان نایل می‌گردید، چگونه خواهد بود؟ پس مبادا و مبادا تا حدی که امکان دارد، خود و یا احدی از خلائق را در دوست داشتن و دعا نمودن، بر او مقدم کنی. و نیز هنگام دعا کردن برای آن مولای عظیم‌الشان علیه السلام حضور قلبی و زبانی داشته باش و مبادا گمان کنی که علت ذکر این مطلب برای آن است که آن بزرگوار به دعای تو احتیاج دارد. بسیار بسیار دور است، اگر چنین اعتقادی داشته باشی، در اعتقاد دوستی‌ات بیماری؛ بلکه این را برای آن گفتم که حق بزرگ و احسان‌گرانبار حضرتش را به تو بشناسانم.^۲

شرایط استجابت دعا

– شناخت خدا

۱. ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۹۸.

از مهم ترین شرایط استجابت دعا، باور و شناختِ عظمتِ خدا و قدرت بی‌نهایتش و منزله بودنش از هر عیب و نقص و ایرادی است و کمتر کسی است که به این باور رسیده باشد؛ بنابراین، رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

وَلَوْ عَرَفْتُمُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ لَزَالَتْ الْجِبَالُ بِدُعَائِكُمْ؛ و اگر خدا را چنان که شایسته شناختن اوست می‌شناختید، به‌دعای شما کوه‌ها جابه‌جا می‌شد.^۱

– کسب و کار حلال

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِبْ مَكْسَبَهُ؛ کسی که دوست دارد دعایش به اجابت برسد، باید کسبش را پاک و حلال قرار دهد.^۲

موانع استجابت

– ترک امر به معروف و نهی از منکر

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ چرا که در غیر این صورت بدان شما بر شما مسلط می‌شوند، آن‌گاه خوبانتان دعا می‌کنند و از اجابت خبری نخواهد بود.^۳

– حق الناس

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

اگر کسی از شما می‌خواهد دعایش به اجابت برسد، پس باید کسبش (شغلش) را پاک و حلال گرداند و از آنچه از حق مردم بر عهده اوست، خارج شود و کسی که در شکمش (لقمه) حرام باشد، یا حقی از

۱. پاینده، نهج الفصاحة، ص ۶۴۷.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

۳. همان، ج ۵، ص ۵۶، باب الامر بالمعروف.

یکی از مخلوقات خدا برگردنش باشد، دعایش بالا نخواهد رفت.^۱
 بنابراین اموری مانند: بی‌احترامی به پدر و مادر و رنجاندن آنان، غیبت و تهمت،
 غش در معامله و گران‌فروشی، آزار و اذیت دیگران و از اجابت دعا جلوگیری خواهد
 کرد.

– نداشتن حضور قلب

امام صادق (علیه السلام) این چنین می‌فرماید که:
 خداوند عز و جلّ دعایی را که با غفلت (از خدا و توجه و امید به غیر)
 باشد، مستجاب نخواهد کرد؛ پس هنگامی که دعا می‌کنی، با دلت
 روی به خدا بیاور، سپس یقین به اجابت داشته باش.^۲

اوقات دعا

زمان‌هایی که دعا به اجابت نزدیک‌تر است، عبارتند از:

- هنگام نزول باران و برف؛
- هنگام وزش باد؛
- هنگام اذان ظهر؛
- هنگام تلاوت قرآن؛
- سحرگاهان؛
- هرگاه دل (با توجه به عظمت خدا و عشق به او) بلرزد و اشک جاری شود؛
- هنگام دیدن کعبه معظمه؛
- فاصله میان خطبه نماز جمعه تا برپایی نماز؛
- پس از ادای نماز واجب.^۳

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۳. همان، ص ۴۷۶، باب الاوقات....

راز تاخیر در اجابت

انسان در راه عبودیت و بندگی معبود و راز و نیاز و خواندن او، با «دشمنی» قسم خورده روبرو است که گفت:

اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن‌ها کمین می‌کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها به سراغشان می‌روم و بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت!^۱

بنابراین، سعی شیطان در آغاز بر این است که ما را از دعا غافل سازد، اگر در این مرحله موفق نشد و انسان دعا کرد و از اجابت خبری نشد، این بار با سلاح ناامیدی از رحمت الهی به میدان می‌آید. این جاست که بیانات حکیمانه امامان معصوم علیهم‌السلام می‌تواند نجات‌بخش باشد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

پیوسته مؤمن به خاطر رحمت الهی بر خیر و امیدواری است تا زمانی که شتاب نکند و در نتیجه، به ناامیدی دچار نشود و دعا را رها نکند. راوی می‌گوید به امام عرض کردم: چگونه شتاب می‌کند؟ فرمود: می‌گوید: مدت زمانی است که دعا کرده‌ام، ولی از اجابت خبری نیست!^۲

در روایات موجود نکته‌های ظریفی درباره دلایل تأخیر اجابت دعا به چشم می‌خورد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. محبوب بودن صدای مناجات و دعای مؤمن نزد خداوند و علاقه به بیشتر شنیدن صدای او.

راوی می‌گوید:

به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم: فدایتان شوم مدت مدیدی است حاجتی

۱. اعراف: ۱۶ و ۱۷.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، ح ۸، باب من ابطأت علیه الاجابه.

را از خداوند خواسته‌ام (و از اجابت خبری نیست) و در دلم نسبت به این تأخیر چیزی وارد شده است. حضرت فرمود: ای احمد! از (وسوسه) شیطان بپرهیز مبادا بر تو راهی پیدا کند و تو را (از رحمت الهی) ناامید کند.

همانا امام باقر علیه السلام پیوسته می‌فرمود:

مؤمن از خداوند چیزی طلب می‌کند، پس اجابت دعایش به تأخیر می‌افتد به خاطر محبوب بودن صدایش.^۱ سپس فرمود: به خدا قسم آنچه را که خداوند از اجابت آنچه که مؤمنین از این دنیا درخواست می‌کنند به تأخیر انداخته است، برایشان بهتر است از آنچه که به آن‌ها داده است و دنیا چه ارزشی دارد!

امام باقر علیه السلام پیوسته می‌فرمود:

شایسته است که مؤمن در راحتی و آسایش، به همان گونه دعا کند که در شدت و گرفتاری دعا می‌کند. نه این که وقتی خواسته‌اش داده شد سست شود؛ پس از دعا خسته نشوید، چرا که اهل دعا بودن نزد حق تعالی منزلت بزرگی دارد.

و بر تو باد به صبر و طلب حلال و صلۀ رحم و بپرهیز از دشمنی با مردم. پس ما اهل بیتی هستیم که با کسی که با ما قطع رابطه کرده است ارتباط برقرار می‌کنیم و به کسی که به ما بدی کرده، خوبی می‌کنیم و معتقدیم در این (شیوه) عاقبت نیکوست... پس اعتماد به (وعده‌ها و کلام) خدا بیشتر باشد؛ چرا که خداوند به تو وعده (اجابت) داده است. آیا خداوند فرموده است: «و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم!» و فرموده است: «از رحمت خدا ناامید نشوید» و فرموده است: «ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی

۱. یعنی خواسته اش داده نمی‌شود تا باز هم به در خانه خدا بیاید و دعا کند و معنای اینکه خداوند دوست دارد صدایش را بشنود این است که تأخیر اجابت و در نتیجه، استمرار دعای عید به نفع خود اوست و موجب می‌شود تا خیرات و برکات بیشتری نصیبش شود.

به شما می‌دهد» پس اعتمادت به خداوند بیش از اعتمادت به دیگران باشد.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ابراهیم خلیل در کوه بیت‌المقدس دنبال چراگاهی برای گوسفندان خود می‌گشت. پیرمردی را دید که نماز می‌خواند. پس از نماز از او پرسید: بنده خدا برای چه کسی نماز می‌خوانی؟ گفت: برای خدای آسمان. دوباره پرسید: از اقوام و عشیره‌ات کسی مانده؟ پاسخ داد: نه. پرسید: از کجا غذا می‌خوری؟ گفت: از میوه این درخت و برای زمستان هم میوه آن را ذخیره و استفاده می‌کنم. فرمود: خانه‌ات کجاست؟ گفت: در آن کوه. فرمود: ممکن است مرا هم با خود ببری تا امشب را نزد تو باشم؟ گفت: سر راه ما آبی است که نمی‌شود از آن گذشت. فرمود: تو چه می‌کنی؟ گفت: روی آن راه می‌روم. فرمود: شاید خداوند آنچه را روزی تو کرده، روزی من هم بکند. با هم رفتند و از آب گذشتند. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: کدام روزها بزرگ‌تر است؟ گفت: روز جزا که مردم از همدیگر بازخواست کنند. حضرت فرمود: می‌آیی دست به دعا برداریم و از خداوند بخواهیم ما را از شر آن روز محافظت کند؟ گفت: دعای من به چه درد تو می‌خورد؟ به خدا قسم سه سال است چیزی از خداوند خواسته‌ام؛ ولی دعایم به اجابت نرسیده است! ابراهیم علیه السلام فرمود: آیا به تو خبر بدهم چرا دعای تو حبس شده است؟ گفت: بله. ابراهیم گفت: خداوند تعالی چون دوستدار بنده‌ای باشد، دعایش را نگه دارد تا با او راز و نیاز کند و باز هم طلب کند و اگر کسی مورد غضب خدا باشد یا دعایش را زود به اجابت می‌رساند و یا اینکه ناامیدی را بر او غالب می‌کند. دعای تو چه بود؟ گفت: روزی گله گوسفندی از اینجا می‌گذشتند. جوانی با آن‌ها بود. گفتم: این گوسفندان از کیستند؟ گفت: از ابراهیم خلیل است. گفتم: خدایا اگر در روی زمین برای تو خلیلی هست، او را به من نشان بده.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۸، باب من ابطأت علیه الاجابه.

ابراهیم گفت: دعای تو را خداوند به اجابت رساند، من ابراهیم خلیم.
آن گاه یکدیگر را در آغوش کشیدند.^۱

۲. ذخیره برای آخرت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

همانا مؤمن خدا را درباره خواسته اش می خواند، پس خداوند (به فرشتگان) می فرماید: به خاطر اشتیاق به صدا و دعایش (اجابت) خواسته اش را به تأخیر بیاندازید، پس در روز قیامت حق تعالی به او خطاب می کند بنده ام! مرا خواندی و من خواسته ات را به تأخیر انداختم و پاداشت (امروز) چنین و چنان است (بسیار عظیم است) و درباره فلان و فلان مرا خواندی و (امروز) پاداشت چنین و چنان است. پس مؤمن به خاطر ثواب عظیمی که می بیند آرزو می کند که هیچ دعایی از دعاهايش در دنیا به اجابت نرسیده بود.^۲

۳. تبدیل خواسته ما به چیزی بهتر

امام صادق علیه السلام بیان داشته اند که:

اگر کسی وضو بگیرد و به بستر (خواب) برود، بستر او همانند مسجد خواهد بود (برای او عبادت نوشته می شود)، پس اگر در دل شب به پا خواست و خدا را یاد کرد، گناهانش فرو می ریزد، پس اگر در آخر شب برخیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله درود بفرستد، هر آنچه را از خداوند بخواهد، به او عطا خواهد نمود یا همان چیزی را که خواسته به او می دهد و یا آنچه را که برایش بهتر است، در نظر خواهد گرفت.^۳

بله، گاهی ما چیزی می خواهیم و تصور می کنیم اگر برآورده شود، برایمان خیلی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۹، باب ۲۴ علة الإبطاء فی الاجابة.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، باب من ابطأت علیه الاجابة، ح ۹.

۳. همان، ص ۴۶۸، باب صلاة فاطمة علیها السلام، ح ۵.

خوب است؛ اما خداوند براساس لطفش چیز بهتری به ما خواهد داد، زیرا فرمود:
چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است.
و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا
می‌داند، و شما نمی‌دانید.^۱

همان‌طور که پسری را از خانواده مؤمنی گرفت و به‌جای آن، فرزند دختری به
آن‌ها داد که از نسل او هفتاد پیامبر نصیبشان شد.^۲

۴. امتحان

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

بین قول خداوند به حضرت موسی و هارون که فرمود: «دعای شما
پذیرفته شد» و بین (اجابت آن) گرفتن و نابود کردن فرعون، چهل سال
فاصله بود.^۳

طبعاً هرگاه خواسته ما برآورده نشد و با وجود این ممنون و شاکر خداوند باشیم،
نشانه اعتماد ما به خداست و در غیر این صورت بی‌صبری و اعتراض ما نشانه
خودخواهی ماست. چنانچه خواسته حضرت موسی ده روز با تأخیر برآورده شد و
بنی‌اسرائیل در این آزمون شکست خوردند و از گوساله پرستی سر درآوردند!

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر)
تکمیل نمودیم... قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از
زیورهای خود گوساله‌ای ساختند، جسد بی‌جانی که صدای گوساله
داشت! آیا آن‌ها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید، و به راه (راست)
هدایتشان نمی‌کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند و ظالم بودند!^۴

۵. دفع بلا

۱. بقره: ۲۱۶.

۲. کهف: ۷۴ و ۸۰.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۵، باب من ابطأت علیه الاجابه.

۴. اعراف: ۱۴۲ و ۱۴۸.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

(نتیجه) دعای مؤمن به سه صورت خواهد بود یا برایش ذخیره می شود و یا زود (خواسته اش) داده می شود و یا بلایی که بنا بوده به او برسد (به واسطه این دعا) از او برطرف می گردد.^۱

چه بسیار بلاهایی که بر اثر دعاها می دفع شده است. ما نعمتی را طلب نمودیم؛ ولی خدای مهربان با فضلش بلایی را از ما دور نمود، ولی ما از آنجا که از دفع بلا خبر نداریم، گمان می کنیم دعایمان به اجابت نرسیده است و چه بسا ممکن است ناشکری کنیم، پس بهتر است به خدای خود اعتماد داشته باشیم و با رعایت آداب و شرایط دعا، خواسته خود را طلب کنیم و نتیجه را به او واگذار نماییم و در هر صورت شاکرش باشیم.

۶. از بین رفتن اجابت دعا، به خاطر گناه

امام باقر علیه السلام می فرماید:

بنده ای از بندگان خدا حاجتی از حاجات دنیا را از خداوند طلب می کند و خداوند حکم می کند حاجت او در زمان نزدیک یا دوری (بر اساس مصلحتش) برآورده شود؛ ولی این انسان گناهی مرتکب می شود، پس خداوند به فرشته مأمور حاجت او می فرماید: حاجتش را برآورده نساز و او را محروم کن چون او متعرض خشم من و محرومیت (از رحمت) شد.^۲

فضیلت صلوات و دعا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرش علیهم السلام

– صلوات موجب بالارفتن دعا و اجابت آن می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که حاجتی از خدا می خواهد، پس با صلوات آغاز کند، سپس

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.

۲. همان، ج ۷۰، ص ۳۶۰.

خواسته‌اش را طلب کند و با صلوات نیز ختم کند، خداوند گرمی‌تر از آن است که دو طرف این خواسته را بپذیرد و وسط آن را رها کند، چون (دعای) صلوات بر محمد ﷺ و آلش محبوب نمی‌ماند (مستجاب است).

همچنین در حدیث نورانی دیگری فرمودند:
کسی که صد بار بگوید «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، صد حاجتش برآورده می‌شود؛ سی حاجت در دنیا و بقیه در آخرت.
- در برابر آن، خداوند هزار صلوات بر این شخص می‌فرستد.
رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که بر من صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان بر او صلوات می‌فرستند؛ حال (با چنین وصفی) هر کسی می‌خواهد کم صلوات بفرستد یا زیاد صلوات بفرستد.
امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی رسول خدا ﷺ یاد می‌شود، زیاد بر او صلوات بفرستید؛ زیرا کسی که بر ایشان یک صلوات بفرستد، خداوند بر او هزار صلوات در هزار صف از فرشتگان می‌فرستد و هر آنچه را که خداوند آفریده است، بر این بنده صلوات می‌فرستد. به خاطر اینکه خدا و فرشتگان بر این بنده (ای که بر رسول خدا صلوات فرستاده) درود فرستاده است.

- نفاق و دورویی را از بین می‌برد.

- سنگینی ترازوی اعمال

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «هیچ چیزی در ترازوی (اعمال) سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آلش علیه السلام نیست».

این درحالی است که: خداوند در سوره قارعه می‌فرماید:

اما کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود و اما کسی که ترازوهایش سبک است، پناهگاهش «هاویه» [دوزخ] است! و تو چه می‌دانی «هاویه» چیست؟!

آتشی است سوزان!^۱

بلند همت بودن درخواستها

ربیعہ کعب می گوید:

روزی رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای ربیعہ! هفت سال به من خدمت نمودی آیا چیزی نمی خواهی؟

پس گفتم: ای رسول خدا! به من مهلت بدهید تا فکر کنم. وقتی فردای آن روز بر حضرت وارد شدم، فرمود: ای ربیعہ! حاجتت را بگو! گفتم (حاجتم این است که) از خداوند بخواهید مرا با شما در بهشت داخل کند (در آن زندگی ابدی با شما باشم) حضرت فرمودند: چه کسی این را به تو یاد داد؟ عرض کردم: ای رسول خدا! کسی یادم نداده، بلکه فکر کردم و دیدم اگر مال بخواهم بالاخره تمام می شود، اگر عمر طولانی و اولاد بخواهم سرانجام همه مردن است.

حضرت کمی مکث نمود و فرمود: باشد؛ ولی با زیاد سجده کردن مرا (در اجابت این دعا) یاری کن.^۲

مردی از طائف به خاطر خدمتی که در زمان جاهلیت به رسول گرامی کرده بود، به محضر ایشان رسید و خود را معرفی کرد. حضرت او را اکرام نمود و فرمود: چیزی بخواه! گفت: دویست گوسفند با چوپانش می خواهم. حضرت هم به او دادند، سپس به اصحاب فرمودند: چه می شد این مرد چیزی را می خواست که پیرزن بنی اسرائیل از موسی علیهِ السلام خواست. اصحاب گفتند: او چه خواست؟ فرمود: حضرت موسی علیهِ السلام به دنبال قبر یوسف می گشت. پیر مردی به او گفت: فلان پیرزن می داند. دنبال او فرستاد، وقتی آمد، موسی علیهِ السلام گفت: قبر او را به من نشان بده، هر چه خواستی به تو می دهم! پس از صحبت هایی بالاخره گفت: خواسته من این است که در روز قیامت در درجه و مقامی قرار گیرم که تو در آن درجه و مقام هستی!

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۱، باب الصلاة علی النبی و اهل بیت.

۲. قطب الدین راوندی، دعوات، ص ۳۹.

سپس حضرت فرمود: چه می‌شد بر این شخص که از من همان چیزی را می‌خواست که پیرزن بنی اسرائیل از حضرت موسی درخواست نمود^۱.

شبهه‌هایی درباره دعا و پاسخ آن

۱. دعا عامل تخذیر است؛ به جای فعالیت و تلاش و کوشش مردم را به سوی دعا می‌فرستند و سفارش می‌کنند به جای تلاش دعا کنید!!
پاسخ:

اولاً؛ کسی که چنین شبهه‌ای را القا می‌کند، اصلاً معنای دعا را نفهمیده است؛ زیرا دعا به معنای دست کشیدن از اسباب و علل مادی نیست، دعا به معنای ترک بازار، کارخانه و مزرعه و به مسجد رفتن نیست، بلکه دعا یعنی ای بشر! مواظب باش آفت کشنده و هلاک‌کننده غفلت دامگیر تو نشود، استفاده از اسباب و علل طبیعی تو را از مؤثر حقیقی و رب‌العالمین غافل نکند، بلکه با وجود استفاده از اسباب و علل طبیعی که خود خالق، تو را مأمور به استفاده از آن‌ها کرده است، توجه داشته باش که این‌ها همه وسیله‌اند و مؤثر حقیقی خداست؛ پس اعتماد و تکیه تو بر او باشد. به همین دلیل امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید:

«الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ»^۲ یعنی کسی که بنشیند و فقط دعا کند بر تیراندازی است که کمانش زه ندارد^۲.
خلاف سنت الهی قدم برداشته است و نتیجه‌ای نخواهد گرفت و خداوند نیز چنین دعایی را نخواسته است.

ثانیاً؛ آن‌گاه که انسان به بن‌بست رسید و دست اسباب و علل مادی کوتاه شد، علم روز چه می‌گوید؟! چه راهی را به ما پیشنهاد می‌کند؟! ناامیدی و دست روی

۱. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۵۵، حدیث الذی اضاف رسول الله بالطائف.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷.

دست گذاشتن، خودکشی... .

اما دعا می‌گوید: آن‌گاه که دستت از اسباب و علل مادی کوتاه شد، ناامید نشو! امیدت به حل مشکل بیش از آن موقعی باشد که اسباب و علل مادی فراهم بود. آن‌گاه که پولت تمام شده امیدت بیش از آن موقعی باشد که پولدار بودی. ناامید نشو! اسباب و علل مادی فقط نقش وسیله را داشتند، مؤثر حقیقی منم؛ هنگام صحت و سلامتی به یاد من باش و شکر آن را به جای آور تا هنگام درد و مریضی به یادت باشم و کمکت کنم. در هنگام توانمندی متوجه من باش تا وقت ضعف و نداری یاریت کنم. هنگامی که همه اسباب و وسایل فراهم است، از من غافل نشو تا هنگام کوتاهی اسباب و علل دستت را بگیرم.

ثالثاً؛ حیطه تأثیر اسباب و علل مادی بسیار محدود است و فقط در امور مادی کارساز است، آن هم به‌طور محدود و نه مطلق. اما آیا برای جایی که دست اسباب و علل مادی کوتاه است یا در امور معنوی و جهان آخرت، ماده و مادیات چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ بله، این دعا و راز و نیاز به درگاه خداست که می‌تواند همیشه و همه جا یار و یاور و مونس انسان باشد. تا اسم مرگ می‌آید ماده و مادیات و مادیون می‌لرزند؛ اما کسی که به خدا معتقد است و اهل راز و نیاز با اوست، نه تنها از مرگ هراسی ندارد، بلکه چون تکیه‌اش به خداست، با عشق به‌سوی آن می‌رود و در وصیت نامه خود این چنین می‌نویسد:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم».^۱

۲. دعا کردن دخالت در کار خداست؛ خدا آنچه را مصلحت بداند، انجام می‌دهد. پاسخ: آری، اگر دعوت و اجازه حق تعالی به بندگان با ندای «ادعونی» نبود، دعا و درخواست بنده فضولی در کار او بود و هرگز چنین حقی را نداشت؛ اما وقتی

۱. وصیت نامه امام خمینی (ره).

خالق انسان از او بخواهد که:

«مرا بخوانید»^۱ و اضافه کند که « بگو: »پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد» و فرمود: « و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آن‌ها فاسقانند».^۲

و در جای دیگر فرمود: «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند، و تنها رضای او را می‌طلبند! و هرگز به‌خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن‌ها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن! همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».^۳

معلوم می‌شود گوینده چنین اشکالی پیام حق را نشنیده است.

۳. دعا با مقام رضا و تسلیم در برابر خواسته خداوند منافات دارد.

پاسخ:

اولاً؛ رسیدن به مقام رضا کار ساده‌ای نیست و فقط با ادعا و لقلقه زبان نمی‌توان این راه صعب العبور را طی کرد، بلکه به مجاهدت‌ها و تلاش‌های پی‌درپی و خستگی‌ناپذیر در تهذیب نفس و بیرون آمدن از چاه جهل و رسیدن به قله علم و معرفت نیاز دارد که این‌ها هم، کار ساده‌ای نیست و توفیق پیمودن چنین راهی و حرکت در راه حق و صراط مستقیم را باید از خود خداوند خواست تا با کرم و رحمت بی‌پایانش ما را به سوی آن راه رهنمون کند.

ثانیاً؛ وقتی خود خداوند بگوید: ای انسان هرچه می‌خواهی از من بخواه، حتی علف حیوان و نمک خمیرت را. آیا این با مقام رضا منافات دارد؟ اصلاً رضای خداوند در دعای عبد است، در راز و نیاز و توجه او به خالق هستی و رب‌العالمین است.

امام صادق علیه السلام خطاب به میسر می‌فرماید:

۱. غافر: ۶۰.

۲. حشر: ۱۹.

۳. کهف: ۲۸.

إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ مَنْزِلُهُ لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ؛ همانا نزد خداوند عزّ و جلّ درجه و رتبه‌ای است که جز با درخواست نمی‌توان به آن دست یافت.^۱

ثالثاً؛ دعا غذای روح است که برای آن نشاط، شادابی، طراوت، امید و آرامش را به ارمغان می‌آورد. کار، تلاش بازار، مزرعه، کارخانه و... همه و همه، در راه تهیه غذا برای جسم است؛ پس غذای روح چه می‌شود؟ اگر غذای سالم به روح نرسد و روح بیمار و رنجور شود، دیگر غذای لذیذ به درد جسم هم نمی‌خورد؛ چرا که جسم هم بیمار می‌شود. آری، غذای روح توجه به خالق خود و تابیدن نور معرفت و محبت حق بر آن است، توجه به اصول خود و متصل شدن به سرچشمه حیات و هستی است.

حالت پس از دعا

اگر به درگاه خانه خداوند رفتیم و دعا کردیم، دوحالت دارد یا آثار اجابت را می‌بینیم و یا اثری از اجابت دعا نخواهیم دید.

اما در صورت اول؛

نباید به خود مغرور شویم و فکر کنیم که استجاب دعا ما به خاطر خوبی ماست و خداوند به ما نظر ویژه‌ای دارد. شاید این تعجیل در استجاب به این دلیل باشد که ما مبعوض درگاه الهی هستیم، به ویژه اینکه اگر مورد دعا مسائل مادی و مانند آن باشد، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

چه بسا بنده‌ای چیزی طلب کند، پس خداوند تبارک و تعالی (به فرشتگان) می‌فرماید: زود خواسته‌اش را بدهید؛ چرا که (به خاطر کارهای ناشایستش) صدایش مورد غضب من است.^۲

بله، در این صورت باید خداوند را شکر کنیم و اعمال صالح خود را زیاد و اعمال ناشایست را کم کنیم و بگوییم: «خدایا! من شایسته این لطف و اکرام نبودم. تو با

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، باب فضل الدعاء.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت.

لطف و کرم بر من منت نهاده و خواسته‌ام را اجابت نمودی، یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الراحمین! خدایا از تو می‌خواهم این اجابت دعا استدراج برای من نباشد؛ پس باید بر حمد و استغفار خود بیفزاییم.

و اما در صورت دوم؛

اگر آثار اجابت را ندیدیم، هرگز نباید ناامید شویم، چرا که ﴿جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می‌شود؟!﴾^۱ و ﴿از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!﴾^۲.

به اجابت نرسیدن دعا ممکن است دلایل زیادی داشته باشد، که برای هریک باید چاره‌ای اندیشید:

الف) دعای ما به اجابت رسیده؛ ولی به ملائکه دستور داده شده که مثلاً خواسته ما داده نشود تا باز هم به در خانه خداوند بیاییم و سوز و گدازی داشته باشیم؛ زیرا خداوند صوت مناجات و دعای ما را دوست دارد. در این صورت باید باز هم به در خانه خدا بیاییم و سوز و گداز خود را بیشتر کنیم که این حالت، یعنی مورد توجه خدا بودن از برآورده شدن صدها حاجت برتر و بالاتر است.

ب) فعلاً صلاح نیست خواسته ما داده شود. انسان فکر می‌کند که اگر الان خواسته‌اش داده شود، بهتر است؛ درحالی‌که:

﴿چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است

و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است﴾^۳.

بلکه به برکت همین درخواست و دعا در وقت خودش آنگاه که مصلحت باشد،

برآورده می‌شود، پس باید به خدای حکیم اعتماد و اطمینان داشته باشیم:

﴿پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به

۱. حجر: ۵۶.

۲. یوسف: ۸۷.

۳. بقره: ۲۱۶.

مقصد برسند! ❁^۱.

ج) چون خداوند ما را دوست دارد، اجابت دعای ما را در آخرت قرار داده است؛ یعنی همان جایی که دارالبقاء است نه در دارالفناء.

د) شاید عیب از سوی ما باشد؛ یعنی آداب دعا را رعایت نکرده باشیم، پس این بار باید با توجه بیشتر و با تمام توجه و خلوص و ادب به در خانه خدا برویم.

ه) شاید هیچ یک از موارد قبلی هم دلیل عدم استجابت دعا نباشد، بلکه مانعی بر سر راه اجابت قرار دارد که باید در راه برطرف کردن آن مانع تلاش کنیم، مانند اینکه مظلومه‌ای بر گردن ما باشد، آمر به معروف و ناهی از منکر نباشیم، لقمه حرام و مال حرام در مال ما یا جسم ما وجود داشته باشد و

این بار با ادای حق الله و حق الناس و دلجویی از کسانی که موجب رنجش آنان شده‌ایم و استغفار به در خانه خدا بیاییم.

فرازهای ابتدای دعای کامل به همین مطلب ناظر است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ».

و) شاید دعای ما دعای ممنوعه باشد، مثلاً دعا برای قطع رحم، دعا علیه کسی و یا نفرین حبیب علیه محبوب و مواردی مانند این.

ز) نکته بسیار مهمی که اغلب از آن غافل هستیم، این است که در بسیاری از موارد اثر دعا برای ما ظاهر نیست؛ آثار دعای کامل‌ها، دعای ندبه‌ها و زیارت‌ها در بسیاری مواقع، برطرف کردن آفت‌های مصیبت و گرفتاری‌هایی است که قرار بود دامنگیر ما شود؛ ولی برطرف شده و چون بر ما فرود نیامده، ما اثر آن را نمی‌بینیم و گمان می‌کنیم دعای ما اثری نداشته است.

اما در روز قیامت متوجه می‌شویم که مقدر شده بود فلان روز و فلان جا بلای بزرگی بر سر ما یا فرزند و همسر ما وارد شود؛ اما همان دعا‌های ما آن را برطرف

کرده است. ما پیوسته درحالی که به خدا بدگمان بوده‌ایم که او توجهی به ما نکرده و دعای ما به اجابت نرسیده، آن‌گاه کوهی از شرم و خجالت بر سر ما سایه خواهد انداخت.

پس بهتر است بیش از همه در دعا‌های خود از خداوند متعال عقل و فهم و درک طلب کنیم. و پیوسته دعایی که رسول خدا ﷺ به حضرت علی علیه السلام سفارش نموده است را در تعقیب نمازهایمان بخوانیم:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا يَغْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوْنِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَ بَصَرًا وَ فَهْمًا وَ عِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ منزّه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نمی کند منزّه است خدایی که اهل زمین را با عذاب های گوناگون نمی گیرد منزّه است خدای رؤف مهربان. بارخدا یا در دل من نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علم قرار ده همانا تو بر هر چیز توانایی.»^۱

مسأله مهم دیگر در این باره این است که هرگاه گرفتاری شدت پیدا کرد و ما دعا کردیم و در ظاهر اثری از اجابت دعا ندیدیم، یکی از جاهای خطرناک و لغزش‌گاه‌های بزرگ است که باید بسیار دقت کنیم؛ زیرا وقت جولان شیطان در آن هنگام فرا می‌رسد که فرصتی بسیار طلایی برای ناامید کردن ما از رحمت الهی پیدا کرده است که از گناهان کبیره است. پس «خدا یا! این فهم و درک را به من عطا کن تا آن‌چنان شوم که:

اللَّهُمَّ مَنْ عَلَى التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِيزِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدَرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ خدا یا! این نعمت بزرگ را شامل حالم گردان که به تو توکل نمایم و امورم را به تو بسپارم و به تقدیرت راضی و خشنود و تسلیم فرمانت باشم تا اینکه دوست نداشته باشم جلو افتادن

آنچه را که به تأخیر انداخته‌ای و به تأخیر افتادن آنچه را که جلو
انداخته‌ای. ای پروردگار جهانیان.^۱

چنانچه در هنگام سختی‌ها و مصیبت‌ها بسیاری از افراد در دام شیطان می‌افتند و
به مصیبتی بسیار بزرگ‌تر و دردناک‌تر گرفتار می‌شوند، مانند کسی که فرزندش را از
دست داده بود و به خدا....

چه زیباست مناجات امام زین‌العابدین (علیه السلام) در دعای ابو حمزه ثمالی:

إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيِّئِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَ دَلَلْتَ
عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَ حُلْتَ بَيْنِي وَ
بَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَ مَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ
وَ لَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسَى أَيْدِيكَ عِنْدِي وَ سَتَرَكَ عَلَيَّ
فِي دَارِ الدُّنْيَا؛ معبودم! اگر مرا با غل و زنجیر ببندی و از بین
مخلوقات لطف را از من دریغ داری و در میان بندگان رسوایم سازی
و فرمان دهی تا مرا به آتش افکنند و بین من و خوبان جدایی اندازی،
امیدم از تو قطع نخواهد شد و از آرزوی عفو و گذشتت روی نخواهم
گرداند و محبت از دلم بیرون نخواهد رفت. من نعمت هایت را در دنیا
و پرده‌پوشی و حفظ آبرویم را در دنیا فراموش نکرده‌ام.^۲

و پیوسته با دو بال ترس و امید به عروج خود و رابطه خود با خالق هستی ادامه
می‌دهیم که تنها راه نجات و سعادت دنیا و آخرت همین است. و الحمدلله رب
العالمین.^۳

خطر بزرگ شرک خفی پس از استجابت دعا

گاهی برای ما اتفاق افتاده است که مشکلی داریم، دعا و نذر و نیاز می‌کنیم. از
آن جایی که اراده خداوند متعال عزوجل بر این تعلق گرفته است که با اسباب و وسایل

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۱، باب دعوات موجزات.

۲. طوسی، مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۵۹۰.

۳. نک: عدة الداعی و نجاح الصاعی از ابن فهد حلی باب چهارم.

مشکلات ما را حل کند و خواسته ما را برآورده سازد، کسی آمده و مشکل ما را حل کرده است. مثلاً در میان راه ماشینمان خراب شده، بنزین تمام کرده‌ایم، فرزندمان بیمار شده، کسی ما را به دکتری یا دارویی راهنمایی کرده و با تلاش پزشکی فرزند ما بهبود یافته است. می‌خواهیم به جایی برسیم و موقعیتی پیدا کنیم، کسی وساطت می‌کند تا ما موفق شویم و اموری از این قبیل.

در این‌جا اگر ما حل مشکل را و برآوردن نیاز را به این وسایل نسبت دهیم و خیال کنیم این‌ها بودند که به داد ما رسیدند و از مسبب الاسباب و علّة العلل غافل شویم، این همان شرک خفی است که به آن دچار شده‌ایم و شرک آلود گشته‌ایم و به کفران نعمت و اسائه ادب به ساحت ذات اقدس الهی دچار شده‌ایم. بله، البته باید به حکم خداوند از کسانی که واسطه این نعمت بوده‌اند و مشکل ما را حل کرده‌اند، شکر کرد؛ اما مهم این است که ما این را بفهمیم که همه اینها وسیله بوده‌اند و کارگردان اصلی ربّ العالمین است، مفیض او است و این‌ها واسطه فیض هستند و هر خیر و برکتی و نعمتی که به ما می‌رسد، از اوست.

در آیات زیادی از قرآن به این شرک پنهان اشاره شده است، از جمله اینکه می‌فرماید:

بگو: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید (و می‌گویید): اگر از این (خطرات و ظلمت‌ها) ما را رهایی می‌بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود». بگو: خداوند شما را از این‌ها و از هر مشکل و ناراحتی نجات می‌دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می‌دهید! (و راه کفر می‌پوید).^۱

وقتی انسان به یک گرفتاری دچار می‌شود، به‌ویژه در سفرهای دریایی و خشکی، سرما، باد و طوفان، باران و برف، دزد، گم‌شدن و گم‌کردن راه، چه در دریا و چه در

خشکی و چه در بیابان؛ به‌ویژه اگر تاریکی شب و تنهایی هم به آن افزوده شود آن‌گاه تضرع و زاری انسان جالب و دیدنی است؛ به همین دلیل قرآن از میان سختی‌ها و گرفتاری‌ها، ظلمات را به عنوان مصداق بارز آن بیان می‌کند.

در چنین حالتی وقتی انسان می‌بیند از اسباب و علل مادی کاری ساخته نیست؛ نه مال، نه مقام و نه دیگران کاری نمی‌توانند انجام دهند و خطر اطراف او را احاطه کرده است، خود را تنها و در معرض فنا و هلاک می‌بیند. در اینجا است که حجاب‌هایی که برای خودش درست کرده، کنار می‌رود، نور امیدی در دلش می‌تابد که: «نه، نباید ناامید شوم. حتماً کسی هست که بتواند به‌دادم برسد» فطرت به خواب رفته او بیدار می‌گردد، گرد و غبار آن زدوده می‌شود، دلش به خالق هستی و خالق خود، رب العالمین، متوجه می‌گردد، به یاد بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها و کوتاهی‌هایش در برابر مولا و خالق خود می‌افتد و احساس شرم می‌کند، نفس لواشه‌اش بیدار می‌شود، با تمام وجود می‌لرزد، می‌گرید، می‌نالَد و تضرع و زاری می‌کند، از همه چیز و همه کس غافل می‌شود و به آفریدگار خود متوجه می‌شود. این‌جاست که برای جبران کوتاهی خود وعده‌هایی می‌دهد: «خدایا! اگر تو مرا نجات دادی، عوض می‌شوم، دنبال گناه نمی‌روم، درباره نماز، روزه، واجبات مالی و کمک به دیگران کوتاهی نمی‌کنم، خدایا! مرا ببخش و...».

اما وقتی خداوند متعال گرفتاری او را برطرف کرد، وعده‌ها و قول و قرارهای خود را کم‌کم به فراموشی می‌سپارد و همان راه پیشین را ادامه می‌دهد و یا اینکه اصلاً نجات خود را به اسباب و علل مادی نسبت می‌دهد؛ چون خداوند با اسباب و علل به‌داد او رسید و مشکلیش را حل کرد، به شرک دچار می‌شود.

نکته مهم این است که خالق ما، آن حلال مشکلات، آن حیّ سرمد، آن غنی، حمید، کریم، رحیم، ودود و عطوف هیچ پاداش و اجر و مزدی برای حل مشکل ما نمی‌خواهد، جز اینکه انسان با آن حالت که از توحید فطری او برگرفته شده بود و آن

توجه خالصانه را که در حالت شدت و گرفتاری به دست آورده بود نگه دارد تا دوباره شرک آلوده نشود؛ آن گاه که با تمام وجود حس کرد هیچ چیز و هیچ کس نمی تواند به داد او برسد و فقط قادر مطلق برتر و آگاه است که می تواند یاری گر او باشد، شکر این نعمت را حفظ آن حالت توحیدی قرار دهد و این توبه خالصانه را پیوسته حفظ کند. خداوند می فرماید:

«آنچه از نعمتها دارید، همه از سوی خداست! و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می خوانید! (اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند. (بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، اما بزودی خواهید دانست (سرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)!»^۱
همچنین در آیه دیگر می فرماید:

«هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می شوند!»^۲

نکته مهم دیگر اینکه به قول و وعده هایی که در حال گرفتاری و درماندگی و بیماری می دهد، توجه کند. خدای نکرده قولی ندهد که پس از بهبودی همه چیز را فراموش کند، مبادا این نوعی مکر باشد و دست کم اعتبار حرف خود را نزد خدای تعالی از بین نبرد.

دعائی از امام حسین (علیه السلام)

امام زین العابدین (علیه السلام) می فرماید: پدرم عصر عاشورا مرا در آغوش گرفت و فرمود: فرزندم حفظ کن دعایی را که حضرت فاطمه (علیها السلام) به من یاد داده است و رسول الله به

۱. نحل: ۵۴.

۲. عنکبوت: ۶۵.

او یاد داده است و جبرئیل امین به رسول الله یاد داده است که درباره حاجات و مهمات و گرفتاری‌ها این چنین دعا کنید:

بِحَقِّ يَسَّ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طَه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ
عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مَنْقَسُ عَنْ
الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ
الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ
مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا؛ به حق یاسین و قرآن حکیم، به حق طه
و قرآن عظیم، ای خدایی که بر حاجت‌های حاجت‌مندان قادر و توانا
هستی، ای آنکه اسرار پنهان همه را می‌دانی، ای برطرف‌کننده مشکل
آنان که دچار گرفتاری شده‌اند، ای برطرف‌کننده غم‌های مردم
اندوهگین، ای رحم‌کننده به پسر مردان، ای روزی‌دهنده به کودکان
صغیر، ای خدایی که بی‌نیاز از بیان [حاجات] هستی، بر محمد و خاندان
محمد درود فرست و با من چنین و چنین کن [در این قسمت حاجات
خود را از خداوند درخواست می‌کنید].^۱

ضمیمه شماره ۲

فهرست برخی از منابع پیرامون ادعیه و زیارات مهدوی

- ✓ موسوعة زیارات المعصومین (شش جلد)، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- ✓ المعجم الموضوعی لأدعية المعصومین علیه السلام، علی محمد بروجردی، نشر بنیاد بین المللی دعا.
- ✓ موسوعة کلمات الامام المهدی علیه السلام، مؤسسه امام هادی علیه السلام.
- ✓ موسوعة الكلمة، سید حسن حسینی شیرازی، جلد ۲۱، کلمة الامام المهدی علیه السلام، بیروت، دار العلوم للتحقیق و الطباعة و النشر.
- ✓ ربیع الانام فی ادعية خیر الانام، عبد الحسین الطالعی، شركة میقات للنشر.
- ✓ صحیفة المهدی علیه السلام، جواد قیومی اصفهانی، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- ✓ صحیفة المهدی علیه السلام، شیخ عیسی الاهی، انتشارات رسالت قم.
- ✓ الصحیفة المباركة المهدویة، مرتضی مجتهدی سیستانی، انتشارات الماس.
- ✓ صحیفة مهدیه، (با ترجمه فارسی) مرتضی مجتهدی سیستانی، انتشارات الماس.
- ✓ دانشنامه امام مهدی علیه السلام، محمدی ری شهری با همکاری سید کاظم طباطبائی، جلد ۶ و ۷، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
- ✓ جنات المهدی علیه السلام، مجموعه ای از نمازها؛ ادعیه و زیارات از حضرت مهدی علیه السلام، علی محمد مبشر، نشر شمیم گل نرگس.

۱۴۴ ❁ ادعیه و زیارات مهدوی

- ✓ ابعاد شخصیت حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات، مجتبی معنوی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
- ✓ کامیابی دو جهان در دعا برای تعجیل فرج صاحب الزمان علیه السلام، سید مهدی حائری قزوینی، نشر عترت قم.
- ✓ فوز اکبر در توسلات به امام منتظر علیه السلام، میرزا محمد باقر فقیه ایمانی، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت.
- ✓ جلوه محبوب، سیری در دعاها و زیارت های بقیه الله الاعظم علیه السلام، اسماعیل حاجیان، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ✓ مناجات منتظران، (دو جلد) سید محمد بنی هاشمی، مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
- ✓ شناخت ابا صالح المهدی علیه السلام در آموزه های دعا و زیارت، سید کاظم ارفع، نشر فیض کاشانی.
- ✓ دعاهاى صادره از امام زمان علیه السلام در عصر غیبت صغری، محمد تقی اکبر نژاد، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ✓ فیض حضور، طیبہ صمدی، نشر نور النور.
- ✓ ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام، حسین گنجی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ✓ شرح دعای اللهم کن لولیک، محمد رضا فؤادیان، انتشارات سبط النبى صلی الله علیه و آله و سلم.
- ✓ شرح دعای سلامتی، محسن قرائتی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
- ✓ معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، صافی گلپایگانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

بخش ضمايم ❁ ۱۴۵.

✓ گلوآژه های اخلاق در نيايش امام زمان (عج)، نگاهي به دعای «اللهم ارزقنا توفيق الطاعة»، مهدی نیلی پور، انتشارات مرغ سلیمان.

✓ زندگي مهدوی در سایه دعای عهد، محسن قرائتی، انتشارات بنیاد فرهنگي حضرت مهدی (عج).

✓ شوق عهد، ترجمه و شرح دعای عهد، مجتبی کلباسی، نشر بنیاد قرآن و عترت.

✓ شرح دعای عهد، میرزا محمد بن محمد حسن بن ملا علی هرندی، انتشارات شمس الضحی.

✓ مرا عهدیست با جانان، شرحی بر دعای عهد، محسن آدم زاده، نشر هاجر.

✓ بر آستان جانان، شرح روائی زیارت آل یس، عبد الصمد شاعلی، مرکز فرهنگي انتشاراتی رائج.

✓ از تو می خواهم، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر.

✓ تو را گواه می گیرم، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر.

✓ سلام بر پرچم افراشته، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر.

✓ میثاق منتظران، شرح زیارت آل یس، سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

✓ سلوک سبز، شرح عرفانی زیارت آل یس، مهرداد ویس کرمی، انتشارات انتظار سبز.

✓ تنها راه، شرح زیارت آل یس، صادق سهرابی، نشر مهر محبوب.

- ✓ نور علی نور، مستندات قرآنی زیارت آل یس، روح الله شاهی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
- ✓ جرعه ای از زلال سرداب مقدس، شرح زیارت آل یس، سید فرید موسوی، انتشارات یاقوت.
- ✓ تفسیر و شرح زیارت آل یس، سید جعفر رفیعی، مؤسسه یاران قائم علیه السلام.
- ✓ زیارت آل یس، اصغر طاهر زاده، انتشارات لبّ المیزان.
- ✓ شرح زیارت آل یس، علی کورانی عاملی.
- ✓ مهدی علیه السلام امید منتظران، دعای ندبه از دیدگاه معصومان علیهم السلام، مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار.
- ✓ شرح دعای ندبه، سید جمال الدین صهری، انتشارات مهر قائم علیه السلام.
- ✓ حدیث آرزومندی، شرحی بر دعای ندبه، کریمی جهرمی، نشر راسخون.
- ✓ بررسی دعای ندبه، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ✓ با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، نشر موعود عصر علیه السلام.
- ✓ ترجمه و شرح دعای ندبه، (شرح ادبی) مرتضی بدخشان.
- ✓ شرح دعای ندبه از کتاب و سنت، سید علی اکبر واعظ موسوی، چاپخانه بهمن.
- ✓ شرح و تفسیر دعای ندبه، سید جعفر رفیعی، مؤسسه یاران قم.
- ✓ حال هجران، شرح فرازهایی از دعای ندبه، سیدمرتضی میر جعفری، انتشارات خرم آذین.
- ✓ شرح فراق، شرحی نو بر دعای ندبه، علی اصغر هراتیان، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.
- ✓ میراث محدث ارموی، (آثاری چند درباره دعای ندبه)، به اهتمام سید جعفر اشکوری، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

بخش ضمايم ❁ ۱۴۷

✓ نديه و نشاط شرحى بر دعائى نديه، احمد زمرديان، دفتر نشر فرهنگ اسلامى.

✓ جمال حضور در آيينه غيبت، شرح و تفسير دعائى نديه، سيد حسن خادميان، انتشارات مشهور.

✓ شرح دعائى نديه، مصطفى موسى خرم آبادى، در دو جلد، نشر همائى غدیر.

✓ دعاء النديه و توثيقه من الكتاب و السنة، مؤسسه امام هادى عليه السلام،

✓ فروغ ولايت در دعائى نديه، صافى گلپايگانى، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

✓ شرح دعائى نديه، مير باقرى، (سخنرانى مکتوب استاد مير باقرى در نه جلسه که در کتابخانه مرکز تخصصى مهدويت قم موجود مى باشد).

✓ تحقيقى درباره دعائى نديه، رضا استادى، (در کتابخانه مرکز تخصصى مهدويت قم موجود مى باشد).

✓ تفسير و شرح زيارت استغاثه به امام زمان عليه السلام، سيد جعفر رفيعى، مؤسسه ياران قائم عليه السلام.

✓ شرح دعائى افتتاح، محسن قرائتى، انتشارات بنياد فرهنگى حضرت مهدى عليه السلام.

✓ زمزمه عاشقان، شرح دعائى افتتاح، كريمى جهرمى، مرکز نشر راسخون.

✓ شرح و تفسير دعائى افتتاح، شيخ عباس ايزدى.

✓ هداية الالباب، الى شرح زيارة السرداب، شيخ محمد جميل حمود، مرکز العترة للدراسات و البحوث.

✓ شرح زيارت ناحيه مقدسه، (۴ جلد) سيد هدايت الله طالقانى، نشر سابقون.

✓ آه و سوز امام زمان عليه السلام در زيارت ناحيه مقدسه، على محمد مبشر، انتشارات وثوق.

منابع و مآخذ

قرآن

١. امام عسکری علیه السلام حسن بن علی؛ **تفسیر منسوب به امام حسن عسکری**، قم، مدرسه امام مهدی، ١٤٠٩ق.
٢. ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ **شرح نهج البلاغه**، تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق (نور ٣)
٣. ابن طاووس، علی بن موسی؛ **الاقبال بالاعمال الحسنه**، تحقیق: جواد، قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ١٣٧٦ش.
٤.؛ **ادب حضور** (ترجمه فلاح السائل)، ترجمه: روحی، محمد، قم، انصاری، ١٣٨٠ش.
٥.؛ **المجتبی، من الدعاء المجتبی**، تحقیق: ابو طالب، کرمانی، قم، دار الذخائر، ١٤١١ق.
٦. ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ **المزار الکبیر**، تحقیق: جواد، قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٩ق.
٧. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**، تحقیق: جمال الدین، میر دامادی، بیروت، دار الفکر، چاپ سوم، ١٤١٤ ق.
٨. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، **وقعة الطف**، تحقیق: محمد هادی، یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین، ١٤١٧ق.
٩. احمدی جلفائی، حمید؛ **بررسی سندی دعای سلامت امام زمان**، انتظار موعود، شماره ١٨، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ١٣٨٥ش.
١٠. امینی، عبد الحسین احمد؛ **الزیارة**، بی تا، بی جا.
١١. بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل؛ **صحیح**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ١٤٢٠ق.

منابع و مآخذ ❁..... ۱۴۹

۱۲. پاینده، ابوالقاسم؛ **نهج الفصاحة**، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.

۱۳. پور سید آقائی، مسعود؛ **چشمه در بستر**، قم، انتشارات حضور، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

۱۴. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره؛ **سنن الترمذی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.

۱۵. جوادی آملی، عبد الله؛ **امام مهدی موجود موعود**، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.

۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ **وسائل الشیعة**، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۱۷. حیدری نیک، مجید؛ **نگاهی دوباره به انتظار**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.

۱۸. خوئی، سید ابو القاسم؛ **معجم رجال الحديث**، بی تا، بی جا.

۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.

۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ **فروغ ولایت در دعای ندبه**، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.

۲۱. رضی، ابو الحسن محمد بن حسین؛ **نهج البلاغه**، قم، دار الهجرة، بی تا.

۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ **کمال الدین و تمام النعمة**، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۲۳.؛ **الخصال**، تحقیق: علی اکبر، غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

۲۴.؛ **علل الشرايع**، قم، کتاب فروشی دآوری، ۱۳۸۵ ش.

۲۵.؛ **التوحید**، تحقیق: هاشم، حسینی،

۱۵۰ ❁ ادعیه و زیارات مهدوی

قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.

۲۶. طباطبائی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۲۷. طبرسی، احمد بن علی؛ **الاحتجاج علی اهل اللجاج**، تحقیق: محمد باقر، خراسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

۲۸. طبری، محمد بن جریر؛ **دلائل الامامة**، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.

۲۹. طریحی، فخر الدین محمد؛ **مجمع البحرین**، تحقیق: احمد، حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۳۰. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ **تهذیب الاحکام**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۳۱.؛ **کتاب الغیبه**، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.

۳۲.؛ **مصباح المتعبد و سلاح المتعبد**، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۳۳.؛ **الامالی**، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۳۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه؛ **تفسیر نور الثقلین**، تحقیق: سید هاشم، رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۳۵. فخر الدین رازی، محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

۳۶. فیض کاشانی، ملا محسن؛ **المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء**، تحقیق: علی اکبر، غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۳۷. قطب الدین راوندی؛ سعید بن هبة الله، **الدعوات**، قم، مدرسه امام

مهدی، ۱۴۰۷ ق.

۳۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ **تفسیر القمی**، تحقیق: موسوی جزائری، قم، طیب، دار الکتاب، ۱۴۰۴ ق.

۳۹. کبیر مدنی، سید علی خان بن احمد؛ **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین**، تحقیق: محسن، حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.

۴۰. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ **البلد الامین و الدرع الحصین**، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ ق.

۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

۴۲. لیثی واسطی، علی بن محمد؛ **عیون الحکم و المواعظ**، تحقیق: حسین، حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۴۳. مسلم بن الحجاج قشیری نیشابوری؛ **صحیح**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.

۴۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.

۴۵.؛ **مرآه العقول**، تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.

۴۶.؛ **زاد المعاد**، تحقیق، اعلمی، علاء الدین، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.

۴۷. مصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۴۸. مفضل بن عمر؛ **توحید مفضل**، تحقیق: مظفر کاظم، قم، داوری، بی تا.

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**، تهران، دار الکتب الاسلامیه،

۱۳۷۴ش.

۵۰. مفید، محمد بن نعمان، **الامالی**؛ تحقیق: استاد ولی و علی اکبر، غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۱.: **عدم سهو النبی ﷺ**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی؛ **مکیال المکارم**، ترجمه: سید مهدی، حائری قزوینی، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ش.

۵۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ **الغیبه**، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.